

فہرست کتاب سایم لازما فی الصلوۃ سیدالابرار

باب اول تحقیق معنی صلوۃ	۱	باب ششم در ذکر عقوبات ترک صلوۃ	۸
باب دوم بقریۃ صلوۃ	۲	باب ہفتم تفصیل مواقع صلوۃ در مقام است	۹
آیہ ان اللہ ملائم شئین شئت فاق	۵	مقام اول در مواقع وجوب صلوۃ و انہا چہاں است	۱۰
باب سوم در بیان حکم صلوۃ	۶	مقام دوم در مواقع نوب و انہا چہاں است	۱۱
در وجوب صلوۃ علماء قول است	۷	مقام سوم در مواقع کرات صلوۃ و انہا چہاں است	۱۲
باب چہارم در ذکر فضیلت صلوۃ	۸	باب ہشتم در بیان حکم صلوۃ بر غیر ان حضرت صلی علیہ وآلہ وسلم دوران دوم حد است	۱۳
منہ اول در احادیث نبویہ و در احادیث روایت است	۹	مرصد اول در حکم صلوۃ بر دیگر انبیاء علیہم السلام	۱۴
منہ دوم در آثار و منامات	۱۰	مرصد دوم در حکم صلوۃ بر غیر انبیاء علیہم السلام و دوران دوم بحث است	۱۵
آثار مروی است از ابی بکر صدیق رضی اللہ عنہ	۱۱	منہ اول در جواز عقل	۱۶
منامات منقول است از عبد اللہ بن حکم	۱۲	منہ دوم در جواز شرعی	۱۷
ضابطہ از شیخ البوطاہ یکے	۱۳	باب نہم در کیفیت صلوۃ و دوران چہار مورد است	۱۸
باب ہشتم در تعدی ثمرات صلوۃ و دوران صدقہ	۱۴	مورد اول در صیغہ یکے در احادیث ثمریہ و ارد اللہ و ان ۳۳ حد است	۱۹
تذکرہ در جواز رویت و صلی اللہ علیہ وسلم و بیانی	۱۵	مورد دوم در بعض صیغہ اکابر سلف و خلف	۲۰

ن	در روز دوشنبه در وقت صبح در آن مائده است	ف	باب اول در فوائد تفوت و در آن فائده است
ذ	در روز دوشنبه در وقت صبح در آن مائده است	م	در روز دوشنبه در وقت صبح در آن مائده است

بفضلہ از صنیعہ خاتمہ غفر ما علما و متقربا کرامہ فیہ از حضرت مولانا مولوی

محمد غوث جبار حرم مغفور دیوان تاج و تاجدار اگر ملک کتب مستطاب است

اصول و اسرار

در شجره شہر اکابر با تمام نبدہ ضعیف بنید لطیف

بتصحیح تمام و درستی تمام مطبع مظہر العجائب حلبہ انطباع پوشید

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله
على سيدنا محمد وعلى آله واصحابه وسلم

سپاس تقدس اسرار و ستایش تنه اقبال خدای عزوجل که است محمدی را بجلای مستطایا ایها الدین
امنوا صلوا علیہ وسلموا تسلیما استیاز بخشد و بظار زین قبای و لئلا علیهم صلوات من بهم
و حرمت و اولئک هم المتمدنون معزز و سبائی کرد اند و تاج مکل هو الذا فی یصل علیکم و ملائکته
بسر بر باد و برائت عطره صل علیهم ان صلوات سکن لهم مشام و لهار اطراوت بی اندازد و او جل جلاله و عم
نواله افضل صلوات او کمل تسلیما بر سید کائنات خلاصه موجودات صدر نشین عسی ان یبعثک ربک مقام
محمود انا زین مہمان مائدہ و کسوف یعطیک ربک فترضی بر ال کرام و اصحاب اعظام علیہ علیهم صلوات اللہ
الملک المنعم اما بعد میگوید بندہ خاکسار عاظمی محمد غوث بن ناصر الدین محمد ناظمی شافعی ارکانی اعتقہم اللہ
عن وثاق الجحیم و استلهم باجود حرات النعمیم کہ شغال بہ صلوات و تسلیم بر نبی کریم اقرب و بل رفع و جات
و مجوسدات و نزول صلوات رحمان و درود انبیا و فرشتگان و تقاضا عفو حسنا و استجاب دعوات و کفایت مہما
و اسرار عظمی لایم العیام و غفران ذنوب کشف کرب و ادراک شفاعت نبو و ریت جمال مصطفی و بشارت
و کفارت معصیت و نجات از اسوال و برکت و تفسیر اسوال و زینت محفل حل مشرک و تزکیہ اعمال و کمال بوائی
کیال و نور بر صراط مستقیم و شہادت رسول کریم و رجحان میران و عفو از درکات نیران و دیگر جلایل فوائد
و شرافت عوائد است و اکثر علماء درین باب سائل جلیله و صحائف جزیلہ تالیف کرده اند لیکن سبب عبرت
عبادات و وقت اشارات از فهم عوام بعید تر افتاده این عاظمیہ یا معاصی با وصف قلت لبضاعت و عدم
استطاعت و کمال ابعاد منصب علما و عدم مناسبت بمقام فضلا و تراحم غوائل کونا کون و تراکم شواغل قلوب
تظربا فادہ اخوان صادق و خدان موافق این رسالہ بعبارت فارسیہ با توضیح بیانی و تسہیل سعادت تحقیق

بر مقام بلاست کلام در حدود ۲۰۰۰ یکنهزار و دویست و چهار از هجرت نبی خاتم الانبیا علیه افضل الصلوة و افضل
 من الله العزیز الغفار جمع نمود و بر باب مرتب کرد و نامش کتاب الامانة على سيد الانبياء
والله الموفق والعين وعليه توكل و بیانشین الهی تحفه این بیضاغت را که از خصوصیت
 نیت انداموده در جناب سالت مآب حضرت شفاعت اغساب محمد مصطفی صلی الله علیه و آله حکما
 یحب و یرضی مقبول کرد آن شعور علی بابک العالی مددت بدد الرجا او من جلا هذا الباب لا
 اسرنا باب اول در تحقیق معنی صلوة بیضاوی رحمه الله در تفسیر آیه و یقفون الصلوة
 گفته که صلوة بر وزن قعدة از صلی بمعنی و علو تسمیه بدان بنا بر شمال اوست بر در عبادت موسی علیه السلام
 گفته که صلوة بمعنی دعا و رحمت و استغفار و حسن ثنا از خداست بر رسول و دست صلی الله علیه و سلم و عباد
 در آن رکوع و سجود است در صراح گفته که صلوة نماز و دعا است از منده و رحمت از خداست و در دو بر رسول
 و فرستگان و شیخ ابن حجر مکی رحمه الله در کتاب الدر المنفوذ فی الصلوة و الامام علی صبا المقام المحمود گفته که اصل
 صلوة در لغت راجع بدعاست از آن قول فی تعالی و صل علیهم و قول و صل الله علیه و سلم اذ ادعی احد
 الی طعام فان کان صائما فیلصل ای فلیدع و دعا بر دو قسم است دعای عبادت و دعای سالت تفسیر
 ادعونی استجب لکم یا بن بر و کرده اند یعنی اطیعونی انکم و سلونی اعظمکم و عبید القادر
 شیخ بن عبد الله عید و سر رحمه الله نیز در تحفه الغریب بالصلوة علی الشفیع الحسین بن عبد الله بن عبد الملك بن عبد
 السلام رحمه الله نقل کرده که صلوة در اصل لغت دعا است انتمی پس برین اقوال اشغال صلوة در نماز
 و در و در و حقیقت لغوی است و نقل شرعی را در آن دخل نیست و ز تحشری و در کشف گفته که صلوة مشتق
 از صلی بمعنی تعویم چوب باتش پس ناقص یا عی است و در فایق گفته که مشتق از صلوات بمعنی تحریک صلوات
 پس ناقص و اوی است پس منقول است در شرع بر سر ارکان مخصوصه بنا بر تعویم انسان بدان از کجی و بنو
 یا بنا بر شمال آن بر تحریک صلوات و آن بسکون لام دو رکعت در دو جانب ایستاد و اتحان است
 بر سر منقول است بسو و عالیکن لازم آید نقل بعد نقل و بر منقول عنه و آن ممنوع است یا منقول است
 بسو نماز و دعا بر سهیل شتر اک لفظی و در مراد از صلوة نیز اختلاف است از ابی العالیه رابع بن حسن
 مرویت که معنی صلوة از خداست تعالی ثنای اوست بر نبی صلی الله علیه و سلم نزد ملائکه و از ملائکه دعا است
 و در فتح الباری شرح بخاری گفته که از خداست تعالی و تعظیم و از ملائکه غیر ایشان طلب یاده آن است و منقول
 است از سفیان ثوری و ضحاک که جمیع الله که صلوة از خداست تعالی بمعنی رحمت است از ابن عباس رضی الله عنهما
 که صلوات از ملائکه عابیه برکت است و از مقاتل بن حبلان رحمه الله منقول است که صلوة از خداست تعالی و از

فرشتگان استغفار است و انجا که حمد الله روايت ديگر است که صلوة از خداي تعالی مغفرت و از ملائکه دعاست و از
 حمد الله منقول است که صلوة از خداي تعالی رحمت و از ملائکه رفت است و از جمیع حمد الله منقول است جواز بودن
 صلوة بمعنی سلام پس عطف و سلم بر صلوة در آیه کریمه از قبیل عطف مترادفین است و در کرده اند این قول را
 مانند احادیث صحیحی فرق میکنند میان صلوة و سلام و نزد بعضی صلوة خداست و استعاذ بر انبیاء علیهم السلام
 بمعنی ثناء و تعظیم است و بر غیر ایشان رحمت است و قاضی عیاض حمد الله از بکر تفسیری نقل کرده که صلوة بر نبی است
 و زیادت مکریم است بر غیر نبی رحمت و حلیمی حمد الله در شعب الایمان آورده که معنی صلوة بر نبی تعظیم است
 و نزد بعضی صلوة از خداست و از ملائکه استغفار و از آدمیان دعا است و سید سند حمد الله در حواشی
 شرح حکمة العین تصریح کرده که از وحش و طیور بمعنی تسبیح است و نیز حلیمی حمد الله گفته که مراد از صلوة بروی
 صلی الله علیه و سلم تقرب بسو خداي تعالی است با دای صلوة و قضا حق وی صلی الله علیه و سلم معنی اللهم صل على محمد
 این است اللهم عظمه في الدنيا باعلاء ذكره و اظهار دينه و ابقاء شريعته و في الآخرة باجزال
 مشوبه و تسفيحه في مثله و انكاف فضيلته بالمقام المحمدي یعنی ای خداي تعالی بزرگ کن محمد را در دنیا
 به بلند کردن ذکر او و ظاهر کردن دین او و باقی داشتن شریعت او و بزرگ کن او را در آخرت به زیاده کردن
 ثواب او و قبول نمودن شفاعت او و در امت او و ظاهر ساختن فضیلت او و بعلت انتقام محمود و فتح غزالدین بن
 عبد السلام حمد الله گفته که صلوة ما بر آنحضرت صلی الله علیه و سلم شفاعت و حق وی نیست زیرا که امثال
 ما در حق وی صلی الله علیه و سلم چه شفاعت خواهند کرد لیکن ویتعالی امر کرده است بمکافات احسان و چون ما را
 در مکافات احسان آنحضرت صلی الله علیه و سلم عاجز یافت بحض فضل خود امر کرد بدعا که تا مکافات احسان
 وی صلی الله علیه و سلم شود و جمیع گفته اند که فائده صلوة عائد بسو متصل است زیرا که صلوة دلالت میکند
 بر نصوص عقیدت و خلوص نیت و اظهار محبت و مداومت بر طاعت و احترام وی صلی الله علیه و سلم که
 از اعظم شعب ایمان است **باب دوم در تفسیر آیه صلوة بدانکه اصل در شریعت صلوة آنکه کریمه**
ار الله و ملائکته یصلون علی البیضاء الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما است بدین
 خداي تعالی و فرشتگان او در و میفرسند بر پیغمبر خدای آن گسالة ایمان آورید و در و گوئید بروی و سلام
 گوئید سلام گفتنی حسین کاشفی در تحفه الصلوة از ذخیره المذکرین نقل کرده که چون ملائکه بعد از نوح و نوح
 آدم علیه السلام ما بر سجود وی شدند و نصوص ایشان آن بود که چون حضرت خاتم صلی الله علیه و سلم ظهور فرمایند
 همان امر بسجود و جود خواهد کرد بعد از آن که عرشه عالم بلعات و جودش منور شد آن فرمان شرف صدور
 نیاحت حق سبحانه بجهت دفع توهم تفضیل آدم بر سید عالم صلی الله علیه و سلم خود بروی در و فرستاد و ملائکه

تقریب

و مومنان را بعد از آن امر فرمود تا اقامه ای تعالی کند و از فضل آن حضرت صلی الله علیه و سلم اشارت یابند و در تفسیر
آورده که چون این آیه شریفه نازل شد امیر المومنین ابوبکر صدیق رضی الله عنه عرض کرد که یا رسول الله هیچ چیز
که خداست را بآن مخصوص و مشرف گردانیده مگر ما را شریک آن کرده پس نازل شد ای کرمه هو الله فی صلی
علیکم و ملائکته پوشیده ماند که این الله و ملائکته الخ شتمل است بر چند قایق اول آنکه مقصد
شد به لفظ آن که برای تحقیق مضمون جمله تاکید آن است و بی تم تعبیر یافت به جمله اسمیه مفید دوام و استمرار است تا
کند بر دوام و استمرار صلو و شکر و ملائکه بروی صلی الله علیه و سلم و بیان مرتبه علیه و درجه سینه بی کس از انبیا
علیهم السلام فایز نگردد و بی سیم اضافت لفظ ملائکه که صیغه جمع است و اضافت جمع مفید استعزاج میگردد و در
اضافت ملائکه بصیغه راجع به الله تعالی دلالت دارد بر اتمام شان چهارم خبر از جمله علیه و در قیالات
بر تجدید صلو و شکر و ملائکه و تفاوت و این تشریف اتم است از تفسیر آدم علیه السلام سجد و ملائکه بنا بر شکر
او تعالی با ملائکه در صلو و استمرار صلو بخلاف سجد که یکبار شد و منقطع گردید و نیز در امر سجد و تا در سجد
و تکبیر آنها بود بخلاف صلو که بر آن محض تعظیم و توقیر است و نیز امر ملائکه سجد و بر آن نور محمدی بود که در حسین
آدم علیه السلام بعد از شکر قال اللهم الرازی تخم تغییر کرد و در صلی الله علیه و سلم را حفظ غنی و تصریح نمود
بنام وی زیرا که کنایات الخ از تصریح است و در آن اشارت است بطو مرتبت و خاتمت منزلت و صلی الله
علیه و سلم بخلاف دیگر انبیا علیهم السلام که آنها را غالباً با سماء آنها تعبیر کرده است و لام تعریف مفید عهد
است و در آن اشارت است باینکه و صلی الله علیه و سلم معروف و حقیق باین وصف است ششم خطاب کرد
به یا ایها الذین امنوا یا ایها الناس که شامل است مومنین و کفار را زیرا که صلو و بروی صلی الله علیه
از احوال و مسائل و انفع ذرائع است و کفار را وسیله نیست پس ناو در لفظیکه شامل باشد آنها را و در مومنین
بر اخبار بصلوة ملائکته است بریکه فرشتگان با وصف عصمت آنها از معاصی هر گاه تقرب جویند بسور و تعالی بصلوة
بر آن حضرت صلی الله علیه و سلم پس ادیان حق و اولی اند بدان معنی لفظ صلو و سلم و ادالات دارد بر وجوب صلو
و سلام چنانچه حافظ ابو عمر بن عبد البر رحمه الله نقل کرده است بر آن اجماع علماء و صیغه امر موضوع است بر
وجوب حقیقه نزد محققان اهل اصول مگر دلیل صرف کند از آن پس در آنوقت مفید و خوب است هشتم مکرر کردند
جمله سلمو را بمصد و صلوا را تاکید بمصدر نکرد زیرا که صلو مکرر است بحرف تحقیق و باعلام صلو و صلوا
و ملائکه و باضافت ملائکه و سلام ازین تاکیدات خالی بود پس مکرر گردانیده به مصدر و تخصیص اسناد سلام
به مومنان از آن است که سلام چنانچه بمعنی تحیت است بمعنی الفیاء هم آمده و این معنی اخیر صحیح است در حق مانده در حق
خداست تعالی و ملائکه پس ترک آن برای دفع این ایهام است یا صلو متضمن است سلام بمعنی تحیت را پس

صلوات خدا و ملائکه مستلزم سلام است و صلوة مانیز اگر چه مستلزم سلام بمعنی تحت است لیکن مستلزم آن بمعنی
 مثبتیت و از انقیاد مقصود و از اینجا است تفسیر بعضی علما سلمو را به انقاد و تحقیق معنی صلوة در باب سابق
 گذشت اما سلام پس در معنی آن چهار وجه است یکی سلامت از نقائص و آفات و در بیشتر سلام مصدر است و
 سلام نام خداست یوم بمفر انقیاد چهارم بمعنی تحیت پس معنی السلام علی محمد و آله و سلم
 من النقائص است و بر وجه دوم حفظ السلام ای الله علیه و آله حفظ و بر وجه سیم اللهم صل
 العباد منقادین که و بر وجه چهارم التحية علیه و آله و سلم منقادین است از ابن دقین العید رحمه
 و شیخ محمد بنی فاسی رحمه الله در مطالع المسرا شرح دلائل الخیرات گفته که بر تقدیر جزا استعمال لفظ مشکر در
 جمیع مفهومات دفته و چنانچه مختار مالکیه و شافعیه است صحیح باشد که سلام کننده بر و صلی الله علیه
 و سلم این همه وجوه سماع را اراده کند و فتح و در اعواب لفظ ملائکه خلاف است عامر قرانصب میدهند بنا
 عطف او بر لفظ الله و یصلون خبر است از هر دو یا خبر است از لفظ ملائکه و خبر لفظ الله محذوف است
 بدلات آن بعضی ترجیح داده اند ثانی را بتعاضد صلوات و بعضی اول را و توجیه باینکه صلوة موضوع است
 برای قدر مشترک یعنی عطف که نسبت بخداست تعالی رحمت و نسبت بملائکه استغفار و نسبت به آدمیا
 دعا است و نزد بعضی قرائن نوع است و برین وجه دو احتمال دارد یکی آنکه معطوف است بر محل اسم آن و
 و یصلون خبر است از هر دو و دوم آنکه ملائکه مبتدا است و یصلون خبر آن است و این جمله معطوف است
 بر جمله سلبه و خبر لفظ الله محذوف است تا لازم نیاید تواند دو عامل بر معمول واحد و در کلام عرب یا
 نشده که فعل واحد مختلف شود معنی او باختلاف سنده الیه در وقتیکه اسناد حقیقی باشد و از توجیه مذکور رجوع
 این ظاهر شد فتفطن اگر کسی گوید که بر تقدیر کرد انیدل لفظ یصلون خبر از هر دو لازم آید تشکیک
 خدا تعالی و ملائکه در یک ضمیر و آن موصوفه و منوع است بدلیل تشریف نبوی صلی الله علیه و آله که
 شخصی در حضور وی صلی الله علیه و آله خواند من یطیع الله و رسوله فقد اثنی الله و من یعص الله
 فقد عصى پس فرمود انحضرت صلی الله علیه و آله لم یثن الله الخلیف ان انت قل و من یعص
 الله و رسوله یعنی بدخطیب هستی تو که شریک گردانید خدا و رسول را در یک ضمیر بگو
 من یعص الله و رسوله جواب داده اند که تشکیک در آیه کریمه صادر است از خدا تعالی
 بر اثر تشریف ملائکه و از آن متوجه نمیشود نقص زیرا که شارع مختار است و از اینجا است قول انحضرت صلی الله
 علیه و آله که فرمود لا یؤمن احدکم حتی یتکون الله و رسوله احب الیه مما سواهما
 تشریک فرمود در ضمیر سواها خدا تعالی و نفس خود را و اما من خطیب از آنجست است که منصب قابل

است و موهم نقص یا نیکه جمع کرد خدا و رسول را در یک ضمیر برعم تساوی هر دو و نزول این آنکه کریمه و امر بصلوة در
 سال دوم است از هجرت پس آیت مذمت کذا قال ابو ذر الهروی رحمه الله و به قول بعض علماء بصلوة
 و شب معراج است و مناسبت این آیت با ما قبل و این است که در آیات سابقه امر است مرصحا به را خصوصا
 و همه است را عموما بتعظیم حرمت او صلی الله علیه و سلم و التزام ادب با او در ظاهر و باطن و انقیاد مراد او
 از فعلیکه محل تعظیم و احترام است پس اگر مثلاً قائل گوید که سبب این تشریف عظیم لا نظیر چیست پس گفته شود
 که سبب آن این است که خدا تعالی او را مخصوص گردانیده است بصلوة خود و امر کرده است مومنان را بدان
 پس این آیت گویا سبب است بر آیات سابقه زیرا که از این امر معلوم شد رفعت مرتبه آنحضرت صلی
 علیه و سلم و آن تمام انقیاد و اطاعت است و در اولی سابقه و مناسبت آن با ما بعد نیز همین است زیرا که در آن
 از این روی صلی الله علیه و سلم **باب سیوم در بیان صلوٰة** اولاً خلاف است در اینکه امر است
 کریمه محمول است بر وجوب یا استحباب ابن جریر طبری رحمه الله قائل استحباب شده و ادعا اجماع بر آن نموده و این
 قول مردود است زیرا که ابن عبد البر رحمه الله گفته که اجماع دارند علماء بر اینکه صلوٰة فرض است بر هر مومنی
 آیت و قرطبی رحمه الله گفته که نیست خلاف در وجوب آن و در غیر یکبار پس قول ابن جریر محمول است بر زائد
 و بعد تحقق وجوب علماء را ده قول است اول اینکه واجب است فی الجملة بدون وجه و اقل درجه که بدان حاصل میشود کفایت
 در غیر یکبار است و قائل آن قاضی ابو الحسن بن قسار مالکی است رحمه الله و ادعا اجماع بر آن نموده و بیضاوی رحمه
 نیز در تفسیر خود مایل بدان است و قول قرطبی نیز میگوید او است و لیکن قول ابن عبد البر دلالت بر آن ندارد و دوم
 است در غیر یکبار بی تعیین محل چون کلمه توحید زیرا که امر مطلق مقتضی مکرر نیست ماهیت حاصل میشود بر تکرار
 واحد بر آن است امام ابو حنیفه و امام مالک جمهور علماء هم الله سیوم واجب است در مطلق صلوٰة بدون تعیین
 محل منقول است این قول از امام محمد باقر رضی الله عنه چنانچه واجب است در صلوٰة و ترشید مطلقاً و آن قول
 شعبی و ابن راهویه است و تخم واجب است در قعود اخیر میان تشهد و سلام تحمل آن است قول امام شافعی و
 اتباع او و رحمه الله ششم واجب است در دعا افتتاح صلوٰة و بر آن است بعضی حنا بله یقین واجب است اکثر
 بدون تعیین عدد و محل و این قول ابو بکر بن بکیر مالکی رحمه الله ششم واجب است نزد ذکروی صلی الله علیه و سلم
 در هر مجلس یکبار اگر چه ذکر و مکرر شود حکایت کرده است این قول را از نخشری و بعضی از شرح هدایه از حنیفه
 گفته که بر قول صحیح یکبار کافی است حکما قال الشیخ ابن حجر المالکی رحمه الله نعم واجب است در هر دعا
 این قول را نیز نخشری نقل کرده است و هم واجب است هرگاه ذکر و صلی الله علیه و سلم شود و بر این است طحاوی

و جمعی از حنفیه طحاوی گفته که هرگاه کسی بشنود ذکر وی صلی الله علیه و سلم از غیر یا خود ذکر وی کند واجب است صلوة
 و جمعی از شافعیه مثل حلی و استاذ ابوالواحی اسفهرانی و شیخ ابوحامد اسفهرانی و جمعی از مالکیه مثل طبرسی و ابن
 عربی و فاکهانی و طحی و از حنابلہ ابن بطرہ بران اند و بقضای بنی زعفران خود حکایت کرده و گنجی و زکریا گفته
 این قول احوط است و در تحفة الغرب نیز آنرا ترجیح داده و شیخ ابن حجر مکی رحمه الله نیز مایل بترجیح آنست و برین قول
 بخند وجه اعتراض کرده اند اول آنکه بنای این بر قول ضعیف است که مطلق مفید تکرار است و جواب داده اند
 که بنای آن بران قول ضعیف نیست بلکه بر اوله دیگر است از احادیثیکه مشتمل اند بر دعا بر غم انف و ابوعاوشا
 و وصف به بخل و جفا و غیر آن که مقتضی و عید است بر ترک صلوة نزد ذکر وی صلی الله علیه و سلم و وعید
 از علامات و جواب فعل است این عجا و از الله عز و جل ذنوبه میگوید که قول باینکه مطلق مفید تکرار است قول ضعیف
 بلکه استاذ ابوالواحی اسفهرانی از عمد کان اهل اجتهاد است و ابوحاتم قزوینی و جماعه از فقهاء و متکلمین بران برفته اند
 پس یکم کسانیکه قایل اند باینکه صغیر بر اطلب فعل است مطلقا نیز گفته اند که اگر قرینه بر دوام و تکرار باشد متحمل
 تکرار است کما حقق فی الاصول و در آیه کریمه قرینه بر تکرار قایم است زیرا که لفظ یصلون دلالت دارد بر تکرار
 صلوة خداست تعالی و ملائکه و در تفهیم اخبار بصلوة خداست تعالی و ملائکه بر امر مومنین بدان اشارت است یا قندا
 با و تعالی و ملائکه و تجد و تکرار فعل مقتضی قرینه قوی است بر اجد و تکرار فعل مقتضی و الله اعلم و دوم این قول مخالف
 اجماعی است که پیش از وجود قائل آن منعقد شده است زیرا که مخبر و نشاندین قول نه از شیخ صحابی و نه از شیخ تابعی
 جواب قایلان این قول نیز از آنکه نقل اند پس جایز نخواهند داشت خرق اجماع بر تسیم تمام نمیشود و بر اثبات
 بهین قدر که از صحابی و تابعی معروف نشد بلکه ضرورت حفظ اجماع صریح بعدم و وجوب بوم در صورت صحت
 این قول لازم عدم تفرغ سماع بر اعمالی دیگر جواب ممکن است تفرغ برای عبادات دیگر زیرا که تمام روز و شب کسی
 مشغول بیکر و صلی الله علیه و سلم نمیشد که او را فراغت بر عبادات دیگر پیشتر و چهارم لازم آید بر آن قول
 بوجوب آن در حق مومن و سماع وفاری که بگذرد بذكر و صلی الله علیه و سلم و متلفظ بکلمتین شهادتین و دران
 حرج است و درین شریعت سحر حرج نیست جواب قایلان آن التزام و وجوب در موطن مذکوره میکند و دران
 زیادت حرج نیست بلکه اهل سعادت را دران لذت است چنانکه لازم آید شناسایی تعالی نزد ذکر و تعالی نیز واجب است
 بر بار و کسی بدان قائل نیست جواب این سخن مسلم است چنانچه جمعی تصریح بوجوب تکریر ثنائی و ذکر و تعالی کرده
 و جمعی گفته که تکریر ثنائی و ذکر بیکر و ذکر الهی واجب نیست بخلاف صلوة که واجب است تکریر بران نزد تکریر ذکر وی
 صلی الله علیه و سلم زیرا که حقوق الهی بر ساحت و توسیع است و حقوق عبادی بر ساحت و تنصیف است
 حتی الامکان ششم از شیخ صحابی منقول نیست که گفته باشد یا رسول الله صلی الله علیه و سلم جواب در طرق متعدده

وارد است که صحابه رضی الله عنهم چون سئید یا رسول الله صلی الله علیه و آله میگردیدند، این صلی الله علیه و آله میفرمودند: ای عقیق! منعم احادیثیک را در وعید
بر ترک صلوٰه است صاویرت بطریق مبالغه و نیز تاکید جواب عمل احادیث بر مبالغه بخارج سند است
و سندش منقول و نیز قائلان و جواب خلاف دارند و درین که فرض عین است یا فرض کفایه کثری بر اول اند و بعضی بر ما
و سلام اگر معنی انقیاد گیرند نیز در حکم آن خلاف است جمعی هم در آن تصریح کرده است و جواب آن نزد ذکر وی
صلی الله علیه و آله و سلم و این فارس لغوی نیز تسبیح کرده است همان سلام صلوٰه در فرضیت بنا بر دو ادب هر دو در آن
و شیخ الحنفی که در آن ذکر کرده است منقول گفته که سلام مثل صلوٰه است و جواب در صلوٰه و امام نووی رحمه الله
در او کار خود بکرات افراد صلوٰه از سلام و کس آن تصریح کرده اگر کسی گوید که تعلیم آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم
مصحاب را قبل از تعلیم صلوٰه بود چنانچه احادیث هر یک صحیح بر آن دلالت دارند و این مقتضی جواب افراد سلام از صلوٰه است جواب
گفته اند که جائز نیست که تعلیم سلام قبل از نزول آیه صلوٰه باشد زیرا که نزول آیه صلوٰه در سال دوم از هجرت است و جواب سلام
شبع از نزول فرضیت است بر قول بعضی که صلوٰه نیز در شعب معراج است تعلیم صلوٰه بعد از نزول آیه است نه بعد از
پس احتیاج باین جواب نیست لکن این قول ضعیف است و در فتح الباری قول است از توحید کرده است باینکه مکرر است
صلوٰه و ترک سلام مطلقا پس اگر صلوٰه گوید و وقتی و سلام گوید و در دیگر مکرر نیست این عاصی غلیظ
عنه میگوید که بنای این محاکمه بر آنست که او عطف را در و لم و ابرار مطلق جمع دارند خواه بمعیت باشد یا بقتدم
و اگر برای معیت یک نفر چنانچه در قاموس جرجیس داده و ابو یوسف و محمد رحمه الله صبا حبان ابی حنیفه رضی
الله عنه نیز آنرا اختیار کرده اند تفصیلا از اشکال شکل است اگر سلام معنی انقیاد گیرند فلاکرت اول اشکال
باب دوم در ذکر فضیلت صلوٰه و این باب ششم است بر مظهر منظر اول

در احادیث بنویس که دلالت بر فضیلت صلوٰه دارند چون تلخیص الفاظ بنی صلی الله علیه و آله و سلم الذوا طیب و یرک النفع
عبارات احادیث را عینها یا در کرده بعد از آن ترجمه آن بخیر نموده آید در تحفه الغریب آورده که احادیث در
صلوٰه بر سید کائنات بعد از آن رسیده اند و درایت کرده شده اند از ابی بکر صدیق و عمر بن الخطاب علی
بن ابی طالب و فاطمه زهرا و سبطین شهیدین و طلحه بن عبد الله و عبد الرحمن بن عوف و ابی سعید
النضاری بدری و کعب بن عجره و ابی سعید خدری و ابی حمید ساعدی و زید بن جابر که او را ابن خارج میگویند
و ابی هریره و سهل بن سعد و برید بن الحصیب و عبد الله بن مسعود و فضاله بن عبید و انس بن
و ابی طلحه النضاری و عامر بن ربیع و ابی بن کعب و انس و براس عازب و ربیع بن ثابت النضاری و
جابر بن عبد الله و ابی رافع مولا علی آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم و ابی امامه باهلی و عامر بن یاسر
و ابی برده بن نيار و عبد الله بن النوفی و عبد الرحمن بن بشیر بن مسعود و جابر بن سحره و ابی امامه

بن اوس

[illegible]

صَلَوَاتُكُمْ تَبْلُغُ حَيْثُ كُنْتُمْ مُرَدِّئَةً بِمُرَاحِيْنٍ شَلَّ عِيدُهُ لَعْدُ شَبْنِ تَمَامِ سَالِ مِ ابْدِ بَلَكُهُ زِيَارَتِ اَنْ كَثُرَ
 كُنَيْدُ وِرْدِ وِرْدِ سِيدِ بَرَسِ بِنِ سِيكِهِ وِرْدِ وِرْدِ شَمَائِرِ بَرَجَاكِ بَاشَدِ شَمَارِ وَايْتِ كِرْدِه سِتِ اِبُو دَاوُدِ اَزْ طَرِيقِ
 اَبِي هَريره رَضِيَ اللهُ عَنْهُ كَقَتِ اَنْ حَضْرَتِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ صَامِنِ اَحَدٍ يَسْلَمُ عَلَى الْاَرْدَةِ اَللَّهُ عَلَى
 رُوحِي حَتَّى اَرُدَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَيْسْتِ بِي كِي كِه سَلَامُ كُوِيْدِ بَرَسِ مَكْرَكِه بَا زَارْدِ خُدَايَتَعَالَى بَرَسِ بَرُوحِ
 مَرَاغِي لَفَقِ رَا نَا كِه رُو كُنْمُ بَرَا نَكْسِ جَوَابِ سَلَامِ رُوَايْتِ كِرْدِه سِتِ تَرْمَذِي اَزْ طَرِيقِ اَبِي هَريره رَضِيَ اللهُ عَنْهُ كِه
 اَقْتِ وِي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَعَمُ اَنْفِ رَحْلٍ ذِكْرُتُ عِنْدَهُ فَلَمْ يَصِلْ عَلَيَّ خَوَا كِرْدِيدِ وَجَاكِ سِيدِي
 كِي كِه ذِكْرُ كِرْدِه شَمُ نَزْدِ اَوَّلِ وِرْدِ وِرْدِ سِتَادِ بَرَسِ رُوَايْتِ كِرْدِه سِتِ تَرْمَذِي اَزْ طَرِيقِ اِمِيرِ الْمُؤْمِنِ عَلِيِّ بْنِ
 اَبِي طَابِطِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ كَقَتِ وِي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلْبَخِيلُ مَنْ ذِكْرُتُ عِنْدَهُ فَلَمْ يَصِلْ عَلَيَّ بَخِيلِ كِي
 كِه ذِكْرُ كِرْدِه شَمُ نَزْدِ اَوَّلِ وِرْدِ وِرْدِ سِتَادِ بَرَسِ رُوَايْتِ كِرْدِه سِتِ اَبْنِ صَخْرِ اَزْ طَرِيقِ عَامِرِ بْنِ رَبِيعَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ
 فَرَمُوْدِ اَخْبَرْتِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلَّى عَلَى صَلَاةٍ صَلَاتُ عَلَيْهِ الْمَلَايِكَةُ مُصَافِي عَلَيَّ فَلْيَقْبَلْ
 عَبْدُ مَنْ ذَلِكِ اَوَّلِي كَثُرَ كَسِي كِه وِرْدِ وِرْدِ سِتَادِ بَرَسِ صَلَاةٍ فَرَسْتَادِي وِرْدِ وِرْدِ سِتَادِ بَرَسِ فَرَسْتَادِ جِنْدِ
 وِرْدِ وِرْدِ كُوِيَا نَكْسِ بَرَسِ بَا يَكِه كِه كُنْدِ بِنْدِه اَزْ صَلَاةٍ بَا زِيَادِه كَنْدَرِ رُوَايْتِ كِرْدِه اَنْدِ سَلَمُ اَزْ طَرِيقِ عَبْدِ اَسْتَدِ بْنِ
 بِنِ عَامِرِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ كَقَتِ وِي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا سَمِعْتُمُ الْمُؤَذِّنَ فَقُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ ثُمَّ
 صَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مَرَّةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بِأَعَشْرَانِ سَلَوَاتٍ اِلَى الْوَسِيلَةِ فَإِنَّهَا مِنْ ذِكْرِ فِي
 الْجَنَّةِ لَا يَنْبَغِي اِلَّا الْعَبْدُ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ وَارْحَمَ اَنْ اَكُونَ اَنَا هُوَ فَمَنْ سَأَلَ لِي الْوَسِيلَةَ لَهَا
 لَهُ الشَّفَاعَةُ جَوْنِ شَبْنُوِيْدِ اِذَا نِ مَوْزَنِ رَا بَرَسِ مَكُوِيْدِ مَانْدِ اَنُجِه مَوْزَنِ مِي كُوِيْدِ پَتَرِ وِرْدِ وِرْدِ كُوِيْدِ بَرَسِ
 بَدِ سِتِي مَكْرَكِه وِرْدِ وِرْدِ كُوِيْدِ بَرَسِ كِي بَارِ وِرْدِ وِرْدِ كُوِيْدِ خُدَايَتَعَالَى بَرُوِي دَرِ مَقَابِلِه وِرْدِ وِرْدِ اَوْدِه بَارِ پَتَرِ نَخْوَاهِدِ بَرَا
 مَنِ وِيلِ بَرَسِ بَرَسِيكِه اَنْ مَنَزَلَتِي سِتِ دَرِ بَهْتِ كِه نَمِي سَنَدِ مَكْرَايِي بِنْدِه اَزْ بِنْدِ كَانِ خُدَايَتَعَالَى وَا سِيدِ دَارِمِ كِه بَاشِ
 سِ اَنْ بِنْدِه پَسِ كِي كِه نَخْوَاهِدِ بَرَايِ سَنِ وِيلِ لَازِمِ شَوْدِ بَرَايِ اَنْكُسِ شَفَاعَتِ مَنِ رُوَايْتِ كِرْدِه سِتِ
 اَزْ طَرِيقِ فَضَالِ بْنِ عَسِيدِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ كِه رُوِي اَخْبَرْتِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَشْتِ بُوِيْدِ پَسِ بَا يَكِه مَرْدِ پَسِ
 لَدَارِ وِ كَقَتِ اَللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْ بَرَسِ فَرَمُوْدِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَجَلْتُ اِيَّاهَا اَصْلِي اَنِي صَلَّيْتُ
 فَقَعَدْتُ يَا اَحْمَدُ اَللَّهُ يَا هُوَا اَهْلُهُ وَصَلَّى عَلَيَّ ثُمَّ اَدْعَاكَ شَافِي اِي مَصْلِي چُونِ نَمَازِ كَذَارِ بَرَسِ
 بَنَشِيْلِ پَسِ سِتَالِشِ كِنِ خُدَا اَرَا بِخِيَرِكِه اَوَّلَايِقِ اَنْ سِتِ وِرْدِ وِرْدِ بَكُوِيْدِ بَرَسِ پَتَرِ دَا كِنِ پَسِ مَرْدِ دِي كَرِ نَمَازِ كَنَادِ وِرْدِ
 كِرْدِ خُدَايَتَعَالَى رَا وِرْدِ وِرْدِ سِتَادِ بَرُوِي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پَسِ كَقَتِ اَنْ حَضْرَتِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَرَا وِرْدِ
 الْمَصْلِي اَزْ عَجَبِ اِي مَصْلِي دَا كِنِ مَحَابِّ شَعْوِي رُوَايْتِ كِرْدِه سِتِ اَبْنِ حَدِيثِ رَا طَبْرَانِي وَا بَرَسِ شَكُوَالِ نَبِي

ورجال ان نقات اند کمرشد بن سعد لیکن حدیث او در روایاتی مقبول است **روایت** کرده است ترمذی
 از طریق ابی بن کعب رضی الله عنه که آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم بعد از نشستن و وثنت شب میخواست پس
 یا ایها الناس اذکروا الله اذکروا الله جاءت الراحه تشبه بالرادف جاء الموت بما فيه جاء
 الموت بما فيه قال بی فقلت یا رسول الله انی اکثر الصلوة علیک فکم اجعل لک من صلواتی
 قال ما شئت قلت الربع قال ما شئت وان زدت فهو خیر لک قلت فالثلثین قال ما شئت
 وان زدت فهو خیر لک قلت اجعل لک صلواتی کلها قال اذا تکتفی همک ویغفر ذنبک
 ای آدمیان بایکیند خدا تعالی بایکیند خدایتان را یا مدعی قریب شد راجع بفرمودن در پی آن آید رافعی یعنی نفع دویمین
 یعنی قیامت قریب شد یا مدعی موت با آنچه در آن است از سنکرات و معاطله با خدا تعالی بیاید موت با آنچه در آن است
 مکرر بر کار آید است گفت ابی بن کعب پس گفتم یا رسول الله بدرستی که من زیاد میگویم درود بر تو پس چه قدر کردم
 و هدیه کنم مر ترا از درود من آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم فرمود هر چه بخوای گفتم چهارم حصه هدیه کنم فرمود هر چه بخوای
 و اگر زیاد کنی پس آن بهتر است مر ترا گفتم پس وثنت هدیه کنم فرمود هر چه بخوای و اگر زیاد کنی پس آن بهتر
 است مر ترا گفتم سیکردم و هدیه میکنم برای تو همه درود من فرمود انگاه پس کرده شود داند و تو و امر زیاده شود
 گناه تو و در تحفه الغیب بعد قول و قلت الربع قال ما شئت وان زدت فهو خیر لک این عبارت
 زیاده کرده است قال الثلث قال ما شئت وان زدت فهو خیر لک قال النصف قال ما شئت
 وان زدت فهو خیر لک قال الثلثین امم و در کتاب در منصف این عبارت نیست و در روایتی بجای
 وثنت شب رجب شب است چون رجب شب میگذاشت آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم بر منی است حکم در مستدرک
 گفته که اسناد این حدیث صحیح است **حقیه** گفته اند که مراد از صلوة درین حدیث حقیقت آن است و مصداق
 مقدر است یعنی جعلت ثواب صلواتی کلها مقصود از آن یا نفس ثواب است یا مثل آن و در آن دلیل واضح است
 بر سیکردن و کوبیدن بعد فراغ از آن کوبیدن هدیه کردم ثواب آن بسو رج و تروح سید عالم صلی الله علیه و آله وسلم گذاشت
 این پنج من حجر المکی رحمه الله و بعضی گفته اند که مراد از صلوة اینجا است چنانچه در روایتی بر سرل یا مفضل آمده آنانی
 ات من ربی فقال ما من عبد یصلی علیک صلوة الاصلی الله علیه عشر افعال یا رسول الله
 اجعل لک نصف دعا فی فقال ما شئت قال الثلثین قال ما شئت قال اجعل دعا فی کلک لک قال
 اذا بکفیک الله هم الدنیا و هم الاخرة امد مرا آئینده از پروردگار من پس گفت که نیست هیچ بنده که دو و فرستد بر تو
 مکیا مکرر درود فرستد خدا تعالی بر آن بنده و ده بار پس گفت ابی بن کعب یا رسول الله بگردانم بر تو نصف دعا
 من پس فرمود هر چه بخوای گفت بگردانم و وثنت فرمود هر چه بخوای گفت بگردانم دعا من هر چه بخوای فرمود انگاه

بس کند خدا تعالی مرترا ندوده دنیا و اندوه آخرت را و معنی روایت اولی چنین شد که زیاده میکنم دعا هر چه قدر کرد و امام از دعای من صلوة بر تو و حاصل معنی هر دو روایت اینکه مرزائی است که دعا میکنم برای نفس خود و در آن پس چه قدر از زمان صرف کنم در صلوة بر تو این عامی غفی الله عنه میگوید که معنی را سیاق روایت اولی آبی است زیرا که قول ابی بن کعب انی اکثر الصلوة علیک احتمال ندارد که از آن دعا برای نفس خود داده کرده شود و الله اعلم خفی غافله که آنحضرت صلی الله علیه و السلام در جواب سوال ابی بن کعب رضی الله عنه در اول و به حد معین نفرموده مرا بقوی بفر اختیار با بر اعان تخصیص بر من ندان من بود تا باب از یاد تو باب بر من خلق نکرد و تا که گفت اجعل لك صلواتی كلها پس فرمود انما انی الله

الحم و آیت کرده است بزوار طریق روایع بن ثابت رضی الله عنه که گفت وی صلی الله علیه و السلام من صلی علی محمد و قال اللهم نزل المفعلة القرب عندك لیوم القیامة و جبت له شفاعتی هر که در روز قیامت نزد محمد صلی الله علیه و السلام و گوید ای خدا تعالی فرود آر او را در نزد یک نزدیک کرده است خود در روز قیامت واجب و لازم شود بر آنکس شفاعت من و جایز است که مقرب هم فاعل باشد از تقرب یعنی نزدیک نزدیک کننده است بتور و آیت

کرده است بزوار طریق عامر بن بایر الله عنه که گفت آنحضرت صلی الله علیه و السلام ان الله کل یقین من ملک اعطا اسماع الخلائق فلا یصلی علی احدی لیوم القیامة الا بلغنی باسمه و اسم ابیه هکذا فلان بن فلان قد صلی علیک بدستی خدا تعالی مقرر کرده است نزد قبر من فرشته که عطا کرده است او را اسماع همه خلائق پس در روز قیامت بر من هیچ کی تا روز قیامت مگر که میرساند مرا بر انام او نام بدو که بر فلان پسر فلان تحقیق در روز قیامت بتور و آیت

کرده است ابن و بایر الله عنه که گفت پیغمبر خدا صلی الله علیه و السلام ما من مسلم صلی علی عشاء فکانا اعتق ربة شیخ کلان که در روز قیامت بر من و بر ابراهیم گوید که اگر از کرد یک رقبه **روایت** کرده است قشیری بسند خود از ابن عباس رضی الله عنه که گفت وحی کرد الله تعالی بسو موسی صلی الله علیه و سلم انی جعلت فیك عشرة آلاف منیع حتی سمیعت کلامی و عشرة آلاف لسان حتی اجبتنی و احب ما یكون و اقرب اذا اکثرت من الصلوة علی محمد بدستی گردانیدم در توده هزار سمع تا که شنیدی سخن مرا گردانیدم در توده هزار زبان تا که جواب داد مرا در دوزخ چیزیکه باشد و نزد دیگرین آن است نزد من چون زیاده کنی از صلوة بر محمد صلی الله علیه و السلام و مرا و از او ان ده هرگز در هزار سال است که ایضا دعوت بر من نهان اعداوه شد که طافت محاطت و مکالت خدا تعالی پیدا کرد **روایت**

کرده است ابو هریره رضی الله عنه که گفت آنحضرت صلی الله علیه و السلام من صلی علی فی کتاب لم یقبل الملائكة تستغفر له ما دام انی فی ذلک الکتاب هر که در روز قیامت بر من رکتی است فرشتگان طلب مغفرت کنند بر من تا که باشد نام من در آن کتاب **روایت** کرده است ابو یونس علی بن ابی طالب رضی الله عنه که گفت و صلی علیه و السلام صلواتکم علی جوارحکم و مرضاة لربکم و نرؤوه لکب انکم در روز قیامت بر من که رانده است

مرد عای شمار و رضا مندست مربوط و کار شمار و پاکی است مرید نه شمار یعنی از کنایان **روایت** کرده است ابن شهاب
 زهری رحمه الله که سید است ما را از آنحضرت صلی الله علیه و سلم که فرمود **الزُّوْءُ اَمِنْ الصَّلَاةِ عَلَيَّ فِي هَذِهِ النِّيلَةِ الزُّوْءُ**
وَالْيَوْمَ اَزْهَرُ فَاَتَمُّ يَوْمِيَانِ عِنْدَكُمْ زِيَادَةً كُنْتُمْ بَرَسْنَ فِي شَبِّ رَوْنٍ وَرَوْنٍ رَوْنٍ بَعْنِي رَوْنٍ جَمْعُهُ شَبَّ آن پس
 بدستی که آن برود او اکنندار شما یعنی حق **روایت** کرده است ابن سعد در کامل و غیره که گفت وی صلی الله علیه و سلم
صَلُّوا عَلَيَّ صَلَاتِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرُدُّوْكُمْ يُدْبِرُنْ رَوْنٍ وَرَوْنٍ كَفْتُمْ خَدَيْتُمْ بَرَسْنَ وَنَزَفْتُمْ صَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَيْهَا
لَكُمُ الْكَفَّارَةُ لَكُمْ وَرَوْنٍ نَنْ صَلُّوا عَلَيَّ صَلَاةَ صَلَاتِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ عَشْرًا وَرَدُّوْكُمْ يُدْبِرُنْ بَرَسْنَ بَرَسْنَ صَلَاتِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ بر این
 کفارت فلوب است شمار از کوات است پس هر که رود و فرستد بر سر یکی و درود فرستد خدایتا بر سر آن **روایت** کرده است
 یلمی بلا اسناد که گفت آنحضرت صلی الله علیه و سلم **صَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّهَا لَكُمْ مَغْفَرَةٌ** و درود کوید بر سر پس بدستیک آن
 شماراد و چند است و چند کرده شده **روایت** کرده است
 ابن سعد و رضی الله عنهما که گفت و صلی الله علیه و سلم **إِذَا صَلَّيْتُمْ عَلَيَّ فَأَحْسِنُوا الصَّلَاةَ فَإِنَّكُمْ لَا تَدْرُونَ لَعَلَّ**
ذَلِكَ تَعْرِضُ عَلَيَّ قَوْلُوا اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَاتَكَ وَرَحْمَتَكَ وَبَرَكَاتَكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا جَعَلْتَهَا
عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ جَمِيدٌ مُجِيدٌ هرگاه صلوات کوید بر سر پس نیک کنید صلوات را پس بدستیک
 نمی دانید شاید آن صلوات عرض کرده و بر سر کوید **اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا لَكَ فِي كِتَابٍ مِنْهُ صَلَاتُكَ** که سند این **روایت** ضعیف
 است **روایت** کرده شده است بسند رسول **اللَّهُمَّ تَعْرِضُونَ عَلَيَّ بِاسْمَائِكُمْ وَمَسَامِكُمْ فَأَحْسِنُوا الصَّلَاةَ**
عَلَيَّ بِدَرَسِكُمْ شَاعِرُ کرده و میوید بر سر بناها شما و ذات شما **نیک** کوید درود بر سر **روایت** کرده شده
 است بسند ضعیف که فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم **بَكَاءُ الصَّغِيرِ إِلَى شَهْرَيْنِ شَهَادَةٌ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا**
اللَّهُ وَالْإِلَهِ إِلَهُ الْبَقِيَّةِ بِاللَّهِ وَالْإِلَهِ تَمَانِيَةً أَشْهَرُ الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
وَلِسْتَيْنِ اسْتِغْفَارًا لِرَأْسِ الْيَوْمِ فَإِذَا اسْتَسْقَى ابْنُ اللَّهِ لَهُ مِنْ ضَرْعِ امْتِهِ عَيْنًا مِنَ الْجَنَّةِ
فَشَرِبَ فَيَجْزِيهِ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ كَبِيرُهُ طِفْلٌ نَادٍ وَهِيَ كَوَاهِي دَادَنَ أَبَانِكُهُ نَبْتُ مَعْبُودٍ خَيْرُ خَدَايَتِهَا
 و کریم او تا چهار ماه این است که اعتماد بخداست و کریم او تا هشت ماه درود بر سر صلی الله علیه و سلم و کریم او تا دو سال
 طلب مغفرت است بر او پس هرگاه آب بخواند طفل می برادر خدا تعالی بر او از پستان مادر او چشمه از جنت
 میوشد از آن پس کفایت میکند او از طعام شراب **روایت** کرده شده است **لَا تَضْرِبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى**
بُكَائِهِمْ سِنَّةً فَإِنَّ الرِّجْعَةَ أَشْهَرُ مِنْهَا شَهَادَةٌ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَارْجِعْهُ لِيَهْلِي عَلَيَّ وَارْجِعْهُ لِيَهْلِي
يَدُ تَعْلُو الْإِلَهِ تَنْزِيلُ أَوْلَادِهِمْ أَمَّا بَرَكَةُ آبَائِهِمْ وَرَيْكَ سَالِ السَّيِّدِ كَمَا رَاهُ از آن کوای میباید باینکه نیست
 معبودی جز خدا تعالی و چهار ماه درود میوید بر سر چهار ماه دعا میکند بر او و درود خود این برود و **روایت** غلو را

در کتاب مفسر و آیت کرده است ابن مبارک و معبد بن فضال و حسن بکری رضی الله عنه که گفت و صلی
الله علیه و آله لم یحبب المرء من النخل ان اذکر عندک ولا یصلی علی کسبت مرد را نخل انقدر که ذکر کرده م نرود و در
نکود برین روایت کرده است علی از طریق انس رضی الله عنه که گفت و صلی الله علیه و آله من صلی علی یوم الجمعة
مائه مرة غفر له خطیئته ثمانین سنة هر که روز و فرستد برین روز جمعه صد بار آمرزیده شود و او را کانه هشتاد سال
ابواب که رحمة الله و کتاب توفی القلوب با محمد غزالی رحمه الله در احیاء علوم آورده اند من صلی علی یوم الجمعة ثمانین
مرة غفر الله عنه و جعل له ثوبه ثمانین سنة قبل ان یارسول الله لیس فی الصلوة علیک قال یقول اللهم صل
علی محمد عبدک و نبیک و رسولک النبی الامی و تعقد واحدة هر که درود گوید برین روز جمعه هشتاد بار یا رب
خدا و جل بر او را کانه هشتاد سال گفته شد که یا رسول الله چگونه است صدوة بر تو و منو که بگوئی اللهم صل یا آخر عقبتی
انکنت را و شیخ ابو عبد الله بن ثابت و غیره و مفید کرده اند این روایت را بلفظ بعد عصر الجمعة و توفیق میان روایتین که در یکی صد بار
درود و در دیگری هشتاد بار است ظاهر است زیرا که روایت اولی از تعیین درود تعیین وقت هر دو فحاش است و روایت ثانیه قیمت
و الله اعلم روایت کرده است ابو هريرة رضی الله عنه که گفت ان حضرت صلی الله علیه و آله و سلم للمصلی علی یوم
الجمعة و من کان من اهل النور لم یکن من اهل النار کسی را که درود گوید برین نور خواهد بود و بر صراط و هر که از اهل نور است
نباشد از اهل آتش آورده است این حدیث را ابن فرحون در کتاب زاهر روایت کرده است ابن ماجه حسن از حدیث
عباس رضی الله عنه من نسى الصلوة علی اخطاء طریق الجنة هر که ترک کند صلوة برین خطا کند راه بهشت
مراد از بیان ترک است زیرا که بر بیان معنی غفلت مواخذه نیست روایت کرده است عبد الرحمن بن عوف رضی الله عنه
که گفت ان حضرت صلی الله علیه و آله و سلم جاءني جبرئیل علیه السلام و قال یا محمد لا یصلی علیک احد الا صلی علیه
سبعون الف مرة و من صلت علیه الملائكة کان من اهل الجنة آمد جبرئیل علیه السلام و گفت ای محمد درود
نفرستد بر تو بیست و یک هزار مرتبه و هر که درود فرستد بر تو هفتاد هزار مرتبه و هر که درود فرستد بر تو هشتاد هزار مرتبه
حدیث را ابن فرحون در کتاب زاهر روایت کرده است و معنی در تعب الایمان و احمد در سند خود از حدیث عبد الرحمن بن
عوف رضی الله عنه که گفت و صلی الله علیه و آله و سلم ان جبرئیل نبی برنی و قال ان ربک یقول من صلی علیک صلیت
علیه و من سلم علیک سلمت علیه صحبت الله شکر ابد استیکه جبرئیل علیه السلام بشارت داد و روایت
که برستی برود کار تو میگوید هر که درود فرستد بر تو درود فرستد بر تو و هر که سلام گوید بر تو سلام گوید بر تو پس سجده کرد و فرمود
را بر اشکر روایت کرده شده است که گفت ان حضرت صلی الله علیه و آله و سلم انکرم علی صلوة الازکر و انکرم
فی الجنة زیاده ترین ما از و صلوة برین زیاده ترین است از روایان در کتب ذکر کرده است ابن حبان و ابن
بلان کسی روایت کرده است که گفت ان حضرت صلی الله علیه و آله و سلم من صلی علی صلو عظیم

[illegible]

ذَكَرَ اللَّهُ وَمَنْ أَحْبَبَنِي فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ هَرَكَةَ يَدِ كَنْدَمَرِاسِ تَحْقِيقِ يَدِ كَرْدِ وَخَدِ اِستِغَارِ وَهَرَكَةِ دُوسْتِ تَارِدِ مَرِاسِ
 دُوسْتِ دَاشْتِ خَدِ اِستِغَارِ آتُورده است این هاست روایت را در تحفه الغریب بدون سنن و روایت کرده است طبرانی
 و ابن جریر و طبری و غیره و شان بسندیکه در آن یکی از روایات است که صحابہ گفتند یا رسول الله امرت ان یصلی
 الله عز وجل ان الله وملائکته یصلون علی النبی فقال علیه الصلوٰۃ والسلام ان هذا من
 العلم المکنون ولو لا انکم سألتمونی عنہ ما اخبرکم به ان الله عز وجل وکل بے ملک کثر
 فلا اذکر عند عبد مسلم فیصلی علی الا قال لا اناک المملک ان غفر الله لک وقال الله عز
 وجل جوابا لذلک المملکین امین ای رسول الله ایا ید قول خدای عز وجل را که میگوید ان الله وکل
 یصلون علی النبی یعنی از راه تعجب این شان عظیم و تمجید استفهام از حقیقت حال آن نبی و ندیس فرمود تا حضرت صلی الله
 علیه و آله و سلم که این را علم کنون و سر مخزون است که بدان سوال کردید و اگر نمی پرسید شماران خبر نمی کردم کار ابدان بدستیکه
 خدا عز وجل مقرر کرده است بر اسرار و فرشته پس یاد کرده نشویم نیز هیچ بنده کمال و او برین صلوٰۃ فرستد الا که آن دو
 فرشته او را دعا کنند و گویند غفر الله لک و میگوید خداست و جواب آن دو فرشته امین و در روایت تفسیر رکبیده کرده است
 لفظ و ملائکته بعد قال الله عز وجل و بعد این عبارت است و لا اذکر عند عبد مسلم فیصلی
 علی الا قال لا اناک المملک ان غفر الله لک وقال الله وملائکته الذینک المملکین امین
 و یاد کرده نشویم نیز هیچ بنده کمال و او برین درود فرستد مگر که آن دو فرشته بدعا می کنند او را و میگویند لا غفر
 الله لک و گویند خداست و ملائکته و جواب آن دو فرشته امین و این روایت را حسین بن جابر در تحفه الصلوٰۃ از تفسیر
 بیاب آورده و حواله تفش و تعلیل نموده روایت کرده اند جمعی از محدثین بسند بسیار ضعیف گفته
 صلی الله علیه و آله و سلم یا ایها الناس ان اجماعکم یوم القیمه من اهلها و مواهلها الا انکم علی
 صلوٰۃ فی دار الدنیا ای مردم بدستی نجات یابنده تر از شما در روز قیامت از رهو لها آن و مواهل آن زیاد
 ترین شماست از صلوٰۃ برین و داردینار و است کرده است اکثر و امین الصلوٰۃ علی کذا
 اول ما سألون فی القبر عینی زیاده کنید از صلوٰۃ برین زیرا که بدستی اول سوال کرده شود در قبر از من سجا
 گفته که بر سندی این روایت واقف نشدم روایت کرده شده الصلوٰۃ علی نور یوم القیمه عند ظم
 الصراط و من لم یکن الا بالکمال الا ولی یوم القیمه فلیک شی من الصلوٰۃ علی
 در دُوسْتِ نور است در روز قیامت نیز تلمیحی صراط و هر که اراده کند که پیوسته ثواب بپیمانه وانی ترین در روز قیامت
 پس باید که زیاده کند از صلوٰۃ برین شیخ ابن حجر می جمله الله گفته که اصل این روایت معلوم نشد روایت کرده
 است بسند ضعیف ابو ذر غفاری رضی الله عنه که وصیت کرد مرا تا حضرت صلی الله علیه و آله و سلم باینکه نماز بخوانم

در سفر و حضر و خواب نردم مکر بعد از اذان و تر گفتن صلوة نبوی صلی الله علیه و سلم ذکر کرده است این جور رحمه الله در کتاب سلوة و احوال
که آدم علی بنیاء علیه الصلوة و السلام چون خواست قریب حوالی حرم از مهر خود طلبید آدم علیه السلام از خداستعاضا سوال کرد که چه
و بیجا فرمود ای آدم در دو رکعت یک گانه و یکبریده من محمد بن عبد الله بنیت یا پس آدم علیه السلام همچنین کرد و چنین روایات
بسیار احادیث در باب صلوة و ارشاد انشاء الله تعالی در باب ثمرات صلوة و بامواطن آن تذکره خواهد شد **فصل ششم در**
در آثار و مناسک آن در باب فضیلت صلوة و ارشاد امر و محبت از ابی بکر صدیق رضی الله عنه که صلوة بر خفرت صلی الله
علیه و سلم محو کننده ترست مگر نماز را از آب و ترش را و سلام بر صلی الله علیه و سلم افضل است از اعتناق رقاب مروت
از عمر فاروق رضی الله عنه که دعا موقوف با میان آسمان زمین و رود بر آسمان ناکه رود و رستی بر غم بخدا صلی الله علیه و سلم و چنین
از علی بن ابی طالب رضی الله عنه نقل کرده است بی از علی بن بحسین رضی الله عنهما که علامت اهل سنت کثرت صلوة و پیغمبر خدا
صلی الله علیه و سلم صاحب تحفه الخیران بود و عبید بن حمزه الله نقل کرده که او در بعضی تصانیف خود گفته که بسیار از
سلمان سعادتمند شده اند و شب تعالی در صلوة رسول خدا صلی الله علیه و سلم در شنب و روز جمعه بیشتر کنایه سکاران از زبده
کنایه ان بیان کثرت صلوة بر خفرت صلی الله علیه و سلم و هم و از حاتم بن احمد اهل حمه الله نقل کرده که همه عبادات محتاج اند به
اخلاص و اما صلوة بر خفرت صلی الله علیه و سلم پس مقبول است بهر چه که باشد چون ادا شود بشروط آن مثل طهارت و ادا خلاص
و حضور قلب و پس مفید مور عجیب و از آن است رویت خفرت صلی الله علیه و سلم در منام بلکه چنان تر میشوید که رویت
صلی الله علیه و سلم در بسیار حاصل کرد و هم از غیبه با جابر حمه الله نقل کرده که وی از شیخ ابی بکر صائم الدهر و صیت خود
او حمه الله فرمود که از کبریا از رسول خدا صلی الله علیه و سلم آمده است زیاده از آن و صیت نمینماید مگر اینکه لازم گیری استغفار
از عاصی و صلوة بر خفرت صلی الله علیه و سلم و از این عطا حمه الله منقول است که دعا از ارکان و آنچه در باب و اوقات پس از دعا
موافق افتد ارکان را قوت گیرد و اگر موافق افتد آنچه را پیرا کند در آسمان و اگر موافق افتد اوقات را فائز شود و اگر موافق افتد
با سبب انجاء یا بدار کاش حضور قلب رقت و مسکات و خشوع و تعلق دل بخدا و قطع از اسباب دنیا است و آنچه آن صدق
است اوقات آن اسباب آن در پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم است شیخ احمد بن عقیبه حمه الله در بعضی مصابح خود گفته
که صلوة بر صلی الله علیه و سلم وسیله سلوک مسلم عروج بخداست اگر شیخ کامل یافته شود و از سموات و شیخ زروق و شیخ ابو
احمد بن موهو المشرع یعنی هر حمه الله نیز چنین منقول است که فی مطالع المستر ان شیخ شهاب قازانی کمی حمه الله منقول است
که شیخ شهاب الدین احمد بن محمد عمو و از بعضی شیخ خود حمه الله حکایت کرده که در آخر زمان سلوک طریق بهتر نیست کم
کرد و وصول بخداست و ذکر صلوة بر خفرت صلی الله علیه و سلم و این عطا حمه الله گفته که حاصل شیخ است
ساکل بنده کند بصلوة بر کائنات صلی الله علیه و سلم و بد بیکر از کار مشغول گردد و بر کدی صلی الله علیه و سلم
در وسط است میان او خدا و تعلق بواسطه مقدم است و در لایل الخیرات از بعضی صحاب رضی الله عنهم نقل کرده که هر یک

در آن درود فرستاده شود بر حضرت صلی الله علیه و سلم خوشبوی سگ از آن سیر آید و یا به آسمان می رود و فرشتگان می گویند که این
 مجلس است که در آن درود فرستاده شده است بر محمد صلی الله علیه و سلم شیخ ابو جعفر بن و داعی رحمه الله از حدیث بعضی صحابه رضوان الله علیهم
 آورده که نیست هیچ صبحی در آن که بر حضرت صلی الله علیه و سلم شود یا بروی درو که نشسته و مگر می برد از آن خوشبوی و آسمان را شکافت
 تا بعرش برسد یا بدان بگویم همه مخلوقات مگر آدمیان و جنیان پس اگر انسان بشنود ترک کند معاشرت با و در لذت آن مشغول گردد
 و هر که از ملائکه دیگر هم آن را بخوابد دعا بمغفرت کند بر آدم آن مجلس نوشته شود در جایی برای اهل آن مجلس باشد یا عهدی را بگوید
 از اجر آن باین عدد شرح دلائل الخیرات نوشته اند که ثابت شده است که از قبر شیخ ابی عبد الله جزوی مولف دلائل الخیرات رحمه
 بوی مشکبوی آید بسبب کثرت صلوته بروی صلی الله علیه و سلم و در بعضی از اخبار است که چون بنده مومن شروع کند در صلوته
 بروی صلی الله علیه و سلم مفتوح گردد و در برابر او ابواب آسمان و اوقات تا بعرش پس ملائکه درود می فرستند بروی صلی الله علیه و سلم
 و دعا بمغفرت می کنند بر آن بنده تا وقتی که خداستعاضا خواسته باشد شیخ ابن حجر می رحمه الله آورده که مسخر از نبی اسرائیل مردی را
 دفن کرده اند آنگاه پس او را کسوی موسی صلی الله علیه و سلم بنیاد علیه السلام که غسل دهد او را و نماز گذارد بروی که من او را مغفرت
 کرده ام موسی صلی الله علیه و سلم بنیاد علیه و سلم استعاضا سبب آن نمود یعنی فرمود که آن فرشته رو بر تورت بکشد و یا فرشتان نام محمد صلی الله علیه و سلم
 را پس درود فرستاد بروی صلی الله علیه و سلم از آن جهت و را امر زدیم در تاج العرو که گفته اند که هر که بخوابد اندر صیام و
 صلوته که بکثرت فوت شده اند باید که لازم گیرد درود بر حضرت صلی الله علیه و سلم و سلم زیرا که یک صلوته خداستعاضا
 نیست از طاعتها همه چیز که صلوته بنده بقدر روح طاقت اوست صلوته خداستعاضا بحسب رجو بدین او خواهد بود و در کمال
 خدا این حکم دارد پس چنان خواهد بود در صلوته اول نماز در مقابل یک صلوته بنده نازل شود حکما جانی الحقیقت
 پرشیده اما غمناکی رحمه الله از معنی صلوته خدا خبر کسی صلوته فرستد بر حضرت صلی الله علیه و سلم و از معنی صلوته ما بروی
 علیه و سلم جواب داد که معنی صلوته خدا بروی صلی الله علیه و سلم و بروی و گویند که آن نافع انواع گوناگون و لطائف نعم است بنا
 و اما صلوته ما بروی صلی الله علیه و سلم ملائکه که در آیه کریمه وارد است پس آن سوال و ابتهال است در طلب آن که است
 و رغبت است در افاضه آن بروی صلی الله علیه و سلم و نیز وی رحمه الله پرسیده شد از سبب اندعاء صلوته از جهت یا
 راحت می باشد و می صلی الله علیه و سلم از آن بایشیعت است بر امت خلاصه جویش اینکه استندعاء صلوته از امت بر
 سه چیز است یکی آنکه ادعیه مؤثر اند در است از فضل الهی و استعجاب از یاد کرامات و حوض و شفاعت و در مقامات محموده
 که آنحضرت صلی الله علیه و سلم بدان وعده فرموده غیر محدود است بر وجهیکه متصور نیست زیادت در آن پس تعداد ادعیه
 زیادت آن است دوم آنکه راحت می باشد آنحضرت صلی الله علیه و سلم بدان چنانچه خود فرموده است که بدستی سبب است
 بشما بر سایر مردم چنانچه راحت میسازد عالم در زند حیات خود بکثرت شاکردن و کثرت تثنائات آن و دعا
 ایشان که این است بر شد او نشان بر کمال تاثیر ارشاد او در راه و بر کمال محبت او مراد از این است و او بایشان

[illegible]

را می آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم از سبب آن سوال کرد فرمود که بکثرت صلوٰه بر من این تزیینت یافت از این همیشه منقول است که برو
 صلی الله علیه و آله وسلم در روز میفرستادم در حالیکه مردی پیش من میبود و دیدم شخصی بمید او سیئه صلوٰه من و کاعندینوید بر من آن
 حرف و این کاعندی بنم پیشم کشادم که بروی نگاه کنم دیدم که از من پوشیده شد حتی که سفید جامه او را دیدم هیچ
 آن کسی که رحمه الله آورده که شخصی را در خواب دیدند که در بر و حله و برستاج کلکل بجا بر تن پوشیده که چه کرد خدا
 تعالی بآن تو گفت آمرزید و گرامی داشت قیام بسم نهاد و در آورده است از سبب آن پوشیده گفت ملا میگردم بعض
 محدثین حدیثی سند را پس رود فرستاد شیخ مابروی صلی الله علیه و آله وسلم و اهل مجلس نیز در فرستاد و پیش همه را بپوشید
 صلوٰه از حافظ ابو الحسن را می رحمه الله منقول است که شخصی را از اهل معرفت خود در خواب دیدم و استغنا حاش نمودم گفت
 شد از پیش من دیدم گفت نذر رکعت نماز در رکعت نذر بار قل میواند احد گفت این را طاعت ندارم گفت هزار بار صلوٰه برو
 صلی الله علیه و آله وسلم در پیش من میگویم این را پیش شیخ حسن که رحمه الله نقل کرده یکی از صلی را در خواب دیده
 کرده شد از حال او گفت که خدا بیچاره کردم و آمرزید و داخل جنت گردانید از پیش من پوشیده گفت که فرشتگان
 که از من صلوٰه بر من آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم شمار کردند صلوٰه را زاده تر یافتند فرمود وی تو را بنقدیر ای تو که حساب
 و او را بخت برید و نیز از بعض صلی نقل کرده که او صلوٰه قیام در خواب دید و پرسید که تو کدامی او گفت من عمل تسبیح تو
 ام گفت بجات از تو بچه چیست گفت بکثرت صلوٰه بر مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم و نیز از بعض صلی آورده که او سارا است
 نیکوید و پرسید از چگونگی حال او خواب او که از بلاء شد کان سیو دم اگر کثرت صلوٰه بر من بر من خدا صلی الله علیه و آله وسلم
 نمی بود از صلی رحمه الله منقول که او یکی از همسایگان خود را در خواب دید و استغنا حاش نمودم او گفت که گذشت بر من
 عظیم وقت سوال ملکین پس در دل خود گفتم که این حالت بر من کجا آمد آیا بر سلام نموده ام ندارم رسید که این حقوبت مهمل
 گذاشتن زبان توانست در دنیا چون فرشتگان قصد تعذیب من کردند چایل مرد جمیل خوشبو و یاد او در حجت
 از او گفتم که تو کدامی چون گفت که من آن شخص ام که پیدا کرده ام بر کثرت صلوٰه تو بر غیر خدا صلی الله علیه و آله وسلم
 و ما مورد به نیت تو در بر بخت از ابو بکر رحمه الله منقول است که در خواب دیدم آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم عرض کردم که
 مرد در روزی میفرستد تو فرمود کدام است عرض کردم فلان کس است فرمود که لاجرم تحقیق خداست یا مقرر کرده ابراه
 تقم که منقول است که زنی نزد حسن رضی الله عنه آمده گفت که خسترم مرده ایجو ام که او را در خواب بنم گفت او
 که بعد از نماز چهار رکعت نماز بگذارد و در رکعت سوره فاتحه و سوره البکم الشاکر بخواند و بخیر رود و در
 بر غیر خدا صلی الله علیه و آله وسلم تا آمدن خواب پس آن زن همچنان کرد و دید دختر خود را در بدترین عذاب و سخت ترین
 عقوبت آن زن بعد بمیداری نزد حسن رضی الله عنه آمد و کیفیت بار گفت فرمود که صدقه ای شاید برکت
 کنایان دختر تو عفو شود و آن حسن رضی الله عنه در خواب دید زنی را در بهترین نعمت و آن زن گفت

امرای شناسی من دختر همان زنم که تو امر کردی مراد از الصلوة بر محمد صلی الله علیه و سلم حسن بکر رضی الله عنه گفت
 که مادر تو خال تو خلاف این زن کرده بود آن زن گفت آری حال من همان بود حسن بکر گفت که سبب وصول این مرتبه
 شد گفت که ما متفاد هزار کس عقوبت بیکه قرار بودیم مرد صالح از تربو مال گذشت یکبار بر غیر خدا صلی الله علیه و سلم
 درود فرستاد و لو بشن ما بخشد حق تعالی آن صلوة را از قبول فرمود و ببرکت آن بار اذان عقوبت از او کرد
 آنچکه از ثواب آن صلوة کجبه من رسید این است که تو دید شیخ ابن حجر که حمزه را آورده که بعضی صلی بخود مقرر کرد
 که هر شب عددی معلوم از صلوة بروی صلی الله علیه و سلم بوقت خواب فرستد شبی در خواب دید آن حضرت صلی الله علیه و سلم که از
 او آمد و هم خانه او بنور پر شد و فرمود که بسیار این برادر در دنیا میروست برین تابوست هم آن حسن کرد و خوب پیش نهاد
 حضرت صلی الله علیه و سلم بر آن بود پس بدید ایشان کس در حالیکه خانه او بپوشی شک پر شده است بسبب آن حضرت
 صلی الله علیه و سلم و در راهی شکی که هفت باقی بود این جماعتی از صلوة بخود شنیده صالحی میگوید که
 از قوم ما بخود لازم کرده بود که هر روز دو شب هزار بار درود بر آن حضرت صلی الله علیه و سلم فرستد از در قوم شهبود و از
 هزار بار کردید و آن حضرت صلی الله علیه و سلم را در خواب دید آن حضرت صلی الله علیه و سلم او را پسید بسیار خوش چینی و فرمود که تو
 جگر کوش من هستی جز این آثار دنا را و ابواب آئیده و کوه و آب است **صلوات** از شیخ ابوطالب که می جاب قوت القلوب است
 حاتم ابن احمد ابدل جمیع الله منقول است که اقل عدد کثرت صلوة صد مرتبه و اکثر آن صد مرتبه شیخ ابن حجر حمزه را گفته که شنید
 که از کرده است این را از صالحی با خود تجربه کرده است تا مایل شد تا اینکه عدد او را از صد و چند است موافق عدد اصحاب است
 صد را اختیار کرده که با سه قطر کرد و صبا تحفه الغریب که در سلطان هزار بار است برای تأیید آن نقل کرده که جد او حمزه
 عید رسول حمزه را در بعضی صایا خود نوشت که به شب پیش از خواب بار بار یا لایم یا رحیم هزار بار درود بر نبی صلی الله
 علیه و سلم باید خواند و نیز آورده که قاضی ابن کین طبری شری مدنی حمزه را در شب هزار بار درود و وظیفه بود این جماعت
 عفی الله عنه میگوید که نقلی که از حافظ ابو حسن داری حمزه را پیش ازین گذشت نیز میگوید آن است چرا که در آن هم درود را
 بار است قصه درود اللهم صل علی محمد و آل محمد صلوة تجتنبها الی اخرها که در باب آئیده سطور خواهد کرد نیز تا
 آن میکند زیرا که در آن آمده بود به هزار بار و چون قرات آن به صد رسید نجات یافت کشتی و لا اله الا الله
باب در تعدید ثمرات صلوة ثمرات و نتایج صلوة بر سید عالم صلی الله
 علیه و سلم از حیطه احاطه و اثر استقصا بتجا و درست از آنجمله این فرعون قرطبی در کتاب خود ده ثمرات و صاحب حدیثی
 الا نوار فی الصلوة و السلام علی النبی المختار صلی الله علیه و سلم چهل و یک ثمره و این قیس می و پنج ثمره و سخاوی در قول
 فی الصلوة علی الجیب فی صحت و صحیح و علامی چهل و هفت ثمره و حنا تحفه فالحیه کیف ثمار الصلوة النبویه
 میگوید که شیخ ابن حجر در کتاب بر منضو و پنجاه و پنج ثمره و صبا تحفه الغریب شصت ثمره ذکر کرده این عامی و غافل از آن

عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ مِثْلُ قَوْلِهِ وَعَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ودر روایتی از طریق ابی طاهر رضی الله عنه آمده که در روز
تورس احد اصحابی را علیه السلام دعا کرد که خطوبه پیشانی و خیشی و خیشی بود پس گفت که رسول الله ندیدم ترا خسته اند و خسته ظاهر
ترا و روی بشارت انداخته و زودیم فرمود که کیف لا تظلم لنفسی و یظلم لک بشی و اما ما فرقی میجوئیم علی السبیل
المساعده فقال یا محمد من صلی علیک من امته صلاه انت الله له باعشر حسنة و رفع بها
عشر درجات و الله الملك من ما قال انت قلت یا جبرئیل و ما ذاك الملك قال ان الله عز و
وجل ملک ما منذ خلقک الی ان یدعک لا یصلی علیک احد من امتک الا قال و انت
صلی الله علیک چه خوش نباشد نفس من ظاهر شود خوشی من مغایرت نکرده از من جبرئیل علیه السلام درین ساعت که
گفته بود که درود فرستد بر تو از امت تو یکبار بگوید خدای تعالی این کس را مقابل آن صلوة ده و جنبه کرده اند او را بدان
درجه و صلوة فرستد بروی فرشته مثل صلوة ای نعمت ای جبرئیل کدام است آن فرشته گفت بدستی خدایتعالی مقرر کرده
فرشته را از روی یک پند کرده است تا روزی که بر آن کس ترا از پیرو و دخی فرستد تو هیچ یکی از امت تو مگر که سیلوید آن فرشته را صل
صلی الله علیک فر کرده است این ثمرة را بن قیوم شیخ ابن حجر مکی و صاحب حدیث الا نوار و صاحب تحف الغریب
مخبر کرده که در مقابل یک صلوة چنانچه روایات سابقه موضوع این ثمرة را همه علماء ذکر کرده اند
رجاء استجاب دعا است هرگاه واقف شود بر صلوة یا ایمان و صلوة چنانچه در باب سابق در روایت مذی از طریق
بن حمید و از روایت علی بن ابی طالب در آثار عمر بن الخطاب علی بن ابی طالب رضی الله عنهم و در قول بن عطاء که کوشش و از
ابو سلیمان در آن حدیث منقول است که هر که را ده سال حاجت از خدا تعالی کند پیش روغ نماید کن با صلوة بر غیر خدا
صلی الله علیه و سلم ختم کند با صلوة پس بدستی خدای قبول میکند برود صلوة را و نعم اکرم و انزه است از کذا شستن آنچه
ما بین برود صلوة است نکر کرده اند این ثمرة را بن قیوم و صاحب تحف الغریب صاحب حدیث الا نوار و صاحب تحف فاهیه
مذکر کرده است سبب حاجت آن حضرت صلی الله علیه و سلم چنانچه از روایت مسلم و نسائی از طریق عبد الله
بن عمرو بن عامر از روایت بزر از طریق رافع بن رافع بن عمر از روایت ابی موسی مدنی از طریق ابی هریره رضی الله عنهم مذکور
و نیز برآورده از طریق ابی بن عبد الله من جملة علی بن جبرئیل عشر و حین یحیی عشر ادرکتک شفاعة
یوم القیامة هر که درود گوید بر من در وقت صبح ده بار و در وقت غروب ده بار و در ایام دعا و شفاعة من زود
ذکر کرده اند این ثمرة را همه علمای مذکورین
ابن بن کعب مذکور است این ثمرة را بن قیوم و صاحب حدیث الا نوار و صاحب تحف الغریب
چنانچه در روایت ترمذی از طریق ابی بن کعب رضی الله عنه مذکور شد و نیز برآورده اند احمد و ابن ابی عامر
و ابن ابی شیبة گفت مروی یا رسول الله ایامی است که بگردانم همه صلوة من بر تو فرمود اذ یکھیک الله بنا

[illegible]

عند خیر فی صحیفه بیضا بدرستی که نزد بزرگترین شمار من در روز قیامت هر وطن زیاده ترین شمار
بر من اندوی صلوة در دنیا هر که در و بگوید بر من در و بگوید و شب جمعه بر آرد الله تعالی برای او صد حاجت
از حاجتهای آخرت و سی حاجتهای دنیا پستور کند خدای تعالی بدان فرشته که می آرد آن صلوة را و بر من
چنانچه آورده میشود نزد شما دیدار از خبر میدهند آن فرشته را اگر کسی که در و در ستاده است تمام و نسبت نیکو او پست
میکند نام او نزد من صحیفه سفید رتخوفا که کجی از کتاب سفار الصلوة النبویه که از تمسانی است حمد الله نقل کرده
که شخصی را نزد من دیدار بود صاحب این او را نزد قاضی کشید و قاضی او را تهدید بطن نمود و دیون مبلت
یکماه از دین گرفت و در خانه خود نشست و الزام نمود و در برابر آنحضرت صلی الله علیه و سلم در همه اوقات موقوف
ادای صلوة و ضرورت انسانی چون است و هفت روز از ماه گذشت و دید آنحضرت صلی الله علیه و سلم را که بارت داد و او
بقضای من فرمود که نزد این سی و زیر رفته و خواست قضای من بکن آن خوش بیدارید و از اندیت عدم تصدیق او توقف نمود
و باز جواب رفت باز دید آنحضرت صلی الله علیه و سلم را و همچنان فرمود آن حسن بیدار شد و بهمان اندیت رفت و ندانست
کشید که از آنحضرت صلی الله علیه و سلم علامتی اند بر سببیکه دلالت بر صدق بویا کند باز بخوابید و بدولت رفت
آنحضرت صلی الله علیه و سلم فایز گردید پس فرمود بگوید علامت اینکه در و میخوری بر من از طلوع فجر تا ارتفاع شمس
بزار بار بار پنج هزار بار بخندار وایت پس بیدار شد و نزد این وزیر رفت اخبار کرد و بویا علامت آن وزیر از خواهی
بگرایست و تقدیش نمود و گفت مرحبا بر رسول الله صلی الله علیه و سلم و ما تو
نزار و نیاز بر ادای دین و سه هزار دینار دیگر با و داد و گفت هر مشقت نزد من بیا ای کس تر قاضی رفت
و در این را طلبید و بد بر ادای دین او بر آورد و باین با خبر اخبار نمود قاضی گفت من احق ام با دای دین تو از
این وزیر و نه طلبیده با و داد این گفت که من احق از بر دوام تبرکین و از دین ابر نمود و قاضی از خود و این
پس دیون بگرفت در و بر آنحضرت صلی الله علیه و سلم مالک هزار دینار شده رفت این ثمره را به علمای ذکر کرده
شماره سبب صلوة فرستادن فرشتگان است به صلی چنانچه از روایت ابن صخر از طریق عامر بن
ربیع و از روایت عبد الرحمن بن عوف و غیر ارضی الله عنهم مذکور شد و در روایتی آمده من صلی علی
صلوة صلی الله علیه و ملا یکتة عشر و من صلی علی عشر صلی الله علیه و ملا یکتة
یا نکه و من صلی علی مائة صلی الله علیه و ملا یکتة الف صلوة و لم تمس جسده
لأنه هر که در و گوید بر من یکبار در و گوید خدا تعالی بر کس و فرشتگان او ده بار و هر که در و گوید بر من
ده بار در و گوید خدا تعالی بر آن کس فرشتگان او صد بار و هر که در و گوید بر من صد بار در و گوید خدا بر آن کس
و فرشتگان او هزار بار و کس کند جسد او را شش و زخ ذکر کرده اند این ثمره را این قیم و سخاوی و شیخ ابن

کی و صاحبخانه ناکه صلی الله علیه و آله الغریب ۱۶ طهارت و زکوة است و حق مصلی بنا پنجاه از روایت امیرالمومنین
 علی رضی الله عنه و از روایت ابن عمر و دیگران مذکور گردید و از محمد بن القاسم مروی است بسمه معضل که چیز از طهارت غسل
 است و طهارت را همانی مومنان از رنگ کلاه درود بر خیمه خداست صلی الله علیه و سلم مذکور کرده اند این شجره را همه علماء مکرر قریبی
 ۱۷ بشارت بخت است مصلی را و سبب او مکان خود و خیریت قبل از موت و روایت کرده اند
 جماعتی از محدثین که فرمود وی صلی الله علیه و سلم من صلی علیّ فی یوم الف مرتبه لم یمت حتی یشهد بالجنة و هر
 درود که بدین بر روز هزار بار بخواند که بشارت داده شود بهشت و در روایتی بجای حتی یشهد بالجنة حتی
 یرى مقعداً من الجنة آمده است یعنی نمیدانم که بندگان خود از خیریت شیخ آجمن که رحمه الله گفته که این حدیث
 منکر است و ذکر کرده اند این شجره را نیز علماء مکرر قریبی ۱۸ بخت مصلی است از مومنانی روز قیامت
 از روایت جمعی از محدثین مذکور شد یا ایها الناس الخاتم تا آخرین شجره را نیز علماء مذکور کرده اند مکرر قریبی ۱۹
 سبب صلوة فرستادن آنحضرت صلی الله علیه و سلم است بر مصلی قریب یا بایعید و کذا که سلام سبب سلام است
 صلی الله علیه و سلم چنانچه از روایت ابی داود از طریق ابی هریره و غیره مذکور شد و بر آن بوده است ابو موسی
 مدینی من صلی علیّ صلوة جانی بها ملک فاقول ابلغه عتی عشر و قل له لو كانت من هذه
 العشرة واحدة لدخلت معي الجنة كالتبابة والوسطی و حلت لك شفاعة
 ثم یصعد الملك حتی یشهد فیقول ان فلان من فلان صلی علیّ بیست مرة و قد
 یقول تبارک و تعالی ابلغه عتی عشر او قل له لو كانت من هذه العشرة واحدة لما
 النار ثم یقول عظموا صلوة عبدي ثم اجعلوه فی علیین ثم یخلق من صلواته
 بکل حرف ملكا له ثلاثة و ستون راسا الحدیث برکه فرمود که بدین
 یکبار بسیار در نزد من آن صلوة را فرشته پس بگویم او را برسان آن بنده را از من ده صلوة و بگویم او را که اگر بودی از من
 ده صلوة یکی برآید داخل شدی تو با من در بهشت مثل انگشت سبابه و علی یغفر ما بین قریب لازم شدی مر ترا شفاعت
 من ستر بالا رود آن فرشته تا که برسد نزد پروردگار یعنی محل مناجات و تعالی پس بگوید بدیدی فلان فلان درود
 فرستاده بر من بگویم خدا تعالی برسان آن بنده را از من ده صلوة و بگویم او را که اگر بودی از من ده صلوة یکی
 برآید من نکردهی ترا تشرف و فرخ بگویم او تعالی که بر مرکبش در درون بنده و او را پست گردانید آنرا و عیسی
 پیدا کند از آن صلوة مقابل بر حرف یک فرشته که باشد او را در شصت سال حدیث حافظ سخا و جرعه الله گفته
 که این روایت بلا تشک موضوع است شیخ آجمن که رحمه الله در کتاب رمنفقو آورده که مرد نزد ابوالفضل بن
 زبیر خراسانی آمد و گفت در خواب منجم خدا صلی الله علیه و سلم را دیدم در حالیکه من در مسجد مدینه مسجوره کلم آنحضرت

صلی الله علیه و آله فرمود: **أَنَا عَلَى الْفَضْلِ مَنِّي السَّلَامُ** بخوان بر لبی الفضل ازین سلام پس بگویم یا رسول الله
 جزای تو می دهم و از برای آنکه او در وفاتش هر روز برین صد بار و آنرا از ابو الفضل استعلام آن مرد نمود
 و گفت **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ جَزَى اللَّهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ**
وَسَلَّمَ عَنَّا مَا هُوَ أَهْلُهُ این حکایت را صاحب تحفه الغریب نیز از شیرویه از عبد بن ابی از ابو الفضل
 نقل کرده است حجج بن محمد بن حمزه از شیخی غیر او آورده که سلم بن حجیم روزی آنحضرت صلی الله علیه و آله را دید
 کرد که با در سلام در می صلی الله علیه و آله را و آنحضرت فرمود آری و من بر آنها در سلام کنم ای بن سید
 گفته که پس منم و قبر شریف وی صلی الله علیه و آله و سلم درم پس از قبر شریف شنیدم و علیک السلام و زیاده
 که سید نور الدین بن عقیلی از حمزه بن جویب سلام از قبر شریف وی صلی الله علیه و آله و سلم و علیک السلام
 یا ولدی شنید و صاحب تحفه الغریب نقل کرده که حجج بن علی بن علوی رحمه الله چون السلام علیک یا رسول
 الله میگفت خواه داخل نماز یا شد یا خارج آن جواب نمیداد و علیک السلام یا شیخ این عامی عفی الله عنیه
 کتابت شده است که شاه صیغه الله که اتی مدنی قدس سره نزد قبر و صلی الله علیه و آله سلم بخیر گفت السلام
 علیک یا جدی جواب آمد و علیک السلام یا ولدی این ثمره را ذکر کرده اند و علامه قزوینی و شیخ
مشهور سبب مجلس چنانچه در بعضی تا صبحی بعضی عنینم مذکور شد که کرده است این شیخ را
 ابن قم و صاحب تحفه الغریب صاحبیق الانوار در سیم **سبب** آمدن جزیری که در نوشته
 باشد و فراموش شدن جزیری که یاد کرده چنانچه در حدیثی ضعیف آمده **إِذَا السَّيِّمُ تَبَا فَصَلُّوا عَلَيَّ**
ذَا كُرَّةٌ أَنْ شَاءَ اللَّهُ هرگاه فراموش کنید شامچیزی را پس رو کوبید برین با وجود این که آن را از خدا
 خواسته با و از برای هر چه را الله عنه مروی است که بترسد خود و فراموشی را پس یاد که گوید و رو بر نبی صلی الله علیه و آله
 ذکر کرده است این ثمره را صاحب تحفه الغریب شیخ ابن حجر که این اگر چه در فصل فوائد ذکر کرده لیکن در فصل سوطین
 صلوة آورده است **سبب** شدن فقر است بر آورده است ابو نعیم ضعیف از سره رضی الله
 عنه که بدستی آمد مروی نزد آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم و پرسید که چه چیز تو را به اعمال مستحق خدای عز و جل فرمود
صَدَقَ الْحَدِيثُ وَأَنَّ الْأَمَانَاتَ رَاسِي سَخْنٍ وَأَدَاكَ رَدْنَ أَمَانَاتِ اقْرَبَ عَمَلَانَ خَدَايَ تَعَالَى است
 بگویم یا رسول الله زباده بفرمای فرمود **وَصَلَاةُ اللَّيْلِ وَصَوْمُ الْهَوَاجِرِ مَا نَبَغْنِي تَجِي وَرُزْهَ رِبَاكَ**
 شدت که ما کنتم ازین زیاد بفرمای فرمود و کثرة الذِّكْرِ وَ الصَّلَاةُ عَلَى تَشْفِي الْفَقْرَ الْحَدِيثُ
 زیادت ذکر الهی و زیادت صلوة برین و میکند فقر او نیز ضعیف آمده است که بدستی مردی شکایت فقر و تنگی
 معاش پیش آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم نمود پس فرمود او را آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم برگاه در این بخانه خود

اسلام کن و خانه کبریا باشد پستلام کن برین بخوان قل هو الله احد یکبار بچین کردن مرد
و فریاده کرد خدا تعالی رزق او را خفیف نمود بمسایگان و اقربای خود و نیز ضعیف از ابی بریده رضی الله عنه
که فرمود انحضرت صلی الله علیه و سلم من قرأ القرآن وحده الوت وصلی علی النبی صلی الله علیه و سلم
رب فقد طلب الخیر من مظان ربک بخوانه قرآن را و ستایش کند پروردگار را و در دست برین صلی
الله علیه و سلم و طلب مغفرت کند از پروردگار و پس تحقیق طلب کند بکنای از انجای ای کمان آن در تحفه پاکیه گفته که مراد از
مقرع است خواه حاصل شود بخواه قلی یا بحصول ثر و ظاهری ذکر کرده اند این ثمره را هم علمای **فصل ۲۳**
سبب رشدن وصف نخل است از صلی زیر که مذکور شد البخیل من ذکرک عندک و کم یصل علی
پاقتضای حدیث که هر که صلوته کوید نزد و کردی صلی الله علیه و سلم نخل است مگر کرده اند این ثمره را صاحب
حدائق الانوار و صاحب تحفه الغریب **فصل ۲۴** سبب نجات از دعا پر غم آنست زیرا که حدیث آمده
است که ترک صلوته نزد و کردی صلی الله علیه و سلم سبب است چنانچه در باب آید خواهد آمد ان شاء الله تعالی
پس صلوته در وقت ذکر و صلی الله علیه و سلم سبب نجات از آن است ذکر کرده اند این ثمره را ابن قیم و صاحب
حدائق الانوار و تحفه الغریب **فصل ۲۵** سبب نکردن مصیبت طریق جنت را چنانچه از روایت
از طریق ابن عباس رضی الله عنهما مذکور شد که ترک صلوته موجب خطا را جنت است و در باب آید خواهد آمد
استغال بصلوة سبب خطاست ذکر کرده اند این ثمره را نیز ابن قیم و صاحبان حدائق الانوار و تحفه الغریب
فصل ۲۶ سبب نجات از نین مجذبات است اهل آن است چنانچه در باب آید خواهد آمد که نیکو
از صلوته بنوی خالی باشد در روز قیامت اهل آن محبت خواهد بود و گویند که آن مردم از بدبو ترین حیوانات
باشند استغال بصلوة موجب نجات از آن است ذکر کرده اند این ثمره را صاحبان حدائق الانوار و تحفه الغریب
فصل ۲۷ سبب محافظت کلام است از نقصان و عدم برکت چنانچه بر آورده اند جماعه محدثین بسند
ضعیف که فرمود انحضرت صلی الله علیه و سلم کل کلام لا یدکر الله تعالی فی و یبدل فی
بالصلوة علیها و اقطع من حق من کل برکتی بر کلامیکه ذکر شود خدا تعالی را در آن شریع
کرده شود و در آن بصلوة برین پس کلام بریده و کاهیه شده از بر برکت آورده اند این ثمره را نیز صاحبان
حدائق الانوار و تحفه الغریب **فصل ۲۸** سبب برضا و جواز از آن است چنانچه روایت کرده اند جمعی
بچند طرق که بعضی آن است از عبد الرحمن بن عمر رضی الله عنه که بر آمد بر ارسواصلی الله علیه و سلم و گفت
انی رأیت الباری عجلارایت رجلاً من امتی یزحف علی الصراط ثم یجثو علی
مسره فجاءته صلوته علی فآخذت بیده فاقامته علی الصراط حتی جاز

بودستی و بعد از آنکه سجده می نمود بر سر از امت بر آن که مانده بود و بر سر طایفه یکبار و میسر و یکبار و چنانکه بر آن میزدند یکبار
 اینطور و در او که بر سر فرستاده بود پس گرفت دست او و قائم کرد و او را بر سر طایفه گذاشت از آن در روایتی دیگر آمده
 رَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي يَرْعُدُ عَلَى الْعَرْشِ كَمَا تَرْعُدُ السَّحَابُ حَتَّى تَخْضَلُوهُ عَلَى
 فَرْشِهِ رَعْدًا تَرَوْنَهُمْ مَرَّةً مَرَّةً مِنْ كَيْدِ مَلِكٍ أَوْ مَلِكٍ مِنْ كَيْدِ مَلِكٍ
 او را در روی که بر سر فرستاده بود پس از امید و ستائش او را ذکر کرده این مثنوی را به علمای کربلا فرمودن و چون قرطبی
 شرح ۲۹ سبب و موجب مصلی است آنجا چنانچه در باب آمده خواهد آمد که نفرستادن صلوة بر آنحضرت
 شیندن و ذکر وی صلی الله علیه و سلم از جفاست پس صلوة موجب صیانت از آن خواهد بود و ذکر کرده اند این مثنوی را
 ابن قیم و صاحبان حیات الانوار و تحفه الغریب و غیره و در بیان این مصلی در کتابهای مستنیر بر مصلی در میان
 اهل سموات و ارضین نیز که مصلی طالبی است و در بیان مصلی صلی الله علیه و سلم است آنجا چنانکه در کتاب
 و جز از بعضی مصلی نیست اینک حاصل شود مصلی را نوعی از آن ذکر کرده اند این مثنوی را ابن قیم و صاحبان
 تحفه الغریب و حیات الانوار شرح ۳۰ برکت در ذات مصلی و عمل او و عمر او و سبب مصلی است
 مصلی داعی به برکت است بروی صلی الله علیه و سلم و دعاستجاب جز از جنس است و نیز سابق مذکور است که
 صلوة بر وی صلی الله علیه و سلم زکات طهارت مصلی است و ظاهر است که زکات متضمن برکت است شیخ
 ابن حجر رحمه الله در کتاب در منقول نقل کرده که تاجری مرد و موی مبارک آنحضرت صلی الله علیه و سلم و مال ترک
 گذاشت و در پشت او بود و در حدیثی شریف و نصف آن گرفت و یکتایی پیشتر که باقی ماند یک کلان بخت
 که دوباره کند که چنانچه بر اجل او اعظام جناب نبوی صلی الله علیه و سلم از کسستن آن امتناع نمود پس کلان بخت
 که بر سر موی محمد خود از مال بیکر او قبول کرده گرفت و بر سر موی مبارک او ریخت و داشت و بر وقت از او بزرگوار
 آن در و در آنحضرت صلی الله علیه و سلم میفرستاد و راندن آن مال او زیاد شد و مال کلان بخت هلاک کرد و چون پس
 کو چنانکه بعضی مصلی آنحضرت صلی الله علیه و سلم و خوابید که میفرماید مردم را که هر که را حاجت به خود ایتعالی
 باشد پس بیاید نزد قبر آن پسر و دعا کند حاجت برسد پس مردم نزد قبر او آمدند و حاجت خود میخواستند
 آخر مرزا را و چنان معجز گردید که هر که از آن میگذشت از مرکب و می آمد و پیاده میرفت و ذکر کرده اند این مثنوی را به علمای
 قرطبی شرح ۳۱ غیبیان رحمت الهی است مصلی را آورده از آن پسند که فرمود آنحضرت صلی
 علیه و سلم ان الله سائر من الدایک یطلبون حلق الذکر فاذا اتوا علمهم حقوا
 ثم بعثوا مرید هم الى السماء الى رب العزة تبارک و تعالی فبقولون ربنا ایتنا
 عباد من عبادک نعظمون الا انک تسکون کتابک و تصلون علی نبتک محمد

این سه را بنام قیوم و صاحبان تحفه الغریب و حقایق الانوار **سوره سبب** و بی صلی الله علیه و سلم
در صلی را زیر که صلوة دلالت دارد بر المعایین و انبیاء و آن موجب مطاع است و مطیع را از گزاشده این نموده را نیز
قیوم و صاحبان تحفه الغریب و حقایق الانوار **سوره سبب** عبارت معصی و حیات قلب است زیرا که
صلوة دو رکعتی در آن است و رنگ عبارت است از او عاف و زیله که سبب خصلت و موت دل است
زوال آن سبب و حیات دل باشد ذکر کرده اند این نموده را قرطبی و صاحبان تحفه الغریب و حقایق الانوار
سوره سبب معروض شدن نام معصی مذکور شدن و نزد آن حضرت صلی الله علیه و سلم
چنانچه از روایت ابی داود و نسائی و ابن ماجه از طریق اوس بن اوس از روایت ابی داود از طریق ابی برره
و از روایت بزار از طریق عمار بن یاسر از روایت ابن مسعود و غیره و بی صلی الله علیه و سلم سابق مذکور شد و نیز بخانی
از محمد ثانی بر آورده اند که فرمود وی صلی الله علیه و سلم **إِنَّ لِلَّهِ مَلَكَ كَأَنَّ عَطَاةَ اسْمَاعَ الْخَلَائِقِ**
فَهُوَ قَائِمٌ عَلَى قَبْرِي إِذَا مِتُّ فَلَيْسَ أَحَدٌ يَصَلِّيُ عَلَيَّ صَلَوةً إِلَّا قَالَ يَا مُحَمَّدُ صَلِّ
عَلَيْكَ فَلَانُ بْنُ فُلَانٍ فَيَصَلِّيُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى ذَلِكَ الرَّجُلِ كُلِّ حِدٍ
عشر بدستی که خدای تعالی را فرشته است عطا کرده است او را اسماع همه خلایق پس آن فرشته قائم
باشد بر قبر من چون می میرم بیست و پنج یکی که درود گوید بر من درود گفتنی مگر که گوید آن فرشته ای محمد درود
گفته است بر تو فلان بن فلان پس درود گوید بر درود کار تعالی بر آنکه در مقابل یک صلوة ده بار در روایتی است
فَهُوَ قَائِمٌ عَلَى قَبْرِي حَتَّى يَقُومَ السَّاعَةُ فَلَيْسَ أَحَدٌ مِنْ أُمَّتِي يَصَلِّيُ عَلَيَّ صَلَوةً إِلَّا
قَالَ يَا أَحْمَدُ فَلَانُ بْنُ فُلَانٍ يَا سَمَاءُ وَاسْمُ أَبِي يَصَلِّيُ عَلَيْكَ كَذَا وَكَذَا وَهَمِنْ
إِلَى الرَّبِّ أَنَّكَ مِنْ صَلَّيَّ عَلَى صَلَوةٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ عَشْرًا وَإِنْ نَزَلَ نَزَارُهُ اللَّهُ
پس آن فرشته قائم باشد بر قبر من تا که قائم شود قیامت بیست و پنج یکی از امت من که درود گوید بر من
درود گفتنی مگر که گوید آن فرشته یا احمد فلان بن فلان بن فلان نام پدر او درود و میگوید بر تو چنین
و چنین و خدا من شده است برای من درود کار من که بدستی هر که درود فرستد بر من یکبار درود فرستد خدا
تعالی بر آن سه بار درود زیاده کند آن گزیده کند او را خدا تعالی درود خود و در روایتی بیست و پنج آمده
إِنَّ لِلَّهِ مَلَكَ لَيَسْمَعُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْلَغُونِي صَلَوةً مِنْ صَلَّيَّ عَلَيْكَ مِنْ أُمَّتِي
بدستی که خدای تعالی راست فرستگان که می شنوند در زمین میرند او را درود کسی که درود فرستد
از امت من و در روایتی بیست و پنج آمده **مَنْ صَلَّيَّ عَلَيْكَ قَبْرِي سَمِعْتُهُ وَمَنْ صَلَّيَّ**
عَلَيْكَ مِنْ بَعِيدٍ أَعْلِمْتُ هر که درود گوید بر من نزد قبر من می شنوم صلوة او و هر که درود گوید بر من از

دور دانسته شود صلوة او یعنی بواسطه ملک و عرض نشود چنانچه در روایتی دیگر بسند مرقه است من
صلى على عبد قنبري سمعته ومن صلى على نبي أبي عبد الله أو كمال الله مملكا
يبلغني وكفى امر دنياه وأخريته وكنت لذي يوم القيمة شهيدا أو شفعا
هر که درود گوید بر من نزد قبر بنجوم درود او هر که درود بر من در حالیکه در دست مقرر کند خدای تعالی عابدان بر
مالک میرساند مرا آن درود و کفایت کند مرا دنیا و آخرت او را و با ششم او را در روز قیامت گواه و شفعا کننده
لفظ او بمعنی و اوست یا حقیقت خود است بر آن درود از آن حضرت صلی الله علیه و سلم یا تشکیک از او ی
از این احادیث که در باب صلوة مذکور شد معلوم گردید که صلوة و سلام از دو باب است و صلوة بر او صلوة و سلام
و اگر نزد قبر نریف و می شود آن حضرت صلی الله علیه و سلم بلا واسطه خواه در شب جمعه یا یا غیر آن درود صلوة و سلام
مخصوص بر او نیست بلکه بعید و قریب و راست چنانچه از عموم احادیث ظاهر شد و اما در آیتیکه در این
اتی لیس من عبد یصلی علی لا یبلغنی صوتی حیث کان الحدیث بدر
من نیست هیچ بنده که درود فرستد بر من مگر به میرساند مرا و از او هر جا که باشد پس عیانی گفته که اسناد آن
صحیح نیست و نیز آن احادیث معلوم شد که آن حضرت صلی الله علیه و سلم زنده است علی الدوام بر آن
از حال عادی است که زمانه از زمانه خالی باشد از سلام کننده بر او صلی الله علیه و سلم و در حدیثی که در این
نیخورد و بران اجماع علمای است جای تعجب گفته اند که احب العلماء شهداء و مؤذنین را نیز بخیر و در وجهی
عدم جبر و آنها که در مشاهده آمده و حیات شهد اینقرآن کریم ثابت است و است ذکر کرده اند این
را شیخ ابن حجر و صاحب تحفه الغرب تحفه فاکهیه **مسئله نهم** در روز قیامت
صراط چنانچه از روایت ابی بریره و غیر او منی الله عنهم مذکور شد و نیز بر آورده و بیعی ضعیف که فرموده
حضرت صلی الله علیه و سلم زینوا لجالسکم بالصلاة علی فان صلواتکم علی نور لکم
القیمة راسته کنیج که با شما را بر ستادن صلوة بر من پس سبیکه درود و شمار بر من نور است در روز
قیامت بر آورده ابو سعید خدری المصطفی که در مورد صلی الله علیه و سلم الصلاة علی نور لکم القیمة
علی الصراط الحدیث درود بر من نور است در روز قیامت بر صراط ذکر کرده اند این نیز را شیخ ابن حجر
و صاحب تحفه فاکهیه **مسئله دهم** سبب ادای اقل قلیل از حق وستی صلی الله علیه و سلم و شکر نعمت
الهی که انعام فرموده او سبحانه را بر اکر حق وستی صلی الله علیه و سلم از حد و احصای بیرون است مع هذا
وی تعالی الجفیف بفضل و کرم خویش این اقل قلیل را می شده ذکر کرده اند این نیز را ابن قیم و صاحبان
حدائق الانوار و تحفه الغرب **مسئله یازدهم** صلوة متضمن ذکر الهی است چنانچه سابق مذکور شد من

این عامی غنی الله عنه نیز از حافظ اسعد بن محمد سعید انصاری خزر جی بخاری که در ضمن حدیث از اعلام وقت
 بالعفی الله عنه آمده بود در سینه الیک و ان الکرسی یکبار و سوره اخلاص یا زوده بار
 بعد از سلام درود هزار بار است و تعیین صغیر و رؤیت نیز روایت که هر که بگذارد و در شب جمعه و در رکعت نماز
 و بخواند در هر رکعت بعد فاتحه سوره اخلاص و سوره نوح یا بعد از سلام بخواند درود بصیغه صلی الله علی
 محمد و النبی و آله و عیال و صحبه و کرام و دیگر بنده حضرت صلی الله علیه و سلم را شیخ ابن حجر کلمی حمه الله
 گفته که برآورده است این روایت ابو موسی فی و حال آنکه صحیح نیست شیخ عبد الحق دهلوی گفته که از جریات
 است و الله اعلم و اعمالی دیگر نیز بر تحصیل این سعادت بیان کرده اند و خلاصه همه استعراق ذکر آن
 حضرت صلی الله علیه و سلم در ظاهر و باطن آنرا صلوٰه و دوام توجه است و فقنا الله المستعان لذلك
 امین ذکر کرده اند این فخره اسخاوی و صاحبان تحفه الغیب و تحفه فالحید **در روایت**
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم در بیداری صاحب تحفه الغیب شیخ عبد الوهاب بن فتح الله بروخی است
 حاتم بن اهدل جهما الله نقل کرده که مداومت بر صلوٰه بر آنحضرت صلی الله علیه و سلم با ادب آن از خفصه
 و غیره سبب رویت آنحضرت صلی الله علیه و سلم است **در نقطه شد** **در جواز رویت**
 صلی الله علیه و سلم در بیداری خلافت جماع از علما و محققین تجویز آن کرده اند و وقوع آن مراد اولیا را
 بحد توانست معنوی رسیده **حکایت کرده** اند این ابی حمزه و باری و یافعی و غیره هم همهم الله از
 تابعین من بعد هم که آنها دیدند وی صلی الله علیه و سلم را در خواب پس میدیدند در بیداری و رسید از او غیب
 خبر برادره است وی صلی الله علیه و سلم بدان معنیان بود که خبر داده و این ابی حمزه گفته که این از جمله کلمات
 اولیا است پس انکار آن مستلزم انکار کرامات اولیا است و امام محمد غزالی حمه الله در کتاب شریف گفته که ابرار اقطاب
 در بیداری است بده میکنند ملائکه و ارواح انبیاء علیهم الصلوٰه و السلام و اصوات آنها و اقتباس
 غوایت آن میکنند انتهی بالجمله و وقوع رویت آنحضرت صلی الله علیه و سلم در بیداری مراد اولیا است
 بتواتر رسیده کتب مناقب او یا بدان مملو و شحون است نظراختصاص تعرض به آن مکرر شد مخفی نماند
 که از وقوع رویت بر جنت که امان لازم نیاید صحت اطلاق لفظ صحابه بر آنها زیرا که صحابه منقطع شد از موت
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم حاکم رویت بعد موت قبل از دفن موجب حاجت نیست پس مندرج شد
 بعضی علما که این شکل است پس اگر حمل ظاهر آن کنند لازم آید که آنها صحابه باشند و صحبت تا روز قیامت
 ممکن باشد و نیز مندرج شد قول بعضی که این روایت تلزم خروج و صلی الله علیه و سلم است از قبر مشی
 او در احوال و خلوص از حب و شرف زیارت قبر خالی و سلام زیرا که اگر کرامات اولیا است رفع حاجت

حاکم بن حاکم در اقصی شرق یا مغرب یا وجب که میان او و ذات شریف است مرتفع شود باشد
 مثل حاج کرده و بند او را بکذا احتق الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله فی شرح الشیخ الشافعی الترمذی ذکر کرده اند این
 ثمره را صاحبان تحفه العرب تحفه فاحیه **۲۷۲** صلوۃ مشتمل بر مناجات و گفته اند که اگر
 مشتمل بر مناجات باشد مفید از دیگر دعا است و تحفه الغریب استاد حاتم بن ابدل نقل کرده که لفظ اللهم
 مشتمل بر جمیع اسماء الهی پس هر که عا کند بدان کویا که ذکر کرد خدا تعالی را جمیع اسماء او را از نظرین شمول آورد
 که بگوید اللهم بکونید پس تحقیق دعا کرده به همه اسماء الهی و از سر بفرماید الله عند نقل کرده هم اللهم جمیع عا
 زیرا که میم آن مانند واو جمع است یعنی چندین شد که ای جمیع اسماء من بلکه بعضی گفته اند که اسم عظم
 حکاه الترمذی فی شرح جمیع الخوام زیرا که ال است ذاتی تعالی و میم بود و نه اسم وی تعالی
 قال ابو الرجا العطار فی **۲۷۵** سبب نحمد الله تعالی است اگر شیخ کامل حاصل
 نشود چنانچه در منظر و میم از باب چهارم از شیخ احمد بن عقبه و سنوسی شیخ زروق و شیخ ابو العباس احمد بن
 موسی شریع و شیخ شهاب قازانی در همه الله نقل کرده شد ذکر کرده اند این ثمره را صاحبان حدائق
 الدنور و تحفه العرب **۲۷۶** سبب است بکرم وی صلی الله علیه و سلم مهملی را در تحفه
 از ابی محمد بن عمیر رحمه الله آورده که بودم نزد ابی بکر بن مجاهد پس او شبلی رحمه الله را ابی بکره برخواست
 و میان هر دو چشم شبلی بود و او دعا گفت که پس کفتم یا شبلی میگوئی و حال آنکه تو هم بعد از
 او را بخون شمسار ندی پس ابی بکره رحمه الله گفت رسول خدا صلی الله علیه و سلم را در خواب دیده ام که با
 همچنین کرد چون آن رسیدم فرمود که او بعد نماز فرضیه یقیناً جاءکم رسول من انفسکم
 عزیز علیکم تا آخر آیه بخواند و بعد از آن در و میگوید بر من چون از شبلی استفسار کردم تصدیق
 نمود و محبت من در وی زیاده شد و در روایتی آمده که بعد آیه مذکوره اللهم صل علیک
 یا محمد یسکف و روایتی دیگر غیر این آمده است در باب کیفیات صلوۃ مذکور خواهد شد انشاء
 تعالی و از تاریخ حافظ سخاوی رحمه الله نقل کرده که شنیدم علامه خجندی چون اراده تحول از
 شریف نمود وی را کابر آن حضرت صلی الله علیه و سلم دید که میفرماید فلانی را بگو که سفر نکند زیرا که
 او صلوۃ بکرم میگوید بر من چون از علامه استفسار کیفیات آن صلوۃ کرد و گفت اللهم صل
 علی سیدنا محمد و علی آل صلوۃ انت لها اهل و هو لها اهل و از محمد بن یحیی
 نقل کرده که در مجلس علی بن شاذان بودیم پس چون جوانی که کسی از ما را از انی شناخت و ملاک
 بر ما و گفت که ابو علی بن شاذان کدام است اشارت بوی کردیم پس آن جوان گفت که رسول خدا را

الله عليه وسلم خواب دیدم فرمود مرا که سجده کن علی بن شاذان در یانته برو و چون با او ملاقی شوی سلام
 من باد و کسب این بزرگوار آن جوان ابوعلی بگریست و گفت که ندانم هیچ علی که بدانست حق این که ارادت
 هر صحن برقرات حدیث و تکرار صلوة بر آن حضرت صلی الله علیه وسلم هر بار که زکروی صلی الله علیه وسلم بیاید
 و ابوعلی بعد از آن دو ماه یا سه ماه زیست رواه ابن ابی شوال و از شهاب احمد قازانی یکی رحمه الله
 نقل کرده که دیدم آن حضرت را صلی الله علیه وسلم در خواب یا در مصافحه کردم پس فرمود که از من سلام بگو عبید
 القادر را و بگو الله الله فی الخلق یعنی بتسبیح خدا تعالی را در باره خلق را و بی گفتی که وظیفه کرده بودم
 بر نفس من برود و در و بر آن حضرت صلی الله علیه وسلم برکت آن باین نعمت فائز شدم و از شیخ عبید
 الوداع بن فتح الله هندی رحمه الله نقل کرده که مواظبت میکردم از صغیر سن خود برود و پیش دیدم
 آنحضرت را صلی الله علیه وسلم و نزد آنحضرت صلی الله علیه وسلم امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه بود و یک
 جامه برود و پوشیده بودند مرا هم در آن جامه داخل فرمودند و از رشید عطار نقل کرده که درم ابو سعید خیاط
 مروی صالح بود و با مردم مخالفت نمیکرد و در مجالس حاضر نمیشد و دست نمود جز حضور مجلس ابن ربیع
 مردم تحجب نمیداد و از سوال کردند گفت که دیدم آن حضرت صلی الله علیه وسلم در خواب پس فرمود مرا حاضر
 شوی در مجلس در آن درود مریدان یا فرستاده میشود و ازین قبیل حکایات دیگر نیز منی تعظیم و تکریم مصطفی
 است سابق مذکور شده اند ذکر کرده است این شمره را صاحب تحفة الغرب بحث ۱۷۷ در باب
 بلیات و آفات دینی و دنیوی آنچه سابق در منامات از حکایات صلی الله علیه وسلم مذکور شد و در تحفة الغرب
 از شیخ صالح عبد الوهاب رحمه الله آورده که بودم کثیر الصلوة بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم اتفاقا استیتم
 دست ابرو فرنگ اللهم الله و در شت و محنت عظیم گرفتار شدم پس برکت برو صلی الله علیه وسلم هم یکی از
 و نشان می کرده از قید را بنید منقول است از شیخ ابو الحسن زلی رحمه الله که در زبان سباحت در
 اوایل حال خود یکبار شبیاشی کردم در موضعی کثیر السباع و آنها قصد گرفتن من کردند برشته بلند برآید شتم
 و با خود گفتم که رود بر بغیر خدا صلی الله علیه وسلم باید فرستاد که وی صلی الله علیه وسلم فرموده است که هر که رو
 گوید بر من یکبار درود گوید خدا تعالی بر آن کس ده بار چون خدا تعالی بر من ده درود فرستد من بامون
 خواهم بود پس بخان کردم و اصلا خوف نمودم بر آن فکاهی در مجرای شیخ صالح مولی ضریر رحمه الله نقل
 کرده که وی بکشتی سوار شده بود و در دیاری شورناگاه باد اقلایم که در آن نجات کشتی از غرق بیدارم
 سفینه را در گرفت و مردم آن موانع شدند پس بر مولی ضریر خواب غلبه کرد و خفت و خواب دید آنحضرت
 را صلی الله علیه وسلم که میفرماید بگو اهل مکرم که هر که هزار بار اللهم صل علی سیدنا محمد و آله
 صلوات الله علیه و سلم

الح باطنه خراب باشد و اصل سجده را تعلیم صلوة مذکوره نمود پس در خواندن آن مشغول گشتند چون به
 بار سیده بودند که اذان بلا حاجات یافتند و ذکر کرده است این ثمره را نیز صاحب تحفه الغریب **مشرحه ۲۸**
 توفیق توبه و ثبات بر آن است و در تحفه الغریب که شیخ زروق رحمه الله در شرح حزب البحر نوشته است ذکر
 آیهی و صلوة رجب است و در عالم صلی الله علیه و آله وسلم معین بر توبه و سوره در آن است ذکر کرده است این ثمره
 را نیز صاحب تحفه الغریب **مشرحه ۲۹** سبب دخول مصلی است بر زیاده عرش در روز قیامت و است
 کرده شده است که فرمود آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم ثلاث تحت ظل عرش ربی عز وجل یوم القیامة
 یوم لا ظل الا ظله قبل من یسأل الله قال من فرح علی مکروب من امتی و احبی سنتی
 و کثر الصلوة علی سبب کس زیاده عرش خداست و در روز قیامت آن روز است که
 نباشد سبب کس زیاده عرش خداست که ام اذان کس یا رسول الله گفت سبب که در کند اندوه کس
 محبت سیده باز است من زنده گرداند طریق مراد زیاده کند و در برین حافظ سخاوی گفته که ذکر کرده است
 این حدیث را صاحب در منظم لیکن واقف نشدم از این اصل معتبر مگر اینکه صاحب در منسبت کرده است این سنن
 و اکثر فی الله عنه و سنا و کرده است آن را صاحب در منسبت کرده اند غیر و بسوی فواید خلعی از حدیث
 ابی هریره رضی الله عنه هکذا قال الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله و در تحفه الغریب شیخ
 عبد الوهاب بن ابراهیم بن عیسیٰ رحمه الله نقل کرده که آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم را در خواب دیدم و عرض کردم
 که در تفسیر نقاش از روایت حمید از انس رضی الله عنه این حدیث را دیده ام حدیث مذکور ذکر کردی و استی ذکر کردی
 اند این ثمره را سخاوی و شیخ ابن حجر کی و صاحب تحفه الغریب فاکهیه **مشرحه ۳۰**
 شدن روزی است میان قبر آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم و قبر صلی صبا تحفه الغریب گفته که در بعضی نقلها
 دیده ام که هر کسی و سه بار و در بیغه اللهم صل علی محمد و آل محمد صلوة تکرار کند ضا الحقیقه
 اداء بخواند کشاوه شود از قبر او بسو قبر آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم روزی که اذان بر وی چنان
 مبارک نبوی صلی الله علیه و آله وسلم مخطوط و متمتع کرد و در تحفه فاکهیه از فواید شرعی همچنین نقل کرده
 ذکر کرده اند این ثمره را صاحب تحفه الغریب تحفه فاکهیه **مشرحه ۳۱** و سبب از حجاب الی
 است صاحب تحفه الغریب ابو بنان اصفهانی آورده که دیدم آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم را در عرض کردم
 که یا رسول الله محمد بن ادیش فعی ابن عم تو است آیا تقور ساینده مراد از تو سوال کردم خدایتما
 را که با او محاسبه بکنم گفت یا رسول الله این سبب چیز است فرمود که وی برین درود میفرستاد
 که کسی مثل آن نداشت که گفت یا رسول الله آن چه درود است فرمود اللهم صل علی محمد و آل محمد

۵۴
 آن کس همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پیش از ایحاف و سخاوی گفته است که تا هنوز باصل این حدیث و
 نشدم و ذکر کرده است این ثمره را شیخ ابن حجر **مقدمه ۶۵** سبب مغفرت خواستن صلوة است بر اهل
 و قرار یافتیم مصلحت آن برآورده و بی غیور و سبکی از روان ضعیف است ما من عبد صلی
 علی صلوة الا عرج بها ملک حتی حیي بها وجه الرحمن عز وجل فیقول بئنا بارک و تعالی
 اذ هبوا بها الی عبدی تستغفر لیا بها و تقر بها عین منیت ج سنده که درود گوید بر من
 مگر بالا بردن آن فرشته ناله تحت می کند بدان وجه بار تعالی را پس میگوید پروردگار با برادر آن صلوة را السو بند من که
 تا استغفار کند بر اقل آن قرار یابد بدان چشم او ذکر کرده است این ثمره را سخاوی و شیخ ابن حجر مکی حرمان
مقدمه ۶۶ و او یک صلوة یک قیراط است آن قیراط مانند کوه احد یا برآورده است عبد الزراق ضعیف
 که فرمود و صلی الله علیه و آله و سلم من صلی علی صلوة کتب الله له قیراطا و القیراط مثل
 بر که درود فرستد بر من یکبار بنویسد خدا یا تعالی او را یک قیراط و او یک قیراط و آنرا از اهل احد بختین که بی است نزد من
 منوره از اهل الله تشریف آفران با کربانی است که بحسب اختلاف بلاد مختلف است پس در یک ربع چشم حصار
 و عیان تصفیم حصه دنیاست چنانکه گفته یک جبه چهار من و گفته نیم جبه ذکر کرده اند این ثمره را سخاوی و شیخ ابن حجر مکی
 تحفه فاکهیه **مقدمه ۶۷** پیوسته شدن ثواب به یکبار او فی جنانچه در یا چهارم مذکور شد و متن آن را
 من ینکال الی الکیا الا انهم الیممة فلیک من الصلوة علی من یردایت کرده است ابو داود و در سنن
 خود و عبد بن حمید و سنن خود و غیر این که فرمود آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم من ینکال الی الکیا الا انهم
 اذا صلی علی اهل البیت فلیقل اللهم صل علی محمد و آل محمد و اوجه الله به که را خوش در اندیشه
 شدن ثواب پمانه وافی تر برگاه درود فرستد بر اهل بیت هم پس بدو اللهم صل محمدنا و آلنا
 شتمه آن در کیفات صلوة مذکور خواست و ذکر کرده اند این ثمره را سخاوی و شیخ ابن حجر مکی **مقدمه ۶۸**
 یک صلوة محبت کنان شتا و سال است برآورده ابو الشیخ و ابو سعید در نرف المصطفی من صلی علی
 مئة واحدة فقبلت حتی الله عنه و ثواب ثمانین سنة که درود فرستد بر من یکبار
 پس قبول کرده شود آن صلوة محو گرداند خدا تعالی از آن کس کنان شتا و سال و سابق از روایت بی غیور
 که صد صلوة زوجه سعید غفران ثواب شتا و سال است برآورده با صلوة جبه غفران ثواب شتا و سال است پس توفیق
 میان این روایت آن در روایت مسکین است ممکن است ثواب نیک این روایت مخصوص صلوة معین
 بوده باشد و الله اعلم ذکر کرده اند این ثمره را شیخ ابن حجر مکی تحفه فاکهیه **مقدمه ۶۹**
 صلوة خیر است از نوشتن کنان شتا و سال است برآورده ابو سعید در نرف المصطفی من صلی علی
 صلوة خیر است از نوشتن کنان شتا و سال است برآورده ابو سعید در نرف المصطفی من صلی علی

اَنْ لَا يَلْقَا عَلَيْهِ زَبَانًا لَا تَايَمُ بِرُكُودِهِ وَفَرَسُهُ بِرُكُودِهِ حَكْمُ فَرَاخٍ لَا يَتَعَالَى بِرُكُودِهِ وَفَرَسُهُ لَا يَرُكُ بِرُكُودِهِ
 بِرُكُودِهِ مَقَرُّ رَايَةِ رُفُوحٍ تَعَالَى بِأَنَّهُ لَا يَنْوَسِدُ بِرُكُودِهِ كَسَنَاهُ رَايَهُ وَحَافِظُ سَخَاوِي حِمَامَتِهِ كَقَفْطِهِ كَرْتُوتِ بَرْدِ حَيْثُ
 ضَا حُفَّةً فَكَيْفَهُ كَمَا كَرِي كَيْدِ كَسَمِ حَافِظِي كِتَابَتِ كِتَابِهِ بِكُنْ صِلُوةً بِأَنَّهُ خَوَاهِمُ كَفَتْ كَحَقِّ كَيْفَانِ هَمَّ
 لَكِنْ فَضْلُ الْهِ اسْتَأْنَتِي مِنْ عِلْمِي عَفَا اللَّهُ عَنْهُ مَيْكُوْدُ كَرَاهِيَةِ كَتْمِ خَلْقِي نَارُ رِيكَ وَحَدِيثُ كَرْدِ
 تَقْوَى سَبْعَ صِلَوةٍ عَلَيْهِ كَرُودِهِ أَنْدِيزْ عَمْرَهُ رَاشِحُ ابْنِ حَجْرٍ كِي وَصَاحِبُ خَفَةِ فَكَيْفِهِ **سَبْعَ صِلَوةٍ**
 اَزْ دُخُولِ رَاوِيَتِ كَرُودِهِ سِتْ مَنْ صَلَّى عَلَيْكَ صَلَوةً وَاحِدَةً لَمْ يَلِجْ النَّارَ حَتَّى تَعُوَ اللَّذِينَ فِي النَّارِ
 بِرُكُودِهِ وَفَرَسُهُ بِرُكُودِهِ رَايَتُشْ دُورِخْ بَاكَ اَزْ نِيَايَتِ مِيرِيسْتَانِ بَعْنِي چَا بَچْ شِيكَ اَزْ بَسْتَانِ بِرَايَهُ وَ
 دِيَسْتَانِ مَحَالِ سِتْ مَحْجَانِ دُخُولِ صِلَوةٍ رَاشِحُ الْحَالِ سِتْ حَافِظُ سَخَاوِي كَفَتْ كَرْتُوتِ بَرْدِ كَرْدِ كَرُودِهِ
 اَبْنِ عَمْرَهُ رَاشِحُ ابْنِ حَجْرٍ كِي **سَبْعَ صِلَوةٍ** اَبْنِ سِتْ جَلَّ كَرْدِ رَاوَرْدِهِ اَزْ جَمَاعَةِ بَرْدِ كَرْدِ
 اخْفَرْتُ صِلَوةً عَلَيْهِ سَلَّمَ مَنْ سَرَدَهُ اَنْ يَلْقَى اللَّهَ اَصْبَاوَرْدِ رَاوِيَتِ وَهُوَ عَنْهُ رَايَتُ فَلَكَ كَثْرُ
 مِنَ الصَّلَوةِ عَلَيَّ تَرَكُو شَرِّ كَرْدِ اَوْرَايَكُ طَاقِي شَوْدُ خَدَايَتَعَالَى رَاوَرْدِ حَالِكِهِ اَوْتَعَالَى اَوْرَايَتِ سِتْ بِرُكُودِهِ
 زِيَادَهُ وَفَرَسُهُ اَزْ صِلَوةٍ بِرُكُودِهِ اَبْنِ حَجْرٍ كِي كَفَتْ كَرْدِ بِرُكُودِهِ رَاوِيَتِ شَخْصِي مَتَمَّ بِهْ كَذِبِ كَرْدِ اَبْنِ عَمْرَهُ
 رَا اَبْنِ تَقِيمِ سَخَاوِي وَشَخْصِي اَبْنِ حَجْرٍ كِي وَصَاحِبُ خَفَةِ فَكَيْفِهِ **سَبْعَ صِلَوةٍ** اَبْنِ سِتْ جَلَّ كَرْدِ رَاوَرْدِهِ اَزْ سِلْطَةِ خَدَايَتَعَالَى سِتْ رَاوِيَتِ
 اَزْ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ هُوَ اَنْدَعْدَهُ كَرْدِ بَرْدِي بِسُغَيْرِ خَدَايَتَعَالَى صِلَوةً عَلَيْهِ سَلَّمَ وَكَرْ خَدَايَتَعَالَى كَرْدِي تَقَرُّ بِكَرْدِي
 بِسُغَيْرِ خَدَايَتَعَالَى كَرْدِ صِلَوةٍ بِسُغَيْرِ خَدَايَتَعَالَى عَلَيْهِ سَلَّمَ زِيَادَهُ بَرْدِي شَيْدِهِ اَمِ بِسُغَيْرِ خَدَايَتَعَالَى عَلَيْهِ سَلَّمَ
 رَا مِغْمُودُ قَالَ جَبْرِئِيلُ اَللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ مَنْ صَلَّى عَلَيْكَ عَشْرًا قَبْلَ اِسْتَوْجَابِ
 الْاَمَانِ مِنْ سَخَطِي كَفَتْ جَبْرِئِيلُ مُحَمَّدُ بَرْدِي خَدَايَ عَزَّ وَجَلَّ مِغْمُودِهِ بِرُكُودِهِ وَفَرَسُهُ بَارِ سَخَطِ
 اَنْ شَوْدُ اَزْ اَرْضَا مَنَدِي مِنْ سَخَطِ الْفَرَسِ وَبَعَثْتَنِي بِرُكُودِهِ وَشَخْصِي اَبْنِ حَجْرٍ كِي
 كَفَتْ كَرْدِ بِرُكُودِهِ رَاوِيَتِ شَخْصِي مَتَمَّ بِهْ كَذِبِ كَرْدِ اَبْنِ عَمْرَهُ رَاشِحُ ابْنِ حَجْرٍ كِي وَصَاحِبُ خَفَةِ فَكَيْفِهِ **سَبْعَ صِلَوةٍ**
 سَبْرَانِ شَدْنِ مِيرَانِ سِتْ رُزْ قِيَامَتِ رَاوَرْدِهِ سِتْ اَبْنِ اَبِي الدِّيَا سَلَّمَ اَلَا كَرْدِ عَبْدُ اللَّهِ بِرُكُودِهِ
 اللَّهُ عَمَّا اِنْ لَارِمِ مِنَ اللَّهِ مَوْقِفَانِي فَيَسِجُ الْعَرْشِ عَلَيْهِ ثَوْبَانِ اخْضَرَانِ كَانَهُ
 فَخْلَةٌ سَحُوقَانِظَرُ اِلَيَّ مَنْ يُطْلَقُ بِهِ مِنْ وَلَدِهِ اِلَى الْجَنَّةِ وَيُنْظَرُ اِلَيَّ مَنْ يُطْلَقُ بِهِ مِنْ
 وَلَدِهِ اِلَى النَّارِ قَالَ فَيَسِجُ اَرْمُ عَلَى ذَلِكَ اِنْظُرُ اِلَى رَجُلٍ مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 وَسَلَّمَ مُنْطَلَقٌ بِهِ اِلَى النَّارِ فَيُنَادِي اَدَمُ يَا أَحْمَدُ يَا أَحْمَدُ فَيَقُولُ لَيْتَ يَا أَبَا الْبَشَرِ
 فَيَقُولُ هَذَا رَجُلٌ مِنْ أُمَّتِكَ مُنْطَلَقٌ بِهِ اِلَى النَّارِ فَاشْكُ الْبِزْمَةَ اَهْ فِي اَنْوَاعِ الْاَلَاةِ

دیدم که پس بدین چنان چششی با گریه ای اینی استاده اندخته مردی خوش و بالاس آمد و آنها را دور و دور دست
 خود بر روی بد من فرو آورد پستیز و من آمد و گفتم بیدار شو و پدید نور روشن شده و سیاهی من دور گرد
 نفتم که نوک دای گفتم من محمد صلی الله علیه و سلم ای شدم و جامه از روی بد برداشتم دیدم که روشن شده است
 و سیاهی دور گردیده پس از آن روز گفتن صلوة لازم کرده ام در هرگز ترک نمیکند ذکر کرده است این ثمره را نیز صاحب
 تحفه الغریب **مشاهده** سبب محرم شدن مصلی است در آخرت یعنی تاج و دیگر منازل سینه در اتب علیه
 نمری و این شکوای آورده که مردی از اهل شیراز ابو العباس محمد بن منصور را بعد موت خوابید که در محراب سجده
 جامع شیراز ایستاده و در سجده بر تاج مکه ایستاده این مرد از او پرسید که خدایتجا تو چه کردی گفت از مزید
 گرامی داشت یعنی تاج و جنت عزیز گردانید آن مرد پرسید که از چه چیز گفت سبب کثرت صلوة بر کلمات
 صلی الله علیه و سلم و از فقیه محمد بن محمد بن جابر حماد منقول است که در خواب دیدم شیخ حسین بن اسماعیل سید را
 در صورتی جمیل مبتی شریف خندان صورتیکه رویداد داشت پس گفتم او را که چه چیز این منزلت یافتی گفت
 بر آنحضرت صلی الله علیه و سلم و از این قبیل حکایات دیگر سابق مذکور شده اند ذکر کرده است این ثمره را صاحب تحفه الغریب
 بقدری تعاریف عبارات **مشاهده** سبب برات از نفاق و از ناست پیشانی مصلحان آمده است
 در روایتی که یکی از روایات آن مجمل الحال است من صلی علی عترت صلی الله علیه و سلم مائة و من
 علی مائة کتب الله تعالی بین عینیه مائة من النفاق و براءة من النار و انزل الله
 الله یوم القيمة من الشک دایم که درود گوید بر من ده بار درود گوید خدا تعالی بر آن کس صد بار
 و هر که درود گوید بر من صد بار بنویسد استعجابان برودم او برات از نفاق و براءة از آتش و دوزخ و ساکن گرداند
 در او خدا تعالی در روز قیامت و شهدا ذکر کرده است این ثمره را صاحب تحفه فاکهیه **مشاهده** سبب آن
 در شهادت این روایت مذکور معلوم گردیده ذکر کرده است این ثمره را نیز صاحب تحفه فاکهیه **مشاهده**
 صلوة معادل عنق رقاب مشهور روایت کرده است ابن ابی عامر من صلی علی کتب له بها عشر حسنات
 و نخی عنه بها عشر سیئات و رفع له بها عشر درجات و کن له عندی عشر
 رقاب هر که درود گوید بر من نوشته شود او را در مقابل آن ده نیکی باو محو کرده شود از و بدان ده گناهان و بلند
 کرده شود او را و بدان ده درجه او باشد صلوات بر او را بر برده رقاب را از او کند در راه خدا تعالی و سبانی
 از روایت ابن وهب کور شده ما من مسلم صلی علی عترتنا فکما اعتق رقبة و در اثر امیر مومنین
 ابی بکر صدیق مذکور شده که سلام بر صلی الله علیه و سلم افضل از عنق رقاب است و در حدیث آمده است
 که صلوة افضل است از عنق رقاب ذکر کرده اند این ثمره را شیخ ابن حجر و صاحب تحفه فاکهیه و سخاوی ذکر کرده

افضل صلوة غرق قاب **مقام ۶۱** و نسبت فرشتگان است مصلی آمده است روایت ضعیف است
 او تاراجلسا هم الملائكة ان غابوا فقد وهم وان مرضوا عاهدوهم وان راوهم رجسوا
 وان جلبوا حاجة اهلهم واذ جلسوا حقت بهم الملائكة من لدن اقدامهم الى
 عنان السماء بايديهم قرأوا من الغضا و اقلام الذهب يكتبون الصلوة على النبي صلى الله
 عليه وآله يقولون لا تتركوا حبل الله زريدا واما رادكم الله فاذ استفتوا الذي رفع
 لهم ابواب السماء واستجاب لهم الدعاء ويطمع عليهم الحور العين فاقبل الله عز وجل
 بوجهه ما لم يخوضوا في حديث ويتفرقوا فاذا تفرقوا قام الزوار يمشون حلق الد
 بدستهم مساجد است او تا معنی میمان که بنشینان آنها فرشتگان است اگر غایب شد آنها جست و جو میکنند
 آنها را و اگر در پیش شوند بیمار میکنند آنها را فرشتگان و اگر بنشیند فرشتگان آنها را حمله میکنند و اگر آنها خلعت
 آسان کنند بر او شان چون بنشینند آنها را دیگرند آنها فرشتگان از زرقه بای و شان تا وسط آسمان و باشد
 در دست های فرشتگان کاغذ های نقره و قلم های زر بنویسند و در ویر که بر پیچید اصلی الله علیه و سلم فرستند
 و گویند که اگر کنید رحمت کند و شما خدا تعا و گویند که زیاده کنید صلوة و ذکر را زیاده کند و شما را خدا رحمت خود پس
 چون آغاز کنند ذکر الهی را کشاده شود برای او شان در های آسمان و ستیاب گرد و در او شان دعا و بر آید بر او شان
 حوران فرخ چشمان و متوجه شود خدا تعالی بذات پاک خود بر آنها که خوض کنند و سخن غیر و متفرق شوند و چون
 متفرق شوند بخیزند فرشتگانی که بر ازیارت او شان آمده بودند و طلب کنند حلقه های ذکر را خفی مانند که تفت
 و عبادت و تحبب اعانت بر حاجت و عامنعت از محبت است فکر کرده است این شماره را شیخ ابن حجر کی و در آن
 دو عمار و تحفه فاکیه نیز آورده **مقام ۶۲** صلوة را ملاک به اقلام ذریت کو اغذ فقه مینویسند چنانچه
 از حدیث کور ظاهر شد ذکر کرده اند این شماره را شیخ ابن حجر و صاحب تحفه فاکیه **مقام ۶۳** شب هفتاد
 آنحضرت است صلی الله علیه و سلم مصلی را در روز قیامت چنانچه سابق در حدیث مذکور شد و من اذ حبابه
 و شوقا كنت له شفيعا او شهيدا يوم القيمة بر آورده است بخاری و ابوب مغرو و ابن حجر
 و عقیقه که فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم هر که گوید اللهم صل على محمد الى اخره کو اهی سیدم بر آن کس
 روز قیامت به شهادت و بر با کیفیت صلوة مذکور خواهد شد الشا الله تعالی ذکر کرده اند این شماره را
 سخاوی و شیخ ابن حجر کی و صاحب تحفه فاکیه **مقام ۶۴** نسبت کتف مصلی است با کتف شریف
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم در حدیث آمده من صلی علی الفاحمت کتف کفی علی باب الجنة که
 در و در دست بر من هزار بار مرا حمت کند شانه آن کس که مرا در روز هشت مفسود از مرا حمت کند

کذبح اسلام و بعد از آن جنگ کند در راه خدا تعالی یکبار نوشته شود آن غزاة مقابل جبار صد حج فرمود و صلی الله علیه و آله
 که بعد از آن این سخن شکسته شد و بهای کسی که توانائی نمی دارد چهار و نه برج پیش می فرستاد خدا غنی و جل بسوی
 اسکندر و کوبید بر تو هیچ کی مگر که نوشته شود در دو و او مقابل جبار صد غزاة مقابل جبار صد حج جافظ سخاوی
 گفته که این از موافات است و اما وضع آن بهر که کرده اند این عمره را شیخ ابن حجر می و صاحب فقهیه **تم ۵۷۸**
 صد صلوة در روز یک بار هر چند و حاجی هزار گناه و مقابل صد صدقه مقبولة است و آورده ابو سعید و
 المصنف که فرمود و صلی الله علیه و آله من صلی علی فی یوم مائة مرة كتب الله بها الف الف حسنة
 و محی عن الف الف سيئة و كتب مائة صدقة مقبولة و من صلی علی ثم بلغني
 صلواته صليت عليه كما صلی علی و صليت عليه نالت شفاعتي بر که در روز
 بر من در روزی صد بار نوشته است تعالی امر آن را در عرض آن هزار بار نیک و بخوبی کند از هزار گناه و بسند
 را و او صد صدقه مقبولة و بر که در روزی بر من سیس پس آن در دو و در دو و گویم بر آن چنانچه در فرستاده است
 او بر من و بر که در دو و گویم بر او و یا در شفاعت من جافظ سخاوی گفته که مرا کمان است بعد صحت این روایت
 ذکر کرده اند این عمره را شیخ ابن حجر و صاحب فقهیه **تم ۵۷۹** یک صلوة قضیت صد حاجت یا آورده
 است و یلی بسند منقطع من صلی علی صلوة واحدة قضیت له مائة حاجة بر که در روز و گوید
 بر من یکبار و اگر در دو و او را حاجت و در روزی اسناد علی رضی الله عنه است بطریق رفع من صلی علی محمد
 علی آل محمد مائة مرة قضی الله له مائة حاجة ذکر کرده این عمره را شیخ ابن حجر می رحمه الله
تم ۵۸۰ صلوة احب اعمال است نزد خدا تعالی بر آورده و یلی ضعیف گفت آن حضرت صلی الله علیه
 و سلم قلت لحذیر بن ابي الاعمال احب الی الله عز و جل قال الصلوة عليك يا محمد
 و حب علی بن ابی طالب گفتم جبریل الی کلام عمل است نزد خدا تعالی گفت جبریل که دوست
 ترین عمل در روز و او را شهادت علی بن ابیطالب است ذکر کرده اند این عمره را سخاوی و شیخ ابن حجر می رحمه الله
تم ۵۸۱ صلوة نسبت می است آورده است یلی بسند ضعیف گفت منی صلی الله علیه و آله سلم زینب
 بحال السلم بالصلوة علی فان صلواتکم علی بنی موسی القمات زینب و استکی و محبیهایی شماران
 بر من بر سیکه و شمار من است شمار او و زیارت روایت کرده است از المومنین عایشه صدیقه و
 المومنین عمر بن الخطاب رضی الله عنهما زینب و عیبیهایی شماران بر خدا صلی الله علیه و آله سلم ذکر کرده
 این عمره را سخاوی و شیخ ابن حجر می و صاحب فقهیه **تم ۵۸۲** برکت و فائده صلوة تا و نیشیر و میر
 مروی است از حذیر رضی الله عنه بسند ضعیف که در دو و صلی الله علیه و آله سلم در یابد در او و او بر او و او بر او ذکر کرده است

این ترجمه را سخاوی شیخ ابن حجر می و مناسبت فاکهیه لیکن حسب آنچه گفته که برکت تاجیه انبیا میرسد و آن را حدیث
مذکور مشاهده است و الله اعلم **مسئله ۸۲** عیب دوم سوال است از مغروضات ذکر کرده است محمد الدین لغوی
فیروز آبادی از ابی الفتح از دیلمی ابن مسعود رضی الله عنهما که گفت وی صلی الله علیه و سلم من حج حجت الاسلام
وزار قبری و غار عروة و صلی علی بنی بیت المقدس لم یسأل الله فیما افترض علیهم که
بلندار حج اسلام زیارت کند قبر او جنگ کند و راه خدای غفره و درود گوید بر بنیت المقدس آنجا که در او را
خسده است تعالی را آنچه فرض کرده شده است بر او ذکر کرده این ترجمه ابن حجر می **مسئله ۸۳** عیب سوم اصل است نزد
موت زیر الصلوة و دفع بلیات و کافیه است چنانکه سابق ذکر شد و شدت سکرات موت نیز از بهات است ذکر کرده
است این ترجمه را حسب آنچه فاکهیه **مسئله ۸۴** عیب چهارم در مصلی را ذکر کرده این ترجمه را سخاوی و حسب آنچه فاکهیه
مسئله ۸۵ عیب پنجم بر اعدا است ذکر کرده این ترجمه را نیز سخاوی و حسب آنچه فاکهیه **مسئله ۸۶** عیب
منع اغتیب است ذکر کرده است این ترجمه را نیز سخاوی و حسب آنچه فاکهیه نقل از ابن السخاوی **مسئله ۸۷**
درود جوض کوثر است ذکر کرده این ترجمه را نیز سخاوی و حسب آنچه فاکهیه **مسئله ۸۸** عیب ششم در این مصلی است و حدیث آن
حضرت صلی الله علیه و سلم ذکر کرده است این ترجمه را حسب آنچه فاکهیه **مسئله ۸۹** عیب هفتم از طبع و انقباض صورت
کریمه آنحضرت است صلی الله علیه و سلم و نفس صلی این اجل فایده اعظم ثمرات است ذکر کرده است این را صاحب حدائق الانوار
بدانکه نو عمره که از اول باب اینجا مذکور کردید آن را علمای سنی که سالیانها در این باب کوشش در سنگ ثمرات منتظم کرده اند
و از اینجا تا آخر باب استخراج این عاصی کان الله له بقید قلم می آید **مسئله ۹۰** عیب هفتم معرفت آنحضرت
صلی الله علیه و سلم مصلی را جوض آورده است شیخ ابو عبد الله حیرولی رحمه الله در دلائل الحیات قاضی عیاض و
جلال الدین سیوطی و مناهل الصفا لکن ذکر کرده اند مخرج آن که فرمود وی صلی الله علیه و سلم لیرون علی
الحوض یوم القيمة اقوام ما اعزتهم الا بکثرة الصلوة علی برائیه و اردو شود بر من جوض کوثر
را در روز قیامت مردمانیکه فهم آنان را که کثرت صلوة بر من **مسئله ۹۱** عیب هفتم ضحک تعالی است
بر مصلی روایت کرده است نسائی در سنن کبیر از ابن مسعود رضی الله عنهما که فرمود و صلی الله علیه و سلم یضحک
الله الی رجلین رجل لقی العدو و هو علی فرس من امثال حیل اصحاب فانهزموا
و ثبت فان قتل استشهد و ان بقی فذاک الذی یضحک الله الیه و رجل قام
فی جوف الليل لا یعلم احد تووضا فاسمع الوضوء حمد الله و حیده و صلی الله علیه و سلم و الله علیه
و سلم و استفتح القرآن فذاک الذی یضحک الله الیه یقول انظروا الی عبدی
قام لا یراه احد غیری یضحک سیکند خدای تعالی بدو کس از آن مردیکه طاقی شد و من در جابلک

سواد است بر آید امشب ترین آید این باران خود پس بگویند آنها و آن گشت ثابت گریس اگر گشته آن شمسید و اگر
 زنده ماند پس همانست کسیکه صبح میکند خدایتعالی بدو و دوم از آن مروت که خواست در میانش باشد حالیکه آگاه
 نباشد بدان هیچ کس پیش خود کرده و ضو کامل سپیش کرد خدایتعالی را و بخدا نمود و در روز متاد بر بنی صلی الله علیه
 و آله و سلم باشد و قرآن یعنی بخواند قرآن مشغول شد پس آنست کسیکه صبح میکند خدایتعالی بدو و حالیکه میگوید ملائکه را
 بسبب سبب بنده من در حالیکه قائم است و نمی بیند او را هیچ کس سوای من **مسلمه** و سبب مغفرت کن
 صبح پیش از آمدن شب مغفرت کن آن شب است پیش از آمدن صبح روایت کرده است من صلی علی
 مسأ عفر الله له قبل الصبح ومن صلی علی صباحا عفر الله له قبل ان یمنی که
 در روز که برین شب یا فرد خدایتعالی مراد را پیش از آمدن صبح بگوید که در روز که برین صبح یا فرد مراد را پیش از آمدن شب بگوید
 است این حدیث را شیخ ابن حجر کبیری حافظ سخاوی گفته که بر اصل آن واقف نشدم **مسلمه** و سبب
 در بار آسمان و سادات است چنانچه قبل ازین حدیث مذکور شد فاذا استفتحوا الذکر ففتح لهم ابواب
 السماء الحدیث و شیخ ابو عبد الله جزو او در دلائل الحیات گفته که مذکور است در بعض اخبار ان العبد اذا
 اولامته المؤمنة اذ ابدأ بالصلاة علی محمد صلی الله علیه وسلم ففتح له ابواب السماء والسرور
 حتی الی العرش فلا یبقی ملک فی السموات الاصلی علی محمد و یستغفرون لذلك العبد اولامته
 ما شاء الله بدرستیکه عبد موسی بانه مومن چون شروع کند در صلوة بر محمد صلی الله علیه وسلم کشاده مراد او را
 آسمان و سادات یعنی حجابها و پر تا به پیشانی ماند فرشته در آسمانها که درو میگویند محمد صلی الله علیه وسلم و
 مغفرت میکنند بر آن بنده یا داده تا که خدایتعالی خواسته باشد **مسلمه** و سبب بر چشم آن حضرت
 الله علیه سلم حکایت کرده است ابو بکر بن قمر که حمد الله که مراد از صلوة حدیث و جعلت قرة عینی فی الصلوة
 صلوة خدایتعالی و ملائکه را مودت است بدین استیر که چون او دعا ختم قطعی او بصلوة خود ملائکه را مودت است تا
 بقیامت بصلوة پس حاصل شد و صلی الله علیه وسلم را بدان قره العین یعنی بر چشم پس مود که گردانیده شده است
 نازکی و خنکی چشم من بصلوة یعنی در **مسلمه** و سبب عار دانه در حق مصیبت بر آورده است طبرانی که
 آن حضرت صلی الله علیه وسلم من قال اذ اربک ربنا الله الذی لا یضر مع اسمه شیء سجنان
 من لیس له شیء سجنان الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین وانا الی ربنا
 لم نقبلون و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علیه و آله و سلم و علی سیدنا محمد و علیه السلام قالت
 الدابة بارک الله علیک من مومن خففت علی ظهوری و اطعت بأمری احسنت الی
 نفسی بارک الله فی ما عرفت و انی حاجتک بر که گوید چون سوار شود بر البسم الله الذی

لا یضرب مع الله شیئاً الا غلبه ویدیه برکت کند خدا تعالی تو را زودی انکه مومن است تخفیف کردی بر
 من الطاعت کردی بر کار ترا و نیکی نمودی بسو نفس خود برکت و ماو خدا تعالی در سفر تو و روانه حاجت تو
۹۷ سبب دفع وسوسه شیطان شر است و حدیث آمده که ما یخشی من شر ذلک الشیطان
 و شر وسوسه فلیجأ الی الله فی دفعه متوسلاً الیه بالصلوۃ علی نبيه صلی
 الله علیه و سلم هرگاه خوف کرده و از بدی آن شیطان بدی و وسوسه پس باید که ایستاد بسو خدا تعالی
 براد دفع آن در حالیکه وسیله جوینده است بسو وی تعالی بالصلوۃ بر خیر او صلی الله علیه و سلم **۹۸**
 اقبال خدا تعالی است بسوی مصلحانچه سابق در حدیث مذکور شد و اقبل الله عز و جل بوجهه مالم
 یخوضوا فی حدیث و یتفرقوا الحدیث **۹۹** سبب تکلم آن حضرت صلی الله علیه و سلم
 با مصلحان در روز قیامت چنانچه سابق در حدیث نقل میزان مذکور شد فیقول انا نبیک محمد و هذه صلوات
 الی کنت تصلی علی و قد وافیتک احکم ما کنت الیهما معین سابق مذکور شد **۱۰۰**
 سبب لزوم آن آن حضرت صلی الله علیه و سلم محتاج را بسو مصلحان حاجت آن محتاج آورد
 مصلحان حاجت باید و آن منی با اختصاص مصلحان است با جناب صلی الله علیه و سلم چنانچه در بیان قضای
 حوالج حکایتی از کتاب تلخیصی مذکور شد و در تحفه الیوم کتاب بغیة المستفید اخبار مدینه زبید نقل کرده که مرد
 نزد حسین بن سلامه آمد و گفت که پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم مرا نزد تو فرستاده است که تا عطا کنی مرا هزار دینار
 حسین بن سلامه گفت مرا نزد که شایسته این باین صورت در نظر تو متمثل متشکل شده است آن مرد گفت که آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم آگاه کرده ام را بر عبادتی که جزو کسی داند و آن اینکه تو هر شب بخواب نمی روی تا که صد بار درود
 بر وی صلی الله علیه و سلم نگوئی حسین بن سلامه بگریست و گفت که راست گفتی از نیست سال خبر خدا کنشی بنام
 مطلع نیست و او را هزار دینار داد و نیز از محمد بن مالک حکایت کرده که برای تحصیل علم نزد ابی بکر بن مجاهد مرقی
 بعد از نیم روزی با چند کس قرأت کتاب دیم پیر مردنزد ابن مجاهد آمد و دستار و قمیص و چادر کهنه و آتش
 برای تعظیم او قیام نمود و در مکان خود نشاند و از حال او و حبیب او استخبر نمود آن مرد گفت که امشب بسو وی
 مرا بیدار شده است از من روغن و غسل و خواست کرد و من مالک فرستم که بماند کار و او گفتم ابو بکر بن مجاهد
 که من اندو میگیرم و چون بخوابم دیدم آنحضرت صلی الله علیه و سلم را که میفرماید چرا اندو میگیری برو نزد
 علی بن عیسی زبیر خلیفه و از من سلام بپرسان و بگو که بعلا مت اینک هر شب جمعه تو بخواب نمی روی تا که هزار بار درود
 بر من نگوئی و این جمعه مقصد بار درود و خوانده بودی که رسول خلیفه آمد و ترا طلب کرد پس رفتی و بعد مراجعت
 انعام هزار کرده خفتی باین پیر مرد یکصد و بیارزد که تا بمصلح خود بر داند پس ابو بکر آن پیر مرد را همراه خود گرفته

سوال روز پس فرمود آتانی جبرئیل فقال مرغم انفجركم انك اذرك البويه او احدهما الكبير فليخبرك
 الجنة فقلت امين قال ورغم انفجركم انك اذرك رمضان فانسلخ منه ولم يغفر له فقلت
 امين قال ورغم انف من ذكرت عنده فلم يصل عليك فقلت امين رغم بمعنى لصق بالتراب
 است متصل شد بخاک از دلت و خوارى يا بمعنى ذل يعني ذليل و خوار شد ترجمه و ايت سابقه ظاهر
 و در روايتي ديگر آمده لما رقت الدجرجة الاولى جاني جبرئيل فقال شقي عبد اذرك رمضان
 فانسلخ منه ولم يغفر له فقلت امين ثم قال شقي عبد اذرك والدي او احدهما فلم يكن
 الجنة فقلت امين ثم قال شقي من ذكرت عنده فلم يصل عليك فقلت امين ثم قال شقي
 بدحت قوله فانسلخ پس شد و در روايت بهقي آمده كه نگاه بنا كردن حضرت صلى الله عليه و آله را
 و چه پس نگاه بران سوار شد و زور بردن بر وجه گفت امين پس الكرهه بدان فرمود ان جبرئيل عليه السلام صعد
 قبل العتة الاولى فقال يا محمد فقلت ليك وسعديك فقال مر اذرك البويه او احدهما فلم
 يغفر له فابعد الله قل امين فقلت امين فلما صعد العتة الثالثة قال يا محمد فقلت ليك
 وسعديك قال من ذكرت عنده فلم يصل عليك فقلت امين فدخل النار فابعد الله
 قل امين فقلت امين قوله صعد كبر عين بالافت قوله عتبه و در روايتي ضعيف آمده كه تبه و
 آيا سيد امين كه چرا امين گفتم صحابا گفتند خدا و رسول او و انما است گفت جاني جبرئيل فقال انك من ذكرت عنده
 فلم يصل عليك فدخل النار فابعد الله واسحقه فقلت امين من اذرك الديه او احدهما فلم يغفر
 له فدخل النار فابعد الله واسحقه فقلت امين قوله اسحقه و در روايتي قوله فلم يغفر له
 مكره و با و در روايتي كه نگاه آن حضرت صلى الله عليه و آله را نگاه كردن بران پس گفت ان جبرئيل
 تبدل الى في اول رحلة فقال يا محمد من اذرك الديه فلم يغفر له فدخل النار فابعد الله فقلت
 امين ثم قال في الرحلة الثانية ومن اذرك شهر رمضان فلم يغفر له فابعد الله ثم ابعده فقلت
 امين ثم تبدل الى في الرحلة الثالثة فقال ومن ذكرت عنده فلم يصل عليك فابعد الله ثم
 ابعده فقلت امين قوله تبدل الى انما تفعل يعني ظاهر شد و بر آورده است ابن سني بسند ضعيف من ذكرت
 عنده فلم يصل علي فقد شقي بر كه ذكر کرده شوم زو او پس رو و نوسند بران تحقيق بخت شدن كس و در لفظي است
 شقي عبد ذكرت عنده فلم يصل علي روايت کرده است ويلي من ذكرت عنده فلم يصل علي فدخل النار
 بر كه ذكر کرده شوم زو او پس رو و نوسند بران اخل شد و شوم و زو از انچه كه شوم زو ان حضرت صلى الله عليه و آله
 و سلم و در روايتي خطا كنند فريحتن مروى است از سيد الشهدا ابى عبد الله الحسين رضي الله عنه كه گفت صلى الله

۵۶

و سجودها آگاه باشد دلالت میکند شمار برترین آدمیان بدترین آدمیان و خلیل ترین میا کسلندین آدمیان و الیم ترین
و درزترین آدمیان گفته شد یا رسول الله ای خبری با ناکفت بهترین آدمیان کسی است که سودمند شوند بدو آدمیان و بدترین
آدمیان کسی است که غازی کند بر او اسلام را و کا بهترین آدمیان کسی است که بیدار شود و شکایت نکند خدا تعالی را به بان اندام خود
ناکسترین آدمیان کسی است که ذکر و شوم پیش او پس دو نفرند بر من خلیل ترین آدمیان کسی است که بخل کند از گفتن سلام بر او
و درزترین آدمیان کسی است که بدزد و دغاخورد اگر گفته شد که یا رسول الله چگونه دزد و دغاخور در فرموده تمام کنند رکوع آن و سجود آن
از آنچه مجلسیکه عالی باشد از صلوة بروی صلی الله علیه و سلم در روز قیامت مردم آن مجلس حشر خواهد بود تری و بسیاری از این
بر آورده اند که فرمود وی صلی الله علیه و سلم ما جلس قوم مجلسا لم یذكروا لله تعالى فيه ولم يصلوا على
نبيه صلى الله عليه وسلم الا كان عليهم تررة من الله فان شاء عذبهم وان شاء غفر لهم
نه نشست قومی در مجلسیکه یاد نکردند خدا تعالی را در آن در و نفرستادند غیر نبی او صلی الله علیه و سلم مگر که باشد بر آنها حشر
تر و خدا تعالی پس از خدا تعالی خواهد غلبد آنها را و اگر خواهند زیاده رو در روایت حاکم است ما جلس قوم مجلسا ثم تقرقوا
قبل ان يذكروا الله ويصلوا على نبيه الا كان عليهم حسرة الى يوم القيمة قوله ثم تقرقوا
پس ترحشند قوله الى يوم القيمة یعنی بعد موت تا روز قیامت یا الی معنی فی است یعنی در روز قیامت و در روایاتی
است که تصحیح کرده است آن را حاکم ایما قوم جلسوا و اطالوا الجلوس ثم تقرقوا قبل ان يذكروا الله
ويصلوا على نبي الا كان عليهم تررة من الله ان شاء عذبهم وان شاء غفر لهم قوله
ایما قوم یعنی توهم قوله اطالوا یعنی دراز کردند و بی گفته اند شضعیف است او در روایت ما جلس قوم
لم يذكر الله ولم يصلوا على نبيهم الا كان ذلك المجلس عليهم تررة ولا تعد قوم لم يذكر
الله الا كان عليهم تررة حاکم گفته که این روایت صحیح بشرط بخاری و در رواست بسند صحیح لا یجوز
قوم مجلسا لا يصلون فيه علی رسول الله صلی الله علیه و سلم الا کان عليهم حسرة وان
دخلوا الجنة لما يرون من الثواب قوله وان دخلوا الجنة الم یعنی آنها حشر کنند بر برگ
بروی صلی الله علیه و سلم در موقف از جهنت فوت شدن ثواب اگر چه باشد زیرا انها بسوجت و بعد دخول جنت ملا
انها نخواهد بود زیرا که جنت و راحت است و حشر رنج و محنت قوله بنا فوفانية مكسو و ارفعته مفتوحة بمعنی حشر
و گفته اند که بعضی از مشرکان و ابن شریف گفته که بعضی نقص در عبارت نصب رفع بر و جاریست نصب بر یک خبر کا
است و رفع اینکه اسم آن است از آنچه مجلسیکه مردم آن قبل از صلوة بروی صلی الله علیه و سلم متفوق شدند و یا
که از بد بو زین جیفه جدا شدند است بصحیح شرط مسلم ما اجتمع قوم ثم تقرقوا عن ذكر الله عز وجل
وجل و صلوة على النبي صلى الله عليه وسلم الا قاموا عن اثني جيفة جمع نشند قومی سپس متفوق

بدون ذکر طایع و جل و بدن و در بر نبی صلی الله علیه و سلم بلکه برخاسته آنها را بدو ترین مرداران را حمله کرد
 در و دو نفوس بر آن حضرت صلی الله علیه و سلم نیست مگر آن را وین را آورده است مروتی بسندیکه در آن شخصی غیر نیست
 که گفت وی صلی الله علیه و سلم من لم یصل علی فلا ینکح و در و دو نفوس بر من نیست مگر من و در آن را حمله
 کسیکه در و در آن حضرت صلی الله علیه و سلم نفوسند نه بیند روی صلی الله علیه و سلم را چنانچه قبل ازین از ابی سعد از ام
 المؤمنین عائشه صدیقہ رضی الله عنہا مذکور شد و نیز از وی را الله عنہا مروی است که فرمود آن حضرت صلی الله علیه و سلم که لا یزنی
 و بحیثی ثلاثه انفس العاق لوالدیه و الذاری لسنی و من لم یصل علی اذا کثرت بین یدین
 نمیند روی اسکیس کی نافرمان را بری کشده و الدین را دیم ترک کننده سنت و طریقه من سیوم کسیکه در و دو نفوس بر من
 یاد کرده بشنید **باب مفت و تفصیل مواقع صلوٰۃ و این باب ششم است بر مقام**
اول در مواقع خوب صلوٰۃ اول نزد ذکر وی صلی الله علیه و سلم ابو جعفر طحاوی و صاحبان محیط و تحفه و غیره
 و متفید از حنفیه ابو عبد الله حمیدی استاد ابو اسحق اسفراہینی و شیخ ابو حامد افراسیابی از شافعیہ طرسوسی و ابن عربی و
 فاکهانی و لخمی از مالکیه و ابن بطین از حنابلہ قایل اند بوجوب صلوٰۃ نزد ذکر وی صلی الله علیه و سلم بجز اگر چه در مجلس احدی مذکور
 به حدیث رخم انف و نسبت بخان تارک آن و بعضی قایل اند بوجوب آن مجلس بیکبار اگر چه مذکور شود ذکر او صلی الله علیه و سلم
حکایت کرده است آن را از خشکی و توحید کرده اند باینکه لازم آید تسلسل و صورت مکرر از زیر که در و دو شتمین نام و
 صلی الله علیه و سلم است و ذکر نام او بوجوب صلوٰۃ است و گفتیم که بعضی تسلسل نمیشود زیرا که چون کسی نام آن حضرت صلی
 الله علیه و سلم تلفظ کرد و بگوید در و دو فرستاد به صلی الله علیه و سلم علی محمد لازم نیست صلوٰۃ و دیگر تلفظ این صیغه بر آن نام
 او متعذر بصلوٰۃ است فلا اسکال و الله اعلم **حکایت** کرده است قاضی عیاض از جمعی که واجب بر
 که نزد ذکر وی صلی الله علیه و سلم خضوع و توقیر و سکن از حرکت نماید غالب دانند بخود بیت و اجلال وی صلی الله علیه
 و سلم و باینکه حاضرین متذکر باینکه خدا تعالی بدان ما را تارک است باینچنین عادات سلف صالح و ائمه ماضیه و
 است که مالک رضی الله عنه در وقت ذکر وی صلی الله علیه و سلم متغیر اللون و مخفی میشد چون این حالت بر جلسا و شناس
 گذشت از سوال کردند او گفت اگر بنشیند شما آنچه من هم انکار بر من نخواهید کرد **حکایت** کرده است از ائمه سلف که خود را با
 طاقی شده در و ذکر وی صلی الله علیه و سلم میکردند یا رنگ آنها را در میشد یا زبان در دهن خشک میکردند و بیتی ذکر وی
 صلی الله علیه و سلم انتهی بن عاصمی غفر الله عنه خود را بموهره دیده است که در وقت ذکر احوال آن حضرت صلی الله علیه
 و سلم میگرفت و آواز او متغیر میشد شرح و غیره این قایل اند باستجاب صلوٰۃ نزد ذکر وی صلی الله علیه و سلم
 و ویکم بعد شهادت آخر پیش از اسلام یعنی شهادتیکه بدان نماز تمام میشود اگر چه تشهد اول بدان نباشد اجماع مسلمین است
 مگر روایت صلوٰۃ در آن نهی تمام شامع بن اسحق بن راهب و جواب است و عدم صحت صلوٰۃ بدون شهادت بر آن حضرت

صلی الله علیه و سلم نیز واجب بود و امام محمد بن ابی نضر از خروج بان کرده و نزد خفیه و جامه ایشان است و آن است قول
صحیح از ذیل طحاوی و ابن منذر و خطابی مبالغه دارند در انکار قول شافعی قاضی عیاض و شافعیان ایشان شده و
شافعی بنشیند و ذکر کرده و گفته که مردم بر کشتن کرده اند نظیرین الذین عاقی از اکثر مشایخ انکار بر قاضی عیاض نسبت
انکار او بر شافعی نسبت او بنشیند و نقل کرده در انکه قاضی شافعی خلاف در طهارت غسل و خون در صلی الله علیه و سلم حکما
کرده و قول بطهارت را نظیر زیادت شرف و صلی الله علیه و سلم استحسان نموده پس انکار و بر وجوب صلوئه که آنهم زیادت
شرف است شیع و غیره است جزوی را و در تائید مذکور شافعی گفته که آنست قول احمد بن سعید و انصاری رضی
الله عنہما که است ابو بکر بن ابی شیبہ قول عبد الله بن عمر رضی الله عنہما را کرده است از حسن و قول عامر شعبی امام ابی
محمد بن علی الباقور مقاتل بن حیان رضی الله عنہما آنست مختار ابی عمر بن عبد البر و ابن مبارک مالکیه انتهی و شیخ ابن حجر مکی رحمه الله
گفته که موافق اند شافعی را جماعتی از اصحاب تابعین و فقهای امصار رضی الله عنہم از حنفی المومنین عمر بن سعید و
مسعود بن ری ابن عمر رضی الله عنہم از ابن مسعود صحبت رسیده که شهادت نمود در غار پس در وقت فرستد بر نبی صلی الله
علیه و سلم و از ابن عمر صحبت رسیده که حاصل میشود نماز بخوانند قرآن و تشهد صلوئه بر نبی صلی الله علیه و سلم پس
از امویان که از ابن عمر بن ابی سجده کند بعد سلام و از تابعین شیخ و امام ابو جعفر محمد بن علی الباقور رضی الله عنہم
بر آورده است یعنی از شعبی که بر کرده و فرستد بر نبی صلی الله علیه و سلم تشهد پس اعاده کند نماز خود را و در لفظی است
کفایت نمیکند نماز او یعنی اعاده آن بر آن صحبت رسیده که میدانم تشهد را پس بگوید آن عهد و در سوره حمد کند برورد
خود را و بنا کند بر تردد و در سوره حمد اصل صلی الله علیه و سلم بر بخواند خود را و از امام ابی جعفر محمد رضی الله عنہ
نقل کرده است یعنی مثل آنچنانکه نقل کرده از شعبی و در قطنی و محمد بن کعب طبری و مقاتل بن حیان تصویب نقل می کرده اند و
الا سلام شهاب بن حجر عسقلانی رحمه الله گفته که هیچ کس از صحابی و تابعین رضی الله عنہم تصریح عدم وجوب کرده اند
مگر اینهم صحیحی او هم شعار کرده است قول غیر ابو جوب از فقهای امصار امام احمد بن حنبل رحمه الله گفته که اول در تردد و بعد
ظاهر شد که صلوئه بر نبی صلی الله علیه و سلم واجب است تشهد صاحب معنی گفته که آنجا رجوع او باین ظاهر شد و در آخر
از اسحق بن راهویه آمده که ترک صلوئه عمد آسطل نام است و در آن سبب آن میجو از مختار ابن مبارک مالکیه نیز همین است و از
صاحبان محیط و تحفه و غنیه و مفید تصریح کرده اند باینکه صلوئه تردد و بر نبی صلی الله علیه و سلم واجب است و تشهد نام
و علی و سلم مذکور است پس صلوئه در آن در اگر کسی میداند آنجا لازم نیاید که صلوئه شرط صحت صلوئه باشد جوابیم
که در روایتی از امام ابو جعفر محمد شعبی رضی الله عنہما و قول احمد بن حنبل تصبیص است بشرطیت قطع نظر از آن عرض
مادر شد و در شافعی رحمه الله بود و آن خود حاصل شد باقی ماند وجوب عدم صحت نماز بدون آن برای اثبات
آن دلایل سیاه است از آنچنانکه حدیث یا رسول الله اما السلام علیک فقد عرفت انکلف

کوده که اجماع و ابرار بر دعوت صلوة و شهادت کرده اند و در جواب آن تکلیف بعمل سلف در عدم وجوب
تردد و نظر است زیرا که عمل آنها باوقایست اما وجوب پس امر اعتقادی است احتیاج به نقل هیچ است از سلف لعدم آن و وجود
نقل صحیح تعیین عاصی غی الله عنه سیکوید که چون وجود نقل صحیح عدم وجوب و ترجیح شد و نقل صحیح بر وجوب ثابت شدند
ثبت کردید نه شبانی رضی الله عنه فلهذا الحمد علی ذلک **سیوم** صلوة جنازه اتفاق علمای شیعه است
صلوة در آن معتبر بودیم پس دشمنی واحد را در آنجا واجب قبول میشود و نماز بدو آن صحیح نیست و نزد ابی
و مالک رحمه الله عنها استحبت شافعی و احمد لال کرده اند بعمل سلف رضی الله عنهم و دست از ابی امامه از بعضی
اوصی الله عنهم که صلوة مثل تکبیر است در نماز جنازه روا کرده اند آنرا شافعی از محدثان و شیعه صلوة تکبیر است
و وجوب زیرا که تکبیر واجب بالاتفاق **قول** است یعنی طریقه نبوی صلی الله علیه و سلم یا ثابت است نیست
حاکم در صحیح خود آورده که جماعه صحابه رضی الله عنهم با و خبر داده اند که در صلوة جنازه تکبیر کو پس صلوة و دست بر آن
صلی الله علیه و سلم زهری گفته که ابو امامه این سخن گفت و حالیکه بنشینید و انکار کرد و بر وی پس نقل کردم این را
محمد بن یونس گفت که من از ضحاک بن قیس شنیده ام که از حبیب بن سلمه روایت میکرد و زهری از ابی امامه
کرده است که او به ابن مسکیت است در صلوة جنازه خواندن فاتحه الکتاب و صلوة نبوی صلی الله علیه و سلم است و هیچ
در سنن خود از ابی هریره رحمه الله عنه آورده که او عباد بن الصامت البصری را در کیفیت صلوة جنازه گفت و بعد از
میدم ترا از ابتدائی پس گوئی تکبیر و در فرستنی بر نبی صلی الله علیه و سلم پس گوئی اللهم اننا نأخبر فی عبار
میت و مالک و غیره از ابی هریره رضی الله عنه آورده که چون از رسول الله صلی الله علیه و سلم جنازه کردند گفت که بی
جنازه میرم با کسان آن پس بنهادند و آن تکبیر میگویم و حمد میکنم خدا را و رو میگویم بر خیمه و صلی الله علیه و سلم پس
میگویم اللهم ان عبدک تا آخر از ابن عباس بن اسعد و در مجاهد رضی الله عنهم نیز آمده **حسام** خطبه ای
جمعه و در وعید کسوف و خسوف و استسقاء و شافعی و احمد رضی الله عنهم صلوة در خطبه اگر نیست و نزد ابی حنفه
مالک رضی الله عنهم استحبت دلیل وجوب فعل خلفاء را پس با بعین رضی الله عنهم و مقول نیست از آنها که هیچ
قطع نظر از خطبه جمعه جمعه صلوة بوده با سلف صلح خطبه صلوة را نیز این ناقص میکنند و صحاح وارد
که خطبه خواندن یا در خطبه تر از آنکه در آن حد کرده و صلوة بر صلی الله علیه و سلم فرستاد و فرستاد صلوة در خطبه میرانین
علی کرم الله وجهه بر و از احمد در خطبه عمر بن العاص رضی الله عنه روایت در قطنی از طریق ابن حصیه و در خطبه ابن مسعود
الله عنه روایت نمیری و غیره و در ابی موسی اشجری رضی الله عنه و در نه ای بن شریک باین اجماع نطق از سلف
ثابت و وجوب اکثر میکردند و بعضی اعیان ابن السکال از محمد بن عبد الحکیم حمه الله آورده که امیری در نیه مطهر
خطبه جمعه خواند و مثل کرد اندک آنرا پس بعد از اتمام خطبه نزول و از منبر برانهار نه بل مسجی و غوغا کردند و از

۵۶
 بر جانب صیحه زدند و این دلیل است برین که لازم باشد خطبه چند چیز که نزد سلف مشهور و معروف است که در کتاب زینبیت در آن آمده
 در اختلاف الیه گفته که نزد ابی یوسف محمد صاحبان امام اعظم رحمهم الله لابد است از کلامی که سیمتی بخطبه در عبادات و در دنیا
 از آنکه حمد الله آمده که کافی نیست مگر آنچه سیمتی بخطبه در عرف یعنی کلام مولف فی بال **فائدة** واجب تر است
 خطبه آوردن صغیه صلوة چون **اللهم صل على ابي ابيص يا ابيص يا الصلوة والسلام على محمد احمد يانامي وكر انما**
وي صلى الله عليه وسلم واكثرها سلم الله على محمد بن حريم الله محمد يا صغيه وكر شمس ازاده صلوة نباشد يا صلي الله
عليه بغير ازاد كراچام وي صلى الله عليه وسلم سابق مذکور شده باشد بر من معتقد جایز است كذا فی المنهج القويم للشيخ
ابن حجر المكي رحمه الله مقام دوم در واقع مذاب سخت صلوة اول بعد از وضو و سیم چنانچه نقل کرده
 امام نووی رحمه الله از پنجه نفر در وضو بواحد اشارت کرده ابدان غسل و سیم روایت کرده است ابن حبان ضعیف ابن سعد
 رضی عنه گفته وی صلى الله عليه وسلم چون فارغ شوئی از نماز طهر خود پس بگوید یا شهادت ان كالد الله وان
 ان محمد عبده ورسوله سیدین که در وقت برین آمده است در روایتی ضعیف که تفرقی میشود بسوی حسن بکر رضی الله عنه
 طهر احدکم فليذكر اسم الله فان لم يذكر احدكم اسم الله على طهر لم
 يظهر منه الا ما نزل عليه الماء فاذا فرغ احدكم من طهر فليشهد ان كالد الله وان
 عبده ورسوله ثم ليصل على ابي ابيص قال ذلك فثبت له ابواب الرحمة چون طهارت کند یکی از شما پس بگوید
 که یا و کند نام خدا تعالی را پس بگوید یا شهادت ان كالد الله وان محمد عبده ورسوله سیدین را و اگر یا و کند یکی از شما نام خدا تعالی را طهارت خود یا نشود
 از و گویا که شهادت بر آن آب چون فارغ شوئی از نماز طهارت خود پس بگوید یا شهادت ان كالد الله وان محمد عبده ورسوله سیدین پس چون
 بگوید یا شهادت بر آن آب در دایره حجت و در روایتی در دایره حجت و در روایتی ضعیف که لا وضوء لمن لم يصل على النبي
 صلى الله عليه وسلم نیست وضو کامل مگر کسی که در وقت نماز بر نبی صلى الله عليه وسلم و سیم بعد از آن و اوقات
 مؤمن و مقیم سامع پیش از دعای **اللهم رب هذه الدعوة التامة** به حدیث ابن عمر رضی الله عنه که بر دست
 مسلم سابق مذکور شد اذ اسمعتم المؤذن فقولوا مثل ما يقول ثم صلوا الحديث و اورد احمد که گوید و سیم
 نداند ساری **اللهم رب هذه الدعوة التامة والصلوة التامة صل على محمد وارفع عنك**
لا تحط بعدة مستحی کند خدا تعالی دعای او را بجمع اول است بیکجا و فارغ از صلوة بگوید یا شهادت ان كالد الله وان محمد عبده ورسوله
 و كذا كدوات بخاری که گوید و در وقت شهادت **اللهم رب هذه الدعوة التامة** تا آخر و ابن ابی الدرداء رضی الله عنه
 بر او رفته که وی صلى الله عليه وسلم چون اقامت میشود **اللهم رب هذه الدعوة التامة والصلوة التامة**
صل على محمد وارفع سؤله يوم القيمة میشود کسانی را که در وی صلى الله عليه وسلم میبندد و در میبندد که همچنین
 چون نشود مؤذن را و گوید مثل این چون نشود مؤذن را واجب لازم شود و او را شفاعت محمد صلى الله عليه وسلم در روز قیامت

[illegible]

و نیز از بعضی صحابه روایت که چون غنم و آخر رمضان میزدند زیاده میکردند قنوت اللهم صل علی محمد كما صليت علی ابراهيم
اللهم بارک علی محمد عبدک رسولک السلام علیه و علی آله و برکاته و صلوته در آخر قنوت هیچ زیاده
صحیح سنون بر قنوت و ترو قول بعضی که در اول و آخر سنونست مخالف آیات است که چه صلوته در اول و آخر دعا است پس
قنوت بنا بر رعایت روایات مذکوره از آنست که سنونست در آخر قنوت سلام و ذکر آن نیز ذکر اصحاب نیز از وی است زیرا
چون ذکر آل مسنون باشد و در ایشان غیر اصحاب هم هستند پس ذکر اصحاب بطریق اولی مسنون باشد و عوافن باینکه این قول از امامی جماع
اوشان است بعد از ذکر اصحاب صلوته تشهد و موع است باینکه در تشهد اقتضای مؤید حدیث و در اینجا زیاده کردند ذکر آل
پس قیاس کرده بر آن ذکر اصحاب و اشکال باینکه ذکر آل تشهد اول چرا مسنون نشد وجه فرق میان آن قنوت موع است باینکه قنوت
محل دعاست پس مناسبت ختم بعد از آن دعا مقتضی نیست بر اوشان هکذا ذکر الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله تعالی
عقب از حدیث ضعیف من دعا بهؤلاء الدعوات فی بر کل صلوته مکتوبه حلت له الشفاعة فی یوم
القیامة اللهم اعط محمد الوسيلة و اجعل فی المصطفین محبة فی العالمین رحمة فی المقربین
هر که دعا کند باین دعوات پس صلوته فرض واجب و یا شایسته و بر او شفاعت از من در روز قیامت آن دعوات این است
اللهم اعط محمد انا و آخره چون را بداند هر عا صلوته مسنونست پس درین دعای سنون را اینجا است که در فتح العین ح قوه
العین گفته که سنون اقتضای ختم دعا بعد از آنکه خدا و صلوته بر نبی صلی الله علیه و آله
سه و سب تا یکی ابتدا الحمد و صلوته شیخ ابن حجر المکی رحمه الله در کتاب منصفه گفته که علما اجماع دارند بر ندانند بدو دعا
پس صلوته و آمده است پس باینکه بر حالش حال صحیح اندازد احد که ان یسأل الله شیئا فلیبدل یا مبدحه و
علیه بما هو اهل له ثم یصل علی النبی صلی الله علیه و آله و سلم ثم یسأل بعد فانه احب الیه
بیخه چون خواهد یکی از شما که سوال کنند از خدا تعالی چیزی را پس باید که غار کند بوجه او تعالی و ثواب و بخیر کند اولای او
سپس رود که بگوید بر نبی صلی الله علیه و آله و سلم پس سوال کند پس بدینکه آن کس لا یقوت که بدستی وی شکاری یا بدو را
است اذ اراد احدکم ان یدعو فاحب ان یستجاب له فلیحمد الله و لیس علیه لیصل علی
صلی الله علیه و آله و سلم ثم یدعو بحاجته فانه احب من ان یستجاب له چون خواهد یکی از شما که دعا کند
پس دست دارد که استجاب کرد و دعا را و پس باید که حمد خدا کند و ثواب وی گوید و در دو فرسخ بر نبی صلی الله علیه و آله و سلم
سپس باید که بخوابد حاجت خود را پس بدینکه اولای او است باینکه استجاب کرده شود دعا را و بگوید و رفته نسا می بخیر او
الدعا کله محبوب حتی یكون اوله شاء علی الله عز وجل و صلوته علی النبی صلی الله علیه و آله
و سلم حتی یدعو فلیستجاب له دعا و دعا همه آن محبوب است تا که باشد در اول آن ثواب خدا تعالی و صلوته
صلی الله علیه و آله و سلم دعا کند پس استجاب کرده شود دعا او قولی که حتی بدعو حتی برای عطف است و مفید تر

و غیر واجب لذاتی الله المصنوع و وجه دوم ابتدا و اختتام عاصی صلوٰۃ کن امام نووی رحمه الله دراز کار خود گفته که اجماع
 علماء بر استحباب ابتدا و عا بعد از خوانش ای و صلوٰۃ بر رسول او صلی الله علیه و سلم و کند تکبیر و عا بعد از صلوٰۃ و آثار درین باب بسیار
 اند از ائمه و حدیثی آمده از علماء بنین الصلوٰۃ بنین علی لا یرد دعای میان و صلوٰۃ برین کرده نمیشود و قول ابی سلیمان از ابن
 ابرسابق مذکور شد است و وجه سوم سنون است صلوٰۃ و را اول و اوسط و آخر و عام و لیت بسند ضعیف غیب لا یجوز و
 کفاح الراكب و صادق الراكب قال ان المسافر اذا فرغ من حاجته صاب في قدح فاكل من لدها
 تو ضاء منه او شربه و الا هرقه لعلوني في اول الدعاء و وسطه و اخره فكلوا منه ما تشاء
 سوال کرده که کار سهو چیست گفت بدستیکه ساو چون فراغت یابد از حاجت خود می نندازد آنچه در دست است از آب پس اگر
 باشد اول حاجت و میگوید بدان آب میخواند اگر نداند از آنکه نداند در اول دعای میان آن در آخر آن مغرض از نهی از تشبه
 راکب است که در ذکر میخواند آن حضرت را صلی الله علیه و سلم چنانچه راکب می آید و در قدح خود در آخر و در پیش و در و آبانی می
 که مخصوص یکی از این دو جهت است و لایق است باینکه در هر دو جهت صلی الله علیه و سلم حتی یصلی علی النبی صلی
 علیه و سلم و در فضیلت از الدعاء و محجب عن السماء و لا یصعد فی السماء الدعاء شیء حتی یصلی علی النبی
 صلی الله علیه و سلم و قال النبی صلی الله علیه و سلم لا یصعد فی السماء الدعاء محجب باز داشته میشود از آسمان و بالانمی رود و بسوی آسمان
 چیزی ناکه رود و گوید بر بنی صلی الله علیه و سلم پس چون رو گوید بر بنی صلی الله علیه و سلم بالا رود و دعای آسمان را بشناسد که دعای
 نماز ساق باشد میان آسمان زمین بالا رود و بسوی خدا تعالی یعنی محل مناجا او ناکه رود و گوید بر بنی صلی الله علیه و سلم و از
 بن الخطاب رضی الله عنه روایت که بدستی عایشا میان آسمان زمین بالا نمی رود و از آن چیزی ناکه رود و گوید بر بنی صلی
 الله علیه و سلم چون این سخن ممکن نیست که از برای خود گوید پس در حکم حدیث مرفوع است و مرویست بسند ضعیف از بنی صلی
 الله علیه و سلم که نیست هیچ دعا که از میان زمین میان آسمان حجاب است ناکه رود و گوید بر محمد و بر آل محمد چون در روایت
 شکافه شود آن حجاب داخل گردد و عا چون در روایت مذکور باز کرد و دعا از این عا سابق مذکور شد که صلوٰۃ از بنی
 دعا است **سوم** در حال قرائت قرآن چون بگذرد باینکه در آن ذکر و صلی الله علیه و سلم است قاری و سماع خارج
 نماز بالاتفاق و اما داخل نماز پس شافعی و یوسف حنین و بسیاری از ائمه در انوار از عا نقل کرده که چون بخواند در نماز
 آیتی که در آن نام آنحضرت صلی الله علیه و سلم است مستحب است صلوٰۃ بروی صلی الله علیه و سلم و در فتاوی حساب و فقه
 است که صلوٰۃ نخواست و اول از قرب است از بنی و شیخ ابن حجر مکی در کتاب در فضیلت گفته که چون بگذرد در نماز باینکه
 در آن ذکر و صلی الله علیه و سلم است سنون است قاری و سماع صلوٰۃ بر بنی صلی الله علیه و سلم و قول صاحب انوار
 هم آورده و گفته که بر قول او در روایت یوسف بنیل صلی الله علیه و سلم یعنی تفرج بنام وی صلی الله علیه و سلم نکنند تا لام
 نیاید اعلیٰ که بر آنکه بطل صلوٰۃ است بر قولی و صاحب تحفه الغریب غازی سمعیل آورده که مروی است از حسن که

ندب صلوٰۃ مطلقا نماز فرض باشد و الله اعلم و امام احمد بن حنبل رضي الله عنه نقل کرده بر ندب صلوٰۃ و نماز نفل و نزد خفیه
مسنون نیست و بطل نماز نیست زیرا که از قیل او کار است لیکن سجده سهو لازم خواهد آمد چنانچه زیادت صلوٰۃ در
اول لازم می آید بجهت این مسئله از کتب و نشان بنظر این عاصمی نایده از روی اصول و تجربه بر آورد و الله اعلم و الله اعلم
مرد و مسجد و دخول آن و خروج از آن را بر آورده بود و او و نسائی و ابن ماجه و طبرانی و بیهقی و ابو عوانه و ابن خزیمه و ابن
سنی و ابن حبان با ساند صحیح از ابی حمید از ابی اسید را روایت کرده فرمود وی صلی الله علیه و سلم اذا دخل احدکم المسجد
فلیصل علی النبی صلی الله علیه و سلم لیقل اللهم افتح لی ابواب رحمتک و اد اخرج فلیقل اللهم انی
اسئلك من فضلك چون بایستی از نماز مسجد پس بایست که درود گوید بنی صلی الله علیه و سلم بگوید اللهم نا اخرج
بر آید از مسجد پس بایست که بگوید اللهم نا اخرج و زیاده کرده است ابن سنی و ابن خزیمه و ابن حبان چون بایست که درود گوید
صلی الله علیه و سلم و بگوید اللهم اعذنی من الشیطان الرجیم امام نووی رحمه الله را روایت کرده از خود از کتاب ابن
از روایت انس رضي الله عنه آورده که چون وی صلی الله علیه و سلم داخل مسجد میشد میگفت لیتم الله اللهم صل علی محمد
و چون بر ترائد میگفت لیتم الله اللهم صل علی محمد و نیز در روایت از ابن عمر رضي الله عنهما آورده که وی صلی
الله علیه و سلم در دروغ و فرستاد و نزد دخول مسجد خروج از آن در روایت است اذا دخل احدکم المسجد فلیصل
علی النبی صلی الله علیه و سلم و لیقل اللهم افتح لی ابواب رحمتک اذا خرج فلیصل علی النبی
صلی الله علیه و سلم و لیقل اللهم اعذنی من الشیطان الرجیم که این روایت صحیح است بشرط تخمین
قاضی اسمعیل از طریق ابی یونس علی بن ابی طالب رضي الله عنه روایت کرده که چون بگذرید بر مساجد پس درود گوید
بر بنی صلی الله علیه و سلم و در آنجا بیکرات صلوٰۃ عیدین نزد شافعی روایت کرده است قاضی اسمعیل با ساند
صحیح از طریق عبد الله بن مسعود و ابی موسی خذیغه رضي الله عنهما که بر آمد بر ایشان و لید بن عقیبه و گفت که عید نزدیک
رسید پس بیکری طور است عبد الله بن مسعود رضي الله عنه گفت آغاز کن نماز را پس گویی بیکری افتتاح جمعه خدا کنی و
درود گوئی بر بنی صلی الله علیه و سلم بیکری و عاکنی بیکری و بیکری بیکری بیکری بیکری بیکری بیکری بیکری بیکری بیکری
و صلوٰۃ گوید و عاکنی ابو موسی خذیغه رضي الله عنه ما تصدیق وی کردند و نزد خفیه بیکرات متوالی بایست که گفت
در آن مستحب است مالک موافق خفیه و احمد موافق شافعی است غنی الله عنهم و احبهم و الله اعلم و الله اعلم و الله اعلم
عقب تلجیه چنانچه امام نووی رحمه الله را روایت کرده از خود نوشته که مستحب است درود بر آن حضرت صلی الله علیه و سلم تلجیه
روایت کرده است از قاضی از قاسم بن محمد رضي الله عنه ضعیف که مستحب است که چون فارغ شود از تلجیه و درود
بر وی صلی الله علیه و سلم بر عضا و مروه و لیست بسند صحیح که ابی یونس عمر بن الخطاب رضي الله عنه در کعبه سلمه
را در ها الله شرفا خطبه خواند پس گفت چون بایست که درود از شمار دعا بیکری جمعه کند پس بایست که درود

خانه کند بخت بار نماز گذارد و نود مقام ابراهیم در کعبت بنظر افکار کند سعی بصفا یحیی بن صفار آید و رویی خانه کند
بگوید بخت گیر میان برو و دیگر خدایتعالی کند و ثنا گوید برو و در وقت بر بنی صلی الله علیه و آله و عابری نفس خود
کند و برو و مثل آن بجای آورد و هر که این عمر ضی الله بکیر میسکفت صفاسه بار بستر میسکفت لا اله الا الله و
لا شریک له و پنج بستر در و میفرستاد بر بنی صلی الله علیه و آله سلم بستر و عا میگرد و قیام و عباد از میثم و بستر برو
همچنین میگرد و در دستم حج رسیده است برایت صحیح از ابن عمر ضی الله عنهما که چون در آورده است سلام بخبر
میسکفت اللهم ایتا ک و تصدق بکتابک و سنه نبیک بستر در و میفرستاد برو صلی الله
علیه و آله روایت کرده است آن را ابوذر رومی از نافع و واقدی و یار مخازی خود بطریق رفع ۴ در طواف حکایت کرده
سخن ابن حجر که از نهج حلی می نویسد بنی صلی الله علیه و آله که شنیدم زیاد از نهج و کس را که میسکفت در طواف اللهم صل
علی محمد و علی انبیا ابراهیم و این در حق ولد ابراهیم است غیر او گوید اللهم صل علی محمد نبیک و ابراهیم
خلیک و این بستر است زیرا که همه مناسک ابراهیم است علی نبینا و علی افضل الصلوة و السلام و بستر
از بنا است و تعلیمه اجابت دعای او انتی فخصا در وقت نام نوی جمعه الله انو کا خود و گفته که سنت است
افتتاح و اختتام و عایضی و عرفات بحج خدا و تباروی سبحانه و صلوة و تسلیم بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مستحب است
تلبیه صلوة و تسلیم بر صلی الله علیه و آله سلم روایت کرده است بهی بستر یا من مسلم یقف عشیه عرفه بالموقف
فلیستقبل القبلة بوجهه ثم یقول لا اله الا الله وحده لا شریک له المله و له الحمد و هو
کل شیء قدیر مائة مرة ثم یقرأ قل هو الله احد مائة مرة ثم یقول اللهم صل محمد و علی
محمد کما صلیت علی ابراهیم و علی الابرار انک حمید مجید و علینا معهم مائة مرة الا قال
الله تبارک و تعالی یا ملایکتی ما جزا عیدی هذا سبحنی و علانی و کبرنی و عظمی و عزی
و انتی علی نبی شاهد و انی قد غفرت له و شفعت فی نفسه و لو سألنی عیدی هذا
فی اهل الموقف کلام نیست هیچ مسلمان که بایستد آخر روز عرفه در موقف پس رو بجنبه قبله کند سپس بگوید
لا اله الا الله تا آخر صد بار بتر بخواند قل هو الله احد صد بار بگوید اللهم صل تا آخر صد بار مگر که بگوید
خدا تعالی ای فرستاده من حسبت جزای این بنده من که تسبیح تمجید و تکریم و تعظیم و تعریف من کرد و ثنا کرد و بنی من خواند
که بدستی تحقیق آفریدم و او را قبول کرد و حق او را بر او رسانید و این بنده من را قبول میگردم و حق همه اهل تقوی را بر او داده است
و بطریق روایت خود در آیه سوره فاتحه صد بار بگوید الحمد حی و میت بید الخیر و محب می در حکام خود دعای طویل آورده
و در آخر آنست در و گوید بر بنی صلی الله علیه و آله سلم بستر و عا کند برانی نفس خود و والدین و اقارب بر دران دینی و
در هر روز است مرا از ثواب عظیم و گفته که ابو یوسف در جامع دعا کرده است و غیر او گفته اند که این سخن عجیب

زیرا که ابن جوزی آنرا در موضوعات شمار کرده است و در ترجمه آن باین باب کعبه و حجر اسود را گویند امام لغوی رحمه الله و از کبر
خود در آخر دعائی که ناظر است در ترجمه آورده اللهم صل وسلم علی محمد وعلی آل محمد و شیخ ابن حجر از امام شافعی و
اصحاب او رضی الله عنهم آورده که سنت است هر کسی را که فارغ شود از طواف و دعای ایستادن در ترجمه و بگوید اللهم البیت
بسیک الحی پستور و دست بر بنی صلی علیه و سلم در آنجا جای اجابت است و شیخ عبدالحق دهلوی جزب الفلوب گفته
که تدریس کعبه شریفه نیز در دسترس است یا در دستم نزد زیارت قبر شریف آنحضرت صلی علیه و سلم امام لغوی رحمه الله و از کبر
خود گفته که در راه مدینه منوره اگر از صلوٰه و سلام بروی صلی علیه و سلم ناید چون واقع شود نظر او بر شجره مدینه منوره حرم آن
زیاده از صلوٰه تسلیم بروی صلی علیه و سلم کرد عابری نفع خود از زیارت آنحضرت صلی علیه و سلم و چون نزد قبر مبارک صلی علیه
و سلم رسید پشت بقبله و بی محجب قبر شریف کرده بفاصله چهار ذراع از جدار قبر ایستد و باوازم سلام کند السلام
علیک یا رسول الله السلام علیک یا خیرة الله من خلقه السلام علیک یا حبیب الله
علیک یا سید المرسلین و خاتم النبیین السلام علیک وعلی آلک و اصحابک اهل البیتک
وعلی النبیین و سائر الصالحین شهد انک بلغت الرسالة و اذیت الامانة و نقصت
فخرک الله عنا افضل ما خیر رسولک عن امتک پسترنی راع متاخر شده بر ایستادن ایستادن
و غیر اینست عذرا سلام کند پسترنی راع متاخر گشته بر ایستادن عمر بن الخطاب رضی الله عنه سلام کند با بر مقام اول ورود
در شریفی صلی علیه و سلم ایستد و توسل تشفع از وی صلی علیه و سلم برای خود کند و در عبارات و احادیث
و احباب خود کند و جسد کند در انکار دعا و نعمت و اندام توقف شریف و در تحمید خدا تسبیح و تکیه و تهلیل او و
بر رسول و صلی علیه و سلم انکار نماید منتی مخصوص شیخ ابن حجر یکی جمله الله گفته که از ابن عمر رضی الله عنهما از طرق متعدده
مرسیت که وی چون در آن مقام شریف ایستاد صلوٰه و تسلیم میگفت بنی صلی علیه و سلم پسترنی راع متاخر شده
الله عنهم و حالیکه میبود استقبال قبر شریف مستد قبله و در وایتی است که قبر شریف را پست راسن مسکود و در وایتی
است که مسکود نماید کاهی چنین و کاهی چنان بنمود و سلام زد دیگر صحابا نیز مروی است رضی الله عنهم و محمد الدین
لغوی فیروز آبادی رحمه الله گفته که سلام بروی صلی علیه و سلم نزد قبر شریف افضل است از صلوٰه بدلیل حدیث
ما من مسلم یسلم علی فی شرق ولا غرب الا انلوا ملائکته ما ربه یود علیه السلام نقلا
فائل یا رسول الله فما بال اهل الدینة قال و ما یقال لکرم فی حیرانه انه ما امر من
الجوا من و حفظ الحیران نیست هیچ گاه سلام کند بر من در شرق و در غرب که من و فرشتگان برود و کار من
باز میکنند بر و سلام بکنند قایلیکه یا رسول الله حسنست حال مردم مدینه طیفیست چه گفته شود و مرگیم را در حق سبحان
او بدستیکه او ماوست حفظ حق تمسبایکی و حفظ همسایگان شیخ ابن حجر یکی جمله الله گفته که سندین حدیث

الله

بلکه ران کسی که نوبی در انهم بوضع کرده و سابق نکرده که هر که نزد قبر شریفی صلی الله علیه و سلم ایستاده ایستاده
و صلا یکنه تا آخر بخواند و عقدا با صلی الله علیه و سلم محمد کوید فرشته برود و فرستد و همه حاجا و برآید و بیخ ابن
حجر می جمعه از بعضی متاخرین نقل کرده که منو است صلوة و سلام بعد از نوبی از آثار و صلی الله علیه و سلم مخصوصا
منافذ و بخاری روایت کرده که چون اسامی الله ها یک شد از حجون که نام منو است یکست صلی الله علیه
رسوله لقد نزلنا معاه همنا و در فرستد خدا تعالی بر پیغمبر او بر آنکه فرود آمده بودیم با وی صلی الله علیه
در بخا یعنی در یکم صحت که در بخا فرموده بود و بر آورده احمد رحمه الله انس فی الله قدح آخرت صلی الله علیه
بعد فوات بر آورده در آن آب بود جمعه از صحیح رضی الله عنهم از انوشیدند بر سر و خود و خود را بختند و در و بر وی صلی
علیه و سلم فرستادند و وار و اسم روز جمعه شب جمعه امام نووی رحمه الله را و کار خود گفته که مستحب است
در روز و شب جمعه اکثر قرأت قرآن و اذکار و دعوات و صلوات بر رسول خدا صلی الله علیه و سلم و عبادت ربه باره صلوة در روز
جمعه بسیار است و در باب فضائل صلوة و ثمرات ان بقید قلم آمده اجمالا در بخا نیز اشاره شده بدان کرده و در روایتی
است در روز جمعه با صلوة و حب غفران نوب شهاد سال است ان از طرق متعدد روایت و در روایتی است
که شهاد با صلوة بعد من بعضه اللهم صل علی محمد و آل محمد و علی الله و سلم تسلیما غفران
و نوب شهاد سال و کتابت عبادت شهاد است در روز و اولی و بعضی قمعین کرده است فی الله صلوات
عبد ک و بنیک و رسواک البنی الا محی و بعضی بک تحیین وقت با بعد عمر کرده و در روایتی است
در روز و در جمعه شفاعت صلی الله علیه و سلم است در روایتی است که در روز جمعه صد بار در و سبب است در
روز قیامت در روایتی است که صد بار در و سبب غفران کنایان شهاد سال است در روایتی که هزار بار در روز و در جمعه
سبب مکان خود است در جنت قبل از موت در روایتی در و در جمعه چهل بار در و سبب نوب چهل سال او یک در
سبب کنایان شهاد سال است در روایتی است که یک صلوة در روز جمعه سبب هزار صلوة خدا تعالی و ملائکه
و کتابت هزار نیک و محلو ط شدن هزار نیک و خطا و رفع هزار نیک و در جنت است و ملائکه از ابی ذر غفاری
رضی الله عنه بر آورده است که فرمود وی صلی الله علیه و سلم من صلی علی یوم الجمعة مائة مرة غفر له
ذنب ما تبی عام بکه در و کوید بر من روز جمعه و صد بار از زید و شعو و ما و اراکنا و و صد سال شیخ ابن حجر
رحمه الله گفته که این روایت صحیح است در و است من صلی علی لیلة الجمعة مائة مرة غفر له خطیئة
عشرین سنة بکه در و کوید بر من در شب جمعه صد بار از زید و شعو و ما و اراکنا و صد سال شیخ ابن حجر
گفته که این روایت صحیح است بر آورده است ابن شکیب الاذکان یوم الخميس لعنت الله ملائکة مع
صنف من فیه و اولهم من هب یکتبون یوم الخميس ولیلة الجمعة اکثر الناس

چیزی است که زیاد و متعارف و مشهور بر سر پیشانی است و میباید که در او می بردند و محافظت سخاویدی گفته
 بر اصل این روایت واقف گشتیم بر آورد و سبب طرانی از امام محمد باقر رضی الله عنه که گفت چون بدین بکر بنی مبتدا شد و
 میکرد و در رکعت ثانی میگذارد و بعد از آنکه دو حاجت خود بخواند یا صغیر اللهم انت تقی کل کرب و انت
 رجائی فی کل شدة و انت فی کل امر نزل الی نقر و عده ذم من کرب قد تصعفت الغوام
 و تقل فیہ الحین برغیمة الصدیق و نسیت به العذر و انزلته بک و شکوت الیک فقرت
 و کشفته فانت صاحب کل حاجة و لی کل نعمة و انت الذی حفظت الغلام بصلاح
 فاحفظنی با حفظت به و لا تجعلنی فتنه للقوم الظالمین اللهم و اسألك بكل اسم هو
 سمیته فی کتابک و علمته احد من خلقک و استاثرت به فی علم الغیب عندک اسألك
 بالاسم الاعظم الاعظم الذی اذا سئلت به کان حقاً علیک ان تجیب ان تصلی علی محمد و
 علی محمد و اسألك ان تقضی حاجتی **ششم** نزد خوف غرق در باب غرات صلوته از کتاب خبر منیر حکایت
 فریر مذکور شده است در طالع المرات شرح دلائل الخیرات از فقیه حسن علی الاسود رحمه الله نقل کرده که هر که در روز و صیغه اللهم
 صل علی سیدنا محمد و علی ال سیدنا محمد صلوته بخواند تا آخر در هر روز و نازل از هر بار بخواند کثرت شود
 بنفصل خدا و اموال حاصل کرد و **هفتم** نزد عروض حاجت مروی است بسندی ضعیف که فرمود وی صل
 الله علیه و سلم من صلی علی مائة صلوته حین یصلی الصبح قبل ان یتکلم قضی الله تعالی ما یتحاج
 یعمل له منها ثلاثین و یدخله سبعین فی المغرب مثل ذلک هر که در روز و گوید بر سر صد بار و
 بگذارد نماز صبح قبل از سخن گفتن روا کند خدا تعالی صد حاجت در دنیا و در آخرت بقتل و بعد نماز مغرب نیز بخواند
 بر آورده اند ترمذی ابن ماجه طبرانی و غیره و هر که باشد و اورا بسو خدا تعالی حاجتی یا بسو کسی از بنی آدم پس بگوید
 وضو کند و نیک کند وضو را و بگذارد نماز و رکعت سیس شاکند بر خدا تعالی و در روز سب بر پیغمبر خدا صلی الله علیه
 و سلم بتر بخواند این دعا لا اله الا الله الحلیم الکریم سبحان الله رب العرش الکریم و الحمد لله
 رب العالمین اسألك موجبات حمتك غیام مغفرتك العینة من کل تبر و السلا
 من کل ذنب لا تدع لنا ذنباً الا غفرته و لا هماً الا فرجته و لا حاجة هی لک رضا
 الا قضيتها یا ارحم الراحمین شیخ ابن حجر کلمی رحمه الله گفته که در اسناد این سخن است و در روا آن قائم
 ضعیف الحدیث است و ابن جوزی در موضوعات گفته که مرد و در حدیث است لیکن جا که گفته که حدیث فایده نیست
 که این که شیخ از روزگار اندان عدی گفته که با وصف ضعیف حدیث از نوشته بشود و محافظت سخاویدی گفته که بسیار
 است در فضائل اعمال نوشته بشود لیکن موضوع نیست و نام سبک بران اعتراض کرده که در صورت شد ضعیف

و در فضایل هم عمل بدان نمی کنند و آمده است بشدی کسی یا شد اورا بخسود خدا تعالی پس ضرور کار کند و بگوید
 و در رکعت نماز بخواند در رکعت اول سوره فاتحه و آیه الکرسی و در رکعت دوم سوره فاتحه و امن الرسول بستر تشهد خود
 و سلام کند و پس از سلام دعا کند یا بنصیه اللام یا مولس کل رحید و یا صاحب کل مزید و یا قریب
 غیر بعید و یا شاهد غیر غایب یا غالب غیر مغلوب یا حی یا قیوم یا ذا الجلال و الاکرام
 یا بدیع السموات و الارض اسالک باسمک الرحمن الرحیم المحی القیوم الذی لعنت
 و خشعت له الأصوات و جعلت له القلوب من خشیته ان تصلى على ابي محمد
 و ان تفعل لی کذا و آوده است در روایتی که موقوف است بر ابن عمر رضی الله عنهما اگر باشد حاجتی بسود خدا
 پس باید که روزه دارد و روز و شب پنجشنبه جمعه و در تحفه الغریب حاجی و شنبه چهارشنبه است مناسب هر است
 زیرا که بیام تموا الی مشکو و العلم یحسن و در تحفه ایلهارت نماید بسوی مسجد و دو نفر کند چیزی فیل
 و بعد اوی نماز بخواند یا بنصیه سبحان کرد و انشاء الله تعالی اللام انی اسالک باسمک بسم الله الرحمن
 الرحیم الذی لا اله الا هو عالم الغیب الشهادة الرحمن الرحیم اسالک باسمک بسم الله
 الرحمن الرحیم لا اله الا هو المحی القیوم لا ناخذ سنه و لا نوم الذی ملات عظمت
 السموات و الارض و اسألک باسمک الله الرحمن الرحیم الذی لا اله الا هو الذی عنت له
 الوجوه و خشعت له الابصار و جعلت له القلوب من خشیته ان تصلى على ابي محمد صلی
 الله علیه و سلم و ان تقضي حاجتی و هی کذا و کذا ابن عمر رضی الله عنهما گفته که تعلیم ان کنید بسیار
 تا و عا کنند و کار کند با قطع رحم اما غم الی رحمه الله و احبابند رفوع آورده اذ اسالتم الله حاجت ابد
 بالصلوة علی فار الله اکرم ان یسال حاجتین فیقضي احدیها و یرد الاخری چون سوال
 کنید از خدا تعالی حاجتی را آغاز کنید ال یا صلوة بر من پس بدستیکه خدا تعالی بزرگ است از ینکه سوال
 کرده شود از و حاجت پس و کنید یکی را و رد کند دیگر را شیخ ابن حجر مکی رحمه الله گفته که شعروست ابن زکوان
 اندر در رضی الله عنه شاید قول ابی سلیمان دارانی که سابق مذکور شد اخذ از همین روایت است شیخ ابن حجر
 مکی رحمه الله کتاب بیح الدابر نقل کرده که مردی از عبد الملک خوف میکرد و نرا نمی رفت پس درشتی از اطفال
 شهید این است من التبع کما فی توار ان مفت اخذ و کف کلام مفت سبحان الله الواحد
 الا غیره الله سبحان الله لا نفاد له سبحان القديم لا مسند له سبحان الذی یختی و
 سبحان الذی هو کل یوم فی شان سبحان الذی یخلی ما یری و ما لا یری سبحان
 الذی علم کل شیء بغیر تعلیم اللهم انی اسالک بحق هؤلاء الکلمات حیث من ان تصلى

محمد وان تفعلي لكذا وتبرئ مني حجج بكى حرمه الله تعالى كرهه كره طوبى لمن حجركم رقت من دى و هو مهلت كنار من و كوت نماز و كوت
كه مهلت و او نه پشنيده كه او نه انگشت خود داشته و اشارت ميكنند اين را ميخوانند يا لطيف فيما تشكوا فاعمال ما تريد
صل على محمد و آل و الطفي في هذه الساعة و خلعتي من يدك يا حسين و داد و دران مكان نقش كرده
و بنياقتن سپر طوبى يا جلالگاه كه در دنياى ملكوت راست گفتم كه اين دعوت است و در اين مضامير حجج تحول
و قطب باني محبوب سبحاني شيخ محي الدين سيد عبيد القادر جيلاني رضي الله وارضاه و بر كذا در دعوت نماز و در دعوت بعد سوره
سوره اخلاص يا زده يا بخواند و بعد تمام صلوة در دو سلام فرستد بر حضرت صلى الله و سلم و ذكر و كنى سپين بجان عبادت يا زده
خطوه رود در حاليكه يا ميكنند نام محبوب سبحان را زمي اند و يا ميكنند حاجت خود را و ذكر و حاجت ذكر كرده اين را يا قاضي
اسد در خلاصه المغاخر و تحفة الغربت اين را در ثمرات صلوة ذكر كرده است **سوم** نزد خود خواند روايت كرده
ابو موسي و طي انبى ابن جعفر رضي الله عنه كه مروى از حضرت صلى الله و اله و سلم آمد و شكيات فقر و ضيق معاش نمود پس فرمود
ان حضرت صلى الله عليه و سلم مراد را كه چون منزل را نهي پس سلام كن كسى در خانه باشد يا نه باشد بستر سلام كن بر من و خواند
سوره قل هو الله احد يكبار پس بخوان كه حق تعالى بر چه چندان در روزى زود كرد كه بر او با و جبر اين خود واقف
نمود **پيست و كيم** نزد و بداد فقر و خوف ان سابق از روى ابى نعيم از جابر بن عمر رضى الله عنهما ذكر كرده كه كثره
الذكر و الصلوة على تنفى الفقر الحديث **پيست و و كيم** در وقت صبح و شام روايت كرده است
طبراني از طريق ابى الدرداء و رضي الله عنه كه گفت مى صلى الله عليه و سلم من صلى على حين يصلي الصبح و حين
عشر اذ رزقته شفاعتي يوم القيمة هر كه در روزى در وقت صبح ده بار و در وقت شام ده بار در باب
او را شفاعت من روز قيامت و حديث من صلى على مائة صلوة حين يصلي الصبح الحديث قبل الذين ذكره
و حديث من صلى على ساء غفر له قبل ان يصيبه و من صلى على جبا حان غفر له قبل ان يمسي و ربا
نمات صلوة ذكر كرده است **پيست و سيم** نزد اراده نوم فرست ان و بيداري از ان در روز قيامت
من اوى الى فراشه ثم فزأ تبارك الملك ثم قال اللهم رب الحلال و الحرام و رب البلك الحرام
و رب الركن و المقام و رب المشعر الحرام بحق كل اية انزلتها في شهر رمضان بلغم روح
محمد خيمه و سلاما ربيع مرث و كل الله بملئين حتى يايتا محمد افيقوه لان فلان
بن فلان يقر اعليك السلام و رحمة الله فاقول على فلان بن فلان منى السلام و
رحمة الله و بركا تمام كه آيد سوى ستر خود يعني براي خواب بچرخاند سوره ببارك الملك بستر بخواب
اللهم رب الحلال و الحرام تا آخر چهار بار بخواند خدا تعالى بدان و فرشته ناله بيايد محمد را صلى الله
و سلم بسوي كند مراد كه فلان بن فلان بخوابد و سلام و رحمت الله پس بگويم يا بر فلان بن فلان از من سلام

و حجت خدا بر کاتب او پنج ابن حجر می گوید که در سندش سخن است و چون احادیث در باب استحباب نماز خدا تعالی
نزد سید زنی از خواب را دوست پس کتب استحباب صلوٰه نزد بیداری میست بر آن کذا قال صاحب خفیه الغریب
شیخ شهاب احمد بن عبد اللطیف شرجی رحمه الله فرمود این خود گفته که قاضی محمد الدین شیرازی رحمه الله کتاب الصلوات
و در آن ذکر کرده که مردی نزد بعضی علمای شکیاست قلت انکم کرد پس انما امر او را گفت که چون اراده آمدن خواب را ی
پیش آن آیه کریمه ان الله و ملائکته یصلون علی النبی تا آخر شیخ ابن حجر می گوید که نیز این را در کتاب منضمود
نقل کرده است بیست و چهارم نزد افتتاح هر کلام فی بال یعنی فی خیر امام شافعی رضی الله عنه گفته که
دوست میدارم اینکه مقدم کند آدمی در خطبه هر امر مطلوب خدا تعالی و ثوابی سبحانه را و صلوٰه و سلام بر رسول خدا
صلی الله علیه و سلم نقله الشیخ ابن حجر المذی رحمه الله مرویست ابی هریره رضی الله عنه که فرمود آن حضرت صلی الله
علیه و سلم کل کلام لا یدکر الله فیہ فیدل به بالصلوة علی فلو اقطع محقق من کل تذکر
هر کلامی که یاد کرده خدا تعالی را در آن را تذکر کرده نشود و بصلوة بر من پس آن را بقص و کابینه است از بزرگ
روایت کرده اند از ابو موسی مدنی و جماعه محدثین از حدیث ابی هریره رضی الله عنه و شیخ ابن حجر می گوید که الله گفته
سندش ضعیف است و در روایت از ابن مسعود آمده که امر فی بال لا یدل فیہ بذکر الله ثم بالصلوة علی
فهو اقطع الکتع محقق من کل تذکره قوله کل امر ذی بال یعنی هر کار ذی خیر قوله قطع الکتع یعنی
بریده و ناقص طبیعت و در اوایل رسائل و کتب بعد بسمله بحديث مذکور یعنی کل کلام لا یدکر الله فیہ
الحق قاضی عیاض رحمه الله در شفا گفته که از سوا این صلوٰه که جاری شده است بر آن عمل امت و کسی بر آن انکار کرده اول
رسائل است بعد بسمله و این در صدر اول نمود و حادث شده است از ولایت بنی هاشم پس جاری شده است بر آن عمل مردم
در اقطار ارض و بعضی ایشان ختم کتاب نیز بر آن میکنند شیخ یوسف بن عمر گفته که کمتر واقع شده است بر آن اجماع پس
نوشته نشود کتابی مگر که نوشته شود در آن صلوٰه بر نبی صلی الله علیه و سلم بعد بسمله انتی و آنچه شیخ ابن حجر می گوید که الله گفته
حاصلش اینکه حد و این در خلافت امیر المؤمنین ابی بکر صدیق رضی الله عنه بود و جریان عمل بر آن اقطار ارض از اول ولایت
بنی هاشم است چنانچه از طریق و احمد از ابی بکر صدیق رضی الله عنه است که وی رضی الله عنه بعضی اعمال خود نوشته لبهم الله الرحمن
الرحیم من ابی بکر خلیفه رسول الله صلی الله علیه و سلم الی طریق بن حاجر سلام علیک فانی
احمد بن الله الله الله الله هو و اسالمان یصلی علی محمد صلی الله علیه و سلم اما بعد
الح و این کلام را میکنند بقول سیکه گفته اول شخص که ابتدا کرد رسائل را بصلوة بر نبی صلی الله علیه و سلم و رسول الله
بود و این عاصی عفی الله عنہ سیکه که از بنی قاضی عیاض که در حد و اول نمودن ظاهر شد و الله علم و مودت شیخ
ابن حجر می گوید است آنچه آورده امام نووی رحمه الله در او کار خود از احمد بن سلمه بود مکانست سلیمان بن طهر من فلان

الی فلان اما بعد سلام علیک فالی احمد الیک الله الذی لا اله الا هو واسالک ان یصلی
علی محمد وعلی آل محمد وازادۀ احدات خود بکایتیکه در اول آنست اطلال الله بقا کلماتی **بسمیت**
و ششم در وقت خطبه که خیمه و سکون طاری بکند و فتح بار موحده زن خواستن در وقت عقد نکاح امام نووی
رحمه الله در آنجا فرمود که مستحب است که بگوید یا احمد یا محمد یا علی یا شایر وی و صلوة بسمول خدا صلی الله علیه وسلم
و بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله بعد
خواستگاری کند و همچنین پیش از عقد نکاح بگوید یا رسول الله یا محمد یا علی یا شایر وی و صلوة بسمول
ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یعنی بدستیکه خدا و ملائکته شایر بکنند بر ستمش و او کرده به استغفار
و شکان یا ایها الذین امنوا صلوا علی محمد یعنی شایر کنید بر محمد صلی الله علیه وسلم و از شایر شما و در هر دو طرف
خواستگاری بسیار فرمودن کشید و در او از عمر بن العوف رضی الله عنہ مثل آن ثابت شده است **بسمیت** و **مفهم** و **مفهم**
برای تکفیر آن حدیث ابن اعمام صلوا علی فان الصلوة تقفاره لکم فمن صلی علی واحد اصلی الله علیه
عشرین درود گوید بر من بدستی درود کفارت است شمار اینک درود گوید بر من یکبار درود گوید خدا تعالی بر آنکس بار
مردی است ابی کاهل رضی الله عنه گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم در او را با کاهل مصلی علی کل یوم ثلاث
مرات حباً و شوقاً الی کان حقاً علی الله ان یغفر له ثوبه ثلاث الیلة و ذلک البوم ای اباکاهل
هر که درود گوید بر من هر روز سه بار از روی شوق سیوی من بآحق بر خدا تعالی که مغفرت کند کنان
در آن شب و در آن روز **قول** او شوقی است از او می آید یعنی او است و احادیث متفقین آنکه صلوة رکوات
در حق مصلی مذکور شده اند در باب آن صلوة و ظاهر است که رکوات تنفیس نماز و برکت و طهارت از رذائل آنست
بسمیت و **ششم** نزد اراده فراموشی در جمعه الله در آنجا فرمود که مستحب است که نزد اراده فراموشی
نماید از محمد خدا تعالی و صلوة و سلام بر ستمش خدا صلی الله علیه وسلم و حتی حدیث کل امری بالحدیث نزد اراده
دارد بر آن **بسمیت** و **مفهم** نزد رکوب به حدیث درین باب ثمرات صلوة مذکور شد من قال اذا رکت ابتد بسم
الذی الحدیث **بسم** نزد اراده تذکر منشی خود یا چیزی بگوید بیکه در باب ثمرات صلوة مذکور شد اذا
لیم شیا الحدیث واده شد بسندی ضعیف مسل من اراده ان یحدث بحديث فلسید فیصل علی ان
فی صلوة علی خلفاً من حدیث و عسی ان یدلک ما هر که بخوابد که سخن کند بحدیثی پس فراموش کند
آنرا پس باید که درود گوید بر من پس بدستی در صلوة او بر من خلف پس مانده است از سخن او و فریب است که یاد کند آنرا
بسم و **مفهم** نزد رکبات نام شریف آنحضرت صلی الله علیه وسلم و الله مستحب داشته اند تذکر صلوة و سلام بر
که نوشته شود نام شریف می صلی الله علیه وسلم و از اینجا است قول ابن صلاح که نزد اراده است محافظت بر نوشتن صلوة

و سلام بر رسول خدا صلی الله علیه و سلم نذر کردی مشک نشود اگر نماز صلوٰه نذر کردی نام وی صلی الله علیه و سلم که آن را
خرید است و قاضی آنان بوجوب آن عظیم باید که تقصیر کنند آن هیچ چه نذر کردی صورت چنانچه بعضی نذرمان در عرض صلی
الله علیه و سلم قطع یا مثل آن نیستند از روی معنی یا نذر صلوٰه از سلام و عکس آن جماعه از محدثین لفظ و سلم می
در روی آن حضرت صلی الله علیه و سلم را متقبض و معاتب بر آن دیده و بعضی از آنها را در نام فرموده که چرا محرم میکنی خود
از چهل حسنه بر آن لفظ و سلم چهار حرف است حرف اوله کذا قال الشیخ ابن حجر الملی رحمه الله منقول است ابوطی
مخلف آن حضرت صلی الله علیه و سلم را خوابید سلام کرد و صلی الله علیه و سلم روی مبارک و کرد اندک ابوطی بر پیش آمده و چون
یابنی شد جبرائی من کرد و اندکی بود از آنکه هرگاه ذکر میکنی تا غی و میکنی درود بر من فرستی ابوطی گفته که بعد از آن
که نام آن حضرت صلی الله علیه و سلم منسوب است علیه و سلم تسبیحا کثیرا کثیرا اکثر میکنم منقول است ابودر
کسی در خوابید که در همان باب که نامیکند از در آن رسید گفت که بدست خود هزار مرتبه نیت فرستم چون ذکر آن حضرت صلی
الله علیه و سلم می آمد در و میفرستادم این بر جایتم زیرا که آن حضرت صلی الله علیه و سلم گفته است هر که بر خود یک صلوٰه
فرستد خدا تعالی بزرگ در صلوٰه فرستد منقول است که در حدیث میفرستد از بخل و در صلوٰه نوشت و فرستد
و گفته اند و بعضی سلف نقل کرده اند که بعضی مواضع ایشان کتابت صلوٰه ترک یافته و چنانکه در اصل شیخ ابودین لفظ
منوشت بجهت احتیاطیکه در آن مطابق روایت دارند و نیز نمیشد از زبان لفظ میکرد و بعضی دیگر در وقت سجده
صلوٰه میافزیدند و این از باب مسأله است و لذتی و زدی که در کتابت این لفظ و تلفظ آن است از عظم مشنوت
و از لذات است کذا قال الشیخ عبدالحق الدهلوی کتاب جیاد القلوب روایت کرده از ابنی دراد
و ابو شیخ در ثواب استغفوری در دعوت و خطیب در حق صحبت و امسها از طریق ابی هریره را عنه ثبت است
علی فی کتاب لم تنزل الملائکه لتستغفرن له ما دام اسمی فی ذلک الکتاب هر که درود فرستد بر من
همیشه فرشتگان طلب آمرزش کنند برای کسی تا که باشد نام من آن کتاب در لفظ و دیگر آمده من کتب فی کتاب صلی الله علیه
و سلم لم تنزل الملائکه لتستغفرن له ما دام فی کتاب هر که بنویسد کتاب لفظ صلی الله علیه و سلم همیشه فرشتگان
طلب آمرزش کنند بر آن کسی تا که باشد آن صلوٰه در کتاب این جوی این حدیث در موضوعات شمار کرده و این گفته که صحیح
نیست جماعتی از ائمه و منین ابی بر حدیثی نقلی روایت کرده اند من کتب عتی علمای کتب محد صلوٰه علی
لم یزل فی اخر ما قرئ ذلک الکتاب هر که نویسد من علمی در حالیکه شنوید بیان درود بر من همیشه باشند
درود یعنی ثواب آن تا اخر زمانیکه خوانده و آن کتاب در روایتی است از ابن عباس را عنه ما من صلی علیه
فی کتاب لم تنزل الصلوٰه جابر بن عبد الله ما دام اسمی فی ذلک الکتاب هر که درود گوید بر من در کتابی همیشه
صلوٰه جاری باشد یعنی صلوٰه خدا بر آن کسی در مقابل آن صلوٰه تا که باشد نام من آن کتاب بنویسد این جبرم گفته که

که در سندش مخفی است و این کفر گفته که سندش صحیح است بوجهی که در او نیست و مراد است از امام جعفر صادق علیه السلام
 بسند یاقوف من صلی علی رسول الله صلی الله علیه و سلم فی کتاب صلیت علی لیلانک غدا و غدا
 مادام اسم رسول الله صلی الله علیه و سلم فی کتاب هر که درود گوید بر غیر خدا صلی الله علیه و سلم درین
 درود گویند بر آن فرشتگان صحیح و شام که باشد نام غیر خدا صلی الله علیه و سلم در آن کتاب برآورده اگرانی که گفتی
 علیه السلام از آن ایام الفقه یحیی اصحاب الحدیث معهم تحایر بقول الله لهم انتم اصحاب الله
 طال ما کنتم تلتبون لصلوة علی نبی صلی الله علیه و سلم انطلقوا الی الجنة چون باروز قیامت بیاید
 اصحاب حدیث نبوی صلی الله علیه و سلم در جای که باشد با آنها بجز این که بگوید خدا تعالی مرا آنها را که شما بید اصحاب حدیث دراز
 شده است نوشتن شما صلوة بر غیر من صلی الله علیه و سلم بر روی بخت خلیفت که این حدیث موضوع است و در وقت
 آنرا و بلی ان طریق دیگر و نیز غیر لفظیکه یلفظ اول است از حدیث است و این جوی نیز در کتاب ذکر کرده کذا قال
 الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله واداه است از سفیان ثوری را گفته که اگر نباشد صراط فائده غیر از صلوة بروی صلی
 الله علیه و سلم کافیست بر آن درود و فرستاده شود و اما آنکه صلوة در کتاب است **ویم** نزد ابی الدرداء من علم و
 وقرات حدیث درود احتشام آن در زمانی آن هرگاه که در روی صلی الله علیه و سلم در بیان از قول امام شافعی رضی الله عنه ذکر شده
 در وقت میگردم تویدم ذکر خدا تعالی تنابروی صلوة بر رسول خدا صلی الله علیه و سلم و خطبه هر یک که این حدیث در احتشام
 مقیسن است حدیث کل کلام لا یدل کر الله فی حدیث نیز و است استحباب التلبیة بالصلوة امام محمد و رحمه الله واداه
 خود گفته که مستحب است امر قاری حدیث را و آنچه در معنی است چون گروی صلی الله علیه و سلم و سلم و یلبس کند و از آن صلوة و تسلیم
 بروی صلی الله علیه و سلم و در رفع صوت کمال سبانه کند و تهی و سماع از کمال سالن از آنست که کاهی مستحب است سماع حدیث شود و کما
 قال الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله ابو احمد از ابی حمزه اند گفته که مبارکترین علوم و افضل و اکثر آن از روی نفع و دنیا
 بعد از حدیث ایتعالی حدیث رسول خدا صلی الله علیه و سلم سبب کثرت صلوة در آن بر آن حضرت صلی الله علیه و سلم است و این حدیث
 و کعب رحمه الله گفته که اگر حدیث نزد آن شیخ غیر از افضل نمودی تحذیر نیکو دهم اگر رسیدم که نماز افضل است حدیث نیکو
 صحیح کس او مراد از آن افضل است **و سیم** نزد ابی از ابی حمزه اند گفته که مستحب است ترافعا لغوی و تسمیه
 و حمد و صلوة و حوقله و قرأت آیه رَبِّهِ شَیْخٌ لِّی صَدِّیْقٌ لِّی وَکَلِیْلٌ لِّی اَمْرِی وَ اَحْلِلْ عَقْدَةَ مِنْ لَیْسَ یَقْعُو
 قَوْلِی وَ قَرَأْتَ آیَةَ سُبْحَانَکَ لَا اَعْلَمُ لَنَا اِلَاهًا مَّا عَلَّمْتَنَا اَنْتَ اَنْتَ الْعَلِیْمُ الْحَکِیْمُ و اگر سبانه از او
 کرده باشد عامر محیی را با صلوة بر غیر خدا صلی الله علیه و سلم در آخر سوال پس بگوید معنی الحاق آن کند انتی و مجتبی است
 شیخ ابن حجر المکی رحمه الله در کتاب برتقو از روضه گفته که بیان این مورد در افتابنا بر جریان علوت علم است و نیز گفته
 که ظاهر تفسیر صلوة منقی قبل از افتاد در بدین ماحکم را پیش از حکم این عامی میگوید که حدیث کل امر مذکور

الحديث في دولات و در بران الله اعلم **س** و چهارم در موضع مجتمع نمودن بران بزرگ خدا تعالی امر است
از این میرود که الله سبحانه من الملائكة انما اوحى اليه الذنوب قال بعضهم لبعض فقد
فاذا ارعوا امتوا فاداموا على النبي صلى الله عليه وسلم صلوا معهم حتى يفرعوا ثم يقول
بعضهم لبعض طوبى لهؤلاء يرجعون مغفورا لهم يستبشرون في الدنيا كما كانت انما اين كويند فرشتگان بر چون رود و گویند آنها
چون بیند خلق را می گردانوی بعض آنها بعض را بنشیند چون می مانند آنها این کويند فرشتگان بر چون رود و گویند آنها
بغير خدا صلاي عليه وسلم رود و گویند فرشتگان با آنها ناکه فارغ شود پس می بعض آنها بعض را خوشی است و آنها را که باز
میکردند از این مجلس بعالیکه مغفورا دهند و با ثمرات صلوة حدیثی متضمن رحمت از این باب از مذکور است **س**
چشم و قیقه محطو شود آن حضرت صلی علیه وسلم در دل در تحفه الیوب گفته که صلوة دیرین سوطن با خود است از تحباب
یا وجوب آن نزد کوی صلی علیه وسلم بر آن که در آن جریان ذکر بر سمع او دیرین قلب است با این استنباط محسن است
س و ششم نزد عقیدت خواجه اقصا کلام از در بیلی حمید و در انوار مجید است جایگه گفته که تحمل نشود دنیا
ایجاب قبول کلامی اجنبی که نه از مقتضا عقد و نه از مصالح آن و نه از استجاب آن باشد پس اگر گوید شریکیم الله
والحمد لله والصلوة على رسول الله قبلت صحیح است و چنانکه امر می ببال الحديث نیز است
است بران کما قال الشيخ ابن حجر الميسي **س** و هفتم نزد سجده است انداز اشافعیه بن شافعه
از اصحاب امام احمد بن حنبل رضی الله عنه امام شافعی رضی الله عنه در آن گفته که تسبیح و توحید تسبیح است اگر زیاده کند
آن چیزی از ذکر خدا تعالی پس حضرت کرده ندارم با تسبیح گفتن صلی الله علی محمد بلکه دوست دارم آن را و دوست
کنرت صلوة را را آن حضرت صلی الله علیه وسلم در همه حالات زیرا که صلوة بر رسول خدا صلی الله علیه وسلم ایمان بخداست و عبادت
او و قائل آن با جو خود باشند و الله تعالی خفیه و جمیع از اصحاب ما کث احمد و همها اند صلوة نزد یک کرده دارند
گفته اند که در این اقسام اطلاق غیر اند است و حدیث نبوی از آن وارد شده که لا تدركوني في ثلاث مواطن عند
وعند التمتع وعند التجب و عند ركعتي اول سجدة و عند ركعتي ثلث و عند ركعتي ثلث و عند ركعتي ثلث و عند ركعتي ثلث
و شافعیه جوایبند که ایام اطلاق غیرند و صورتیست که بگوید بسم الله و اسم محمد صلی الله علیه وسلم نه در
بسم الله و صلی الله علی رسول الله و اند لال خبر مذکور بر تقدیر صحت است و حال آنکه صحیح است زیرا که در این
سلیمان بن عسبی بخیری بهم بوضع عبد الرحيم لم يضعف است تسلیم میکنم آن بزرگ که مخالف وجه شری
باشد خواجه شافعی گفته شد که ذوال الشیخ ابن حجر الميسي رحمه الله تعالی **س** و هشتم نزد او در آن
کوشش میکند آورده است امام نووی رحمه الله در او کار خود از کتاب ابن سنی بابی رافع مولای آن حضرت صلی الله علیه وسلم
گرفت و صلی الله علیه وسلم از اظنت اذن احدکم فیلد لکونی و لیصل علی و لیقل لک الله محیر

ذکر نه چون آواز کند که شن کی از شما پس باید که یاد کند مرا و باید که در دو فرستد بر من باید که بگوید یا کند خدا تعالی
 کسی را که یاد کرده است مرا و این خرمین نیز آن را در صحیح خود بر آورده است لیکن از آن تعجب کرده گفته که اسناد آن غریب است و عقلمانی
 گفته که بی اصل است **و** پنجم نزد خواب کردن با آورده است امام شوم و جمله اندر او کار خود از کتاب سنی الهی هم
 که بودیم نزد عبد بن عمر رضی الله عنهما پس خواب کرد پای او پس می اورا گفت که یاد کن دست ترین مردم را نزد تو پس گفت
 یا محمد صلی الله علیه و آله و سلم انما في القور رفع شد که یا که او فقال خلعی ایت نیز از کتاب که در اظهر حق مجاهد آورده
 خواب کرد پای مردم را بن عباس رضی الله عنهما پس گفت بن عباس رضی الله عنهما که یاد کن دست ترین مردم را نزد تو پس
 گفت محمد صلی الله علیه و آله و سلم پس رفع شد شیخ ابن حجر که جمله اندر کتاب منقول گفته که آمده است از ابو احمد از ابو یونس بن عمر
 او و ابن عباس رضی الله عنهما که پای وی خواب کرد پس می اورا گفت که یاد کن دست ترین مردم را نزد تو پس گفت
 یا محمد صلی الله علیه و آله و سلم یا محمد و گفت ثابث بن محمد صلی الله علیه و آله و سلم پس رفع شد خذرو
 عامری و زکری و فقیه عبد الباقی و در قلای نیز ذکر کرده اند **و** ششم نزد عطاس تجلی گفته اند از اجمعی که مروی است
 بسند ضعیف من عطس فقال الحمد لله على كل حال ما كان من حال و صلی الله علیه و آله و سلم و علی اهل
 بیته اخرج الله من مخبره الايسر طائر يقول اللهم اغفر لقالها و در روایتی است اکبر من الدنيا
 واضعف من الجراد يرفق تحت العرش يقول اللهم اغفر لقالها بر عطاس پس گوید الحمد لله
 بر او خدا تعالی از سوراخ چپ او برنده که بزرگ باشد از کس ضعیف تر باشد از جراد میر و خوش در حالیکه بگو ای منفر
 کن قال له گفته اند که دیدنش اندیشه نیست که می از روایت آن ضعیف است نزد اکثر جمعی دیگر گفته اند که صلوة نزد عطا
 سبب است بحدیث مذکور لا تدركوني الحمدوا الش سابق مذکور و آنچه مروی از ابن عباس رضی الله عنهما موطنا
 لا يذكر فيه رسول الله صلى الله عليه وسلم عند العطاس الذي تحت رجبته و سید است و از ابن
 عمر آمده که وی مستحب است صلوة نزد عطاس گفت و عطاس که نزد وی الحمد لله و السلام على رسول
 الله صلى الله عليه وسلم گفت و یا خدا صلی الله علیه و آله و سلم را این تسبیح تعلیم کرده شیخ ابن حجر که جمله اندر نقل کرده
 که این هم ضعیف است اگر چه حاکم آن را صحیح خود بر آورده است و این عاصی گوید که حافظ ابو موسی و ابو اسحاق با اسناد
 او از نافع رضی الله عنه بخلاف آن از ابن عمر رضی الله عنه بر آورده اند یعنی نزد ابن عمر و نافع و اقصار کرد و بر الحمد لله
 ابن عمر را شد عنهما با و گفت که تحقیق بخل کردی چرا با حمد خدا صلوة بر بنی صلی الله علیه و آله و سلم گفتی روایت کرده این را
 بهی و از نجاست آن شیخ ابن حجر که می که بهی ترجیح داده اول او الله چه **و** هفتم نزد خبیث حاکم
 بر آورده است هر از ابن سنی و جمعه الله لا ينطق الحمار حتى يرى شيطاناً او يتنمل شيطاناً فاذا تكلم
 ذاك فاذا ذكر الله وصلوا على ابي ارمين فانه لا ينطق شيطاناً را یا شغل شود و او را شیطان پس چون

[illegible]

و حالاً قریب چهل آیت یا سیکصد و بیست و نه حدیث است که در این کتاب است و جمیع این حدیث و احادیث را
دارا نهان زدی گفته که غیر است و حال گفته که صحیح است شرط تخمین و بی شرط است که بی خبرم کرده بوضع آن و گاهی گفته که باطل است
و گاهی میگوید که خوف سیکصد ازینکه موضوع باشد و گاهی گفته که دانسته در حدیث انداخته است با وجود سناد آن و سخاوای از آن بگذرد
دیگر که قریب یازده است برآورده گفته که از سندی طرق اسانید این حدیث جمیع و غیرت و دست و عمل و این گفته که در متن آن
بلکه بخاری است بپیش گفته که من میگویم که حق آنست که در این پنج غلط است و اکثری شنیده ام که بخرید این که در حدیث حق یافتند
الشیخ ابن حجر المذنی رحمه الله چهل و ششم نزد اتمام بجز بجز الحقیقه از آن می باشد ذکر کرده است
موقع را شیخ ابن حجر می گوید که در این باره احادیث سیکصدین باب دارد و اندک حکم بعد بحث آن کرده از آنچه بر آورده ادلی که بر
کوه ای و اندک در زوایا که پیرایه علیه و آله و سلم حکم قطع بدین پس از گشت و حالیکه در دو بخواند پس سرین آمد و گفت
محمد صلی الله علیه و سلم پاک است آنکس که در دین من می باشد علیه و سلم با حضار آن کس حکم کرد حاضرش که در دین فرمود که خود
معاودت چه می گفتی تحقیقت حال خبر داد آنحضرت صلی الله علیه و سلم گفت برای من است که دیدم سب و تشنگان که ششکافند
درین ناکه قریب ناکه حاصل شوند میان من تو هر اندک و در سب و تشنگان که در دین تشنگان که ششکافند
هم این را بر آورده است لیکن در سندش شخصی تمام بوضع حدیث است از آنچه بر آورده است بطریقی که او را مهارت خود بدست
گرفته و حضور وی صلی الله علیه و سلم آمده ایستاد و گفت السَّلَامُ عَلَیْکُمْ اَیُّهَا الَّذِیْنَ فَرَحَ اللَّهُ بِوَرَاکَتِهِمْ
صلی الله علیه و سلم بروی سلام نمود و از حالش پرسید از پرسش درآمد و گفت یا رسول الله این اعرابی شتر دزدیده است
بر آورده و ناله کرد پس آنحضرت صلی الله علیه و سلم برای او خاموش گردید و او ناله او شنید چون شتر سگات آن حضرت
صلی الله علیه و سلم پیش آمدند زانو زدند که از پرسش و در شتر خود و در بار از این شتر که وی می بیند بر تو که کاذب است پس فرمود
بارگشت و آن حضرت از اعرابی پرسید که وقت آمدن من چه گفتی اعرابی گفت در دین من التوبه باد فتم اللهم صل علی
محمد حتی لا یبقی صلوة اللهم و بارک علی محمد حتی لا یبقی بركة اللهم و سلم علی محمد
حتى لا یبقی سلام اللهم و ارحم محمد حتى لا یبقی رحمة
دی صلی الله علیه و سلم فرمود اید که از اعرابی پرسید که در دین من شتر کوه ای و در دین من شتر کوه ای و در دین من شتر کوه ای و در دین من شتر کوه ای
ظاهرند که فتنه و در دین من شتر کوه ای و در دین من شتر کوه ای و در دین من شتر کوه ای و در دین من شتر کوه ای
وی صلی الله علیه و سلم بر روی دزدی شتر پس آمد آنحضرت صلی الله علیه و سلم لقطع سب و تشنگان که ششکافند از آن کس
پرسیدند که سبب توبه شد گفت نجات یافتیم سبب توبه وی صلی الله علیه و سلم بر روی دزدی شتر پس آمد آنحضرت صلی الله علیه و سلم
و سلم که نجات یافتی از غدا بیا و نجات چهل و هفتم نزد اتمام بجز بجز الحقیقه از آن می باشد ذکر کرده است
این شده اند و بعد لال می کنند یا برای بکره نولای وی صلی الله علیه و سلم بقدر وقت خود این طور هدایت می نماید

میفرستد و همچنین با مصلی سبکیم بر تو و در بر آن حضرت صلی علیه و سلم بسیار میفرستاد و او را احتی عارض کردید و در باب آن
رو شد پس حقیقتی که برکت صلوٰه او را آنرا میگوید و میگوید که در آن روزی بخشد و نیز از روایت ابو نعیم و غیره از سفیان بن عیینه
اشته آورده که میگوید حج که از او و جوانی را که قدم بر زمین نهاده که او میفرستد بر مصلی علیه و سلم پس سفیان بن عیینه
از او را گفت که ای اباعلمی این سخن کی گفت اری حج که از او مبادله نمود و خواست که داخل بیت الله شود و او را اندک خانه کعبه
پس ترا و در مریض شکم او آساید و در پیشگاه کردید پس مخزون شد و دعا کرد که الهی این سخن کی گفتی بخانه تو در ایام من
که ابری باز تو تمام بر خاست و آن مرد صغیر باس آمد و داخل خانه شد و دست بر شکم و رویش کرد و اندک پس رویش کرد و ایام
فرود شد پس از خواست که درین دو شب بجای آن کرم و کفتم تو گیتی که ازین غم مرا بجات بخشید گفت من مغیر تو لم محمد صلی
علیه و سلم کفتم یا رسول الله و صیتی بمن بعد از موبنداری و فردی قدیمی که صلوٰه فرستی بر محمد و آل محمد صلی علیه و آله و سلم
پنجاه و ششم در شرح الاول آورده است این را صاحب تحف الغریب الله و گفته است که در آن وقت که در آن روز
تو که آن حضرت صلی علیه و سلم چون مشتم و درازدم باختلاف اقوال منوعی از زیادت عبادت زیرا که علما گفته اند که ششصد
تفریق است و او است که یکم آن انواع عبادت کرده و صلوٰه از افضل عبادات است نسبت بان این عامی غرض میگوید که سابق گوشتند
است فرستادن در دو بروی صلی علیه و سلم نزد ریت اثری از انار و صلی علیه و سلم و شهر ذکری از انار زمانى چنانچه
درین منوره زادها الله شرفا از انار کانی است **و الله اعلم بچاه و ششم** در روز و شب زیرا که
تو که آن حضرت صلی علیه و سلم پس در آن وقت بر دیگر ایام چه که انعمت اعظم و اشرف است از طهر و حیض و شرف آن حضرت صلی
علیه و سلم در تحف الغریب که منرا و است هر که که انعمت الهی را نماید و ادان با نوع عبادات است از جمله صلوٰه بر غیر
خدا صلی علیه و سلم بلکه از افضل عبادات است و امام غزالی و غیره و درهم حدیثی بلا سند آورده که مذکور است در آن چهار
در رکعت نماز در شب و شب و در رکعت نماز و پنج بار در دو فرستاده شود بروی صلی علیه و سلم پس بطلبه حاجت و از خدا
تعالی اتق است بر تو ای مسئول او عطا کند و سمی آن نماز صلوٰه حاجت شیخ ابن حجر گفته که این حدیث بصحت
است **پنجاه و هفتم** در شعبان در تحف الغریب ابن ابی الصیف نقل کرده که شعبان شهر صلوٰه بر محمد مختار
صلی علیه و سلم زیرا که نزول آیه صلوٰه در آنست لکن سنا و این قول یکسی نکرده و شیخ ابن حجر کمی رحمه الله در کتاب منصوص
گفته که هیچ چیز در ماه شعبان بخصوص ثابت نشده اگر چه از این مشاخرین ابن ابی الصیف بای برای این در رساله فضل
شعبان ترتیب داده و آن را جعفر ابی الیمان روایت کرده است لیکن هیچ چیز اصل معتدلت انتهی مخفی نماند که عدم
صحت روایت مذکور است و اما نیست الله اعلم و نیز شیخ ابن حجر کمی رحمه الله گفته که هیچ چیز در ماه صلوٰه
صلی علیه و سلم در ماه شعبان بصحت نیست و در موضوعات ابن جوزی احادیث و این درین باب آمده است لکن
معتدلت **پنجاه و هشتم** در وقت سجده ذکر کرده است این را شیخ عبدالحق دهلوی رحمه الله در کتاب حاجت

بقلوب مبتدئ بر آن نیارده مکمل شیخ خلدین فیروز آبادی دعوی احمد اندلسی و سواد السعاده گفته که حدیث من یستم
الورد الاخر لم یصل علی فقد جفا فی حدیث خلق الورد الاخر من عرق و امثال ان موضوع و باطل
است این شیخ عبدالحق دهلوی رحمه الله شرح آن آورده که در جواب این گفته آنچه روا کرده است که در حدیث مذکور
انحراف صلی الله علیه و سلم باز عرق جبریل باز عرق براق شیخ را در احادیث شریفه گفته که نووی رحمه الله گفته که صحیح نیست شیخ
ابن حجر مکی گفته که موضوع او پیش از این عساکر نیز حکم بوضع آن کرده و آیه من یستم الورد الاخر لم یصل علی فقد جفا
در میزان الاعتدال جن حدیث را از معراج شریفه و معراج شخصی بود از عرب که در جرد و سینه سجایا از آن برآمد و دعوی از صحابه
کرده است پیغمبر اعلی الله علیه و سلم دعوی علیه الصلو و السلام او را دعا کرده و فرمود یا معمر عجمک الله و برکت دعا آن حضرت صلی
علیه و سلم واحد و نهضت بقی مانده و حدیث کرده و روا کرده کشیدم از پیغمبر اعلی الله علیه و سلم که گفت من یستم الورد و لم یصل
فقد جفا فی حدیث قدس احمد نیست باوجود آن و قطع نظر از حدیث اگر شیخ را یک طایفه یا جماعتی که مصطفوی
و محبت می صلی الله علیه و سلم طایفه یا هر طایفه از صفات و حسنات آنکه مشاهده نمایند از صفاتی صلی
علیه و سلم که کافی بعضی العلماء المتأخرین بحدیثی کلام الشیخ عبدالحق رحمه الله و محمد زین الدین بهر شیخ
ملیور رحمه الله در کتاب فتح المعین ج ۱ قره العین فضل صلو و جمعه کرده که روز جمعه شکاف فضل است و نیت صلو و
صلی الله علیه و سلم نزد شتم آن بلکه حسن است استغفار از آن کما قال غنیانی فی حدیثی ما نزل فی قول مخالف قول شیخ
دهلوی رحمه الله و مستلزم کرات صلو و نزد شتم رحمه طایفه شود زیرا که شیخ رحمه الله حکم بر اولویت آن کرده و فی مسنونیت مستلزم
کرات و نفی اولویت شیخ زیرا که رجوع اولی متناهی است از در حسن بعد اولویت و چه ابا است و چه کرات بعد ابا است حسن
استغفار از آن نیز مستلزم کرات صلو و نیست چنانچه نزد شیخ حاکم و ترمذی و صلو و هر دو سنون بلکه حسن استغفار مستلزم حسن صلو و است
زیرا که استغفار و عا است سنون ابتدا و اختتام بر دعا بصلو و بعضی فتاوی حنفیه بدو ام که در دو گفتن نزد شتم کل کا
که در حدیثی کبوره نامند و کل را چنین کرده است ازیرا که این هر دو کل را کنار دبت برستی استعمال میکنند و الله اعلم
مقام بیوم در مواقع کرات صلو و اول در ماکن مستقره و مواقع نجاست اگر کرده است از شیخ محمد
مهد فایسی رحمه الله در طالع المرات و در کلام منی عنده شیخ عبدالحق دهلوی رحمه الله در کتاب جنب القلوب
بدان که **بیوم** در وقت غیب یا خوف ایست غیب گویند لغو و بالبدن فلک نقل کرده است این را
ابن حجر مکی رحمه الله از از کار امام نووی رحمه الله چهارم از جماع محرم در وقت قضا حاجت انسابی
شهرت یافته است وقت عشره زیرا که این چهار مقام موطن تعظیم نیستند و مقصود از صلو و تعظیم جناب نبوی اعلی الله علیه و سلم
و مقتضای کلام صاحب طالع المرات آنکه اتفاق علما پسند بر کرات صلو و در این چهار موقع و در محل نجس و درج و عطاس
اختلاف است و اما کلام شیخ ابن حجر مکی به پس لالت بر عدم اتفاق دارد زیرا که وی ترجیح کرده است که جماعه از علما قایل

از انام مائت مروتست بلکه قول از اینست **الصلوة على غير الانبياء لا ينبغي ان تغدى صامرا**
بدر کرده دارم صلوة بر غیر انبیاء و سزاوار نیست که تجار کنیم از آنچه امر کرده شدیم بدان و یحیی بن یحیی رضی الله عنه گفته که نیست خوف
در صلوة بر دیگر انبیاء زیرا که صلوة بر عاقلست و عاقلست بر منج از آن محتاج است یا اجماع این عامی میکند که حدیث لا تلزمن فی التمسک
علی علی الانبیاء و جدا از اصلیت علی المرسلین و جدا از اسلامت علی فیصلو علی المرسلین و لالت دارد و فرستاد
صلوة بر دیگر انبیاء نیست و صلی علیه و سلم با ما و الله اعلم و اما در صلوة بر خلاف است امام ذری حرم و در او کار گفته که
اجماع کرده اند که کسی که قول آنان است بر صلوة بر عاقل است و آن بر سایر انبیاء و ملائکه است لا الهی الا الله و شیخ نجاشی می گوید در کتاب
در منصفه گفته که صلوة بر ملائکه نیست و فلیت این نصی که گفته اند بطریق ضعیفه گفته می صلی علیه و سلم صلوة علی انبیاء
و رسولان الله بعد از آنکه بحال صحتی صلی الله علیه و سلم تسلیم دارند و گویند بر انبیاء خود رسولان او و پسینست که
خداستعالی فرستاده است آنان را و جدا از فرستاده است مرسلین بر تقدیر ثبوت اینست صلوة بر ملائکه نیز زیرا که ویتعالی می فرستاده است
ملائکه را بر رسول کلام مجید قال تعالی جاعل الملائكة رسلا الا نوح و هم و حکم صلوة بر غیر انبیاء
علم الصلوة والسلام و در بخار و سبست تحت اول و جواز عقلی ساد و تحریر من
الدین احمد بن الدین محمد صدیقی سیف الله نراه و جعل الجنة منواه و در در سینه العدو علی خیر البریه
کرده است بر آن رسد و جدا از **الصلوة** یعنی دعا یا محتیا یا یا تعظیم یلین یا عا یا یا صلی بحال صلی علیه است این امور
احد از عقلا متعینست و عقل لا در حق غیر انبیاء الصلوة والسلام غایه الامر اینکه مختلف خواهد شد باختلاف احوال
علم و حکم صحت اطلاق الفاظ تحت دولات آن یا عدم صحت آن کسب عدم تحقق دلالت باجتناب لغوی است متعلق با حکم شرعی
سیوم متعین عقلی آنست که لازم آید از فرض وقوع آن محال عقلی صلوة بر غیر انبیاء لازم نیاید از فرض وقوع آن محال عقلی
جلیجی حمد الله گفته که مراد از صلوة علیه دعا و اربکم بالصلوة علیه او انکار کرده نمی شود و عطف آن از وجوب و ثبوت صلی
علیه و السلام بر او زیرا که متعینست دعا و حق ایشان تعظیم و تعظیم بر کس باقی است **و حکم و جواز**
صلوة بر او آن بر دو نوع است تبعا و عقلا لا متابعا پس ثبوت در آن هیچ کس را چنانچه در مواضع گفته ام صلوة بر
غیر انبیاء اگر برین جهت باشد چنان نیست اجماعا و در تفسیریهما آورده که جائز نیست بر عیوی صلی علیه و سلم تبعا و در تفسیر
نوشته اند که صلوة گفته شود بر عیوی صلی علیه و سلم پسینست فلا کلام فیها انتهى بلکه صلوة بر او نموده است زیرا که حدیث
قولوا اللهم صل علی محمد و علی آل محمد و در حق خود گفته که در روز حاکم و قمر الحجاب رسول الله کیف الصلوة علیکم
اهل البیت فرموده قولوا اللهم صل علی محمد و علی آل محمد الخ و لیست ظاهر بر اینکه امر بصلوة بر اهل بیت نبویه است
صلی علیه و سلم مراد است از این بیت و الا سواهم میگوید و نداء صلوة بر اهل بیت آل عقبه و آل عتبه و آنست و آنحضرت صلی الله علیه و سلم جوابیم
بدانچه مذکور شد نمیدانیم و این جواب است بلکه صلوة بر او دشوار از جمله ما موهبت و نیز آنحضرت صلی علیه و سلم قائم کرد و او

راوران و متقوم ذات خود زیر کفهد از صلوة تعظیم وی صلی علیه و آله وسلم است و از تعظیم اوست تعظیم اوست قال او صلی
علیه وسلم در اینجا است که چون داخل فرموده نماز بر او امیر المؤمنین علی حسین با رضی عنینم در کس گفت اللهم انهم منی وانا
منهم فاجعل صلواتک ورحمتک مغفرک ورضوانک علی وعلیهم با الهی بدو سیمیه اوشان از بر این و بر این
الم یحیی کربان صلوة تو ورحمت تو ورضوان تو بر من بر اوشان واما استقلال پس طرب اندر ان اقوال علما امام احمد
رضی عنه و جماعتی خائزند بطلقا قافی عیاض گفته که برانند عاقل علم الهی در استدلال ایشان بقول وی تعالی است و هالذ
یصلی علیکم و ملائکته و قواری تعالی و لک علیهم صلوة من بهم و حقه و قل ربی ان صلواتک سلک
لهم و بحیث صحیح که بر او ده بخاری و سلم از عبد الله بن ابی و فی که بودی و صلی علیه و سلم چون او فرمودی که مسکف
اللهم صل علیهم پس در پس من قدس نمود اللهم صل علی ال ای فی و بحیثیکه تصحیح کرده است از ابن جابر
گفت غیر از اصل علیه و سلم صلوة برین بر زوج من که پس صلوة فرستادی صلی علیه و سلم بر هر دو و بحیثیکه مسلم است
ان الملائکة تقول الروح المؤمن صلی الله علیه و سلم علی حید کت سیکه در شان میگویند روح مؤمن را صلوة گویند
بر تو و بر حید تو و بدین مفضل که وی صلی علیه و سلم صلوة فرستاد بر هر دو و اختلافی را بر او داشتین بر غیر دین العاصی علیه
و مؤلف است آنچه بصحیح است از مالک امام جعفر صادق از امام محمد باقر رضی عنینم که الیومین علی نزار الیومین علی محمد
و عنهما در جایکه هر جا و حید خفته بود استاد و گفت ما قلت العبد و لا اطلقت لخصماء احدا احب الی ان
القی الله بصیغته من هذا السجی صلی الله علیه و سلم بر نداشتن بدین می که بر او سیاه کرد سمان بر هیچ کس دوست
باشد نزد من بایکد طافات کم خدا تعالی را با صیغه اعمال او ازین جا بحید صلی علیه سفیان رحمه الله که راوی این است
گفته از امام محمد باقر صلی الله علیه و سلم رسید شد باینست صلوة غیر انبیاء الهی عنه جواد که بحیثیکه ام و قوی جماعتی گفته اند که
جائز است شغال او اما بتو حسن زیست را که دارد و بان نفس بالحق استبان بر سبیل اطلاق و اما الوجیفه و جمعی گفته اند که
جائز است نجیت مطلقا نفس بدین ارشود و بانه و با استقلال جائز نیست حکا قال الشیخ ابن حجر المکی لیکن رتبه الفتاوی
از فتاوی ابی بکر محمد بن الفضل نقل کرده کرده صلوة غیر نبی نزد ابی حنیفه و محمد رحمه الله نزد ابی یوسف کرده نیست و بر سبیل
نوع جائز است بالاتفاق و بحیثیکه از او در شام و بحر الفتا و و ناد الفتاوی و نقل کرده محیطه شریعی نموده ابی یوسف
و خلاصه الفتاوی قول الم اعظم فی الله لا یصلی احد علی احد الا علی النبی صلی الله علیه و سلم در دو کجی اجدی
بر احد که بر نبی صلی علیه و سلم و این قول فتن کرات و عدم جواز بر دو و شیخ ابن حجر که می گویند شاید بر هر دو صل کرده و الله
عز و یوسف کرده است استقلال نه جاجا و نقل کرده از رتبه الفتاوی و غیره و ان رواست از احمد بن حنبل رحمه الله نیز در خیا
کرده است از ابی یوسف و در غیره و در بعضی شافعیه استقلال از امام است نزد کسب خلاف ابی است نزد اکثری کرده است بکرات
تفسیر بر او که شعا اهل بدعت است ممنوع است از شعل آنها و صحیحین نقل است که امام نووی رحمه الله در او کار گرفته

و رحمه الله گفتن بر صحابه با عین ظاهر و کسایکه بعد و نشان اند از علما و عباد و سائر اخبار و بعضی علما گفته اند که در حق الله
عنه مخصوص است بفتحاضی اندنم و حمد و بغير صحابه قبل اول صحیح است و دلالت آن بسيا كما قال الاسام النوحی فی الاذکار
و اگر گویند صحابی که بر صحابی است چون ابن عمر و ابن عباس و ابن ابی بنیر و ابن جعفر و اسبابین بدین رضی الله عنها باید گفت کذا فی
الاذکار فائدة و کذا فی ان ورم رضی الله عنها که بقول جمیع علما نبوت زمان ثابت نیست پیش بعضی علما مستحب است صلو
و سلام تعجبت انبیاء زیرا که درجه ایشان از درجه کسیکه در حق او توحی باید کرد رفیع است بعضی قرآن مجید و امام الحرمین گفته که

ظاهر این است که اگر سلام گفته شود اندیشه نیست امام نووی گفته است حج توحی زیرا که نبوت ایشان ثابت نشده است
باب هفتم در کیفیت صلو و این باب ششست بر چهار مورد اول در صیغها در اتحاد

متر و بر وارد اند منها روایت کرده است سلم و غیره از طریق ابی سعید و انفاری بدین رضی الله عنها که باید رسول خدا صلی الله
و سلم نزد ما در حالیکه بودیم در مجلس معبدین عباد پس گفت بشیر بن سعد که امر کرد ما را خدا تعالی بفرستادن صلو بر تو بار
السلام چگونه صلو گوئیم بر تو پس سکوت فرمود آنحضرت صلی الله و سلم تا که از روی کردیم که باز سوال نکرد پس گفت وی صلی الله
عنه سلم بگوید **اللهم صل علی محمد و علی آل محمد كما صلیت علی ابراهیم و بارک علی محمد و علی آل محمد**
بارگشت علی ابراهیم فی العالمین انک حمید و سلام همچنان است که شهادتینید **محمده** اختلاف است در یکم مراد از

قول او چگونه صلو گوئیم چیست بعضی گفته اند که سوال از صفت صلو است چنانکه آن را که اصل آن معلوم بود بامام الهی رسول
کردند از صفت آن که لایق باشد بوی صلی الله و سلم تا استعمال کنند آنرا و بعضی گفته اند که سوال از معنی آن است که بکدام لفظ

زیر که نامور لفظ صلو است و آن احتمال دارد در جنت و در علو تعظیم را پس سوال کردند که بکدام لفظ و اینست آنچه
است چنانچه گفته است حاجی غره و جزم کرده ابدان طبعی زیرا که لفظ کيف ظاهر است و صفت را با جنس پس سوال از آن لفظ ما

در سبب این سوال آن است که چون سلام در تشهد لفظ مخصوص دارد و تشهد فیه که صلو نیز لفظ مخصوص دارد و قیاس بر آن
زیر که اطلاق بر فعل آسان بود و در افعال لفظ و از کار بقدر امکان در دست برسد و در لفظ مخصوص موافق فهم آنها و امر قیاس

کرد و قولوا كما سلام گفت کذا قال الشيخ رحمه الله منها روایت کرده ترمذی و ابن عمر
و حاکم و دارقطنی و سیاقی از سقی حماد که مراد گفت یا رسول الله ما سلام بر تو تحقیق و اینست آنچه از این گفتیم در و گوئیم بر تو چون

رو گوئیم و بنارنا صلی الله علیه و سلم شش گفت آنحضرت صلی الله علیه و سلم پس گفت که چون صلو گوئیم پس بگو **اللهم**
صل علی محمد و علی آل محمد كما صلیت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم و بارک علی محمد و علی آل محمد

الای و علی آل محمد کجا بارگشت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حمید **محمده** می بفرموده
میم گفته اند امام و کسب آنکه نوشته اند و خواندن مکتوب نمیداند کویا که بر اصل و لاوت ام است با مثل ام است زیرا که

نخابت مسامحه است و بعد کتاب و وصف جمیع علما میگوید که بعد و غایت نیست مجوز آنحضرت صلی الله علیه و سلم

[illegible]

[illegible]

صلیت و بارگت و رحمت علی ابراهیم و در سندن نهی نمود از مردی میهن روزگرت مشربا در درو و ضعیف است اللهم
صل علی محمد و علی اهل بیتت كما صلیت علی ابراهیم انک حمید مجید اللهم صل علینا معهم اللهم بارک علی محمد
و علی اهل بیتت كما بارکت علی ابراهیم انک حمید مجید اللهم بارک علینا معهم صلوة الله وصلوا
المرسلین علی محمد النبی الای السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته و در درو و ضعیف باوه کرده ابران و ان محمد
وال محمد کما رحمت علی ابراهیم انک حمید مجید و در درو و ابیومنین علی رضا علیه السلام اللهم و رحم علی محمد
ال محمد کما رحمت علی ابراهیم و علی ابراهیم انک حمید مجید اللهم و تحن علی محمد و علی ال محمد کما تحننت
علی ابراهیم و علی ابراهیم انک حمید مجید اللهم و علی ال محمد و علی ال محمد کما صلیت علی ابراهیم و علی
ابراهیم انک حمید مجید شیخ ابن حجر می گفته که سندن شیخ ابی سنان از یکی از درو و مجهول مدبری فرمود که هجرت است و امر
دیگرم است لیکن منم غایت و در بعضی از آن آدم است تسلسل بشمار که وی صلی علیه وسلم شمار کرد این کلمات را بشن اهل یومنین علی
رضی الله عنه و فرمود که شمار درویش بن حجر می گفت که شمار کرد و بیش منم سبایل وی گفت که شمار کرد و بیش منم
بیش منم رب العالمین جان جلاله سندن شیخ ابی انیس از منم کذب پادشاه بکلیه بعضی محققان فقها و حفاظ از تاخرین گفته که سبایل می که در آن
زیادت حجت و تحنین خالی نباشد از منم کذب و وضع که قال شیخ ابن حجر المکی مشربا بر آورده است بخاری و در او بفرمود
ابن حجر بر عقیده که گفت وی صلی علیه وسلم که خواند این درو و را که این درو و زیادت شباهت و تشابه است
صل علی محمد و علی ال محمد کما صلیت علی ابراهیم و ال ابراهیم و بارک علی محمد و علی ال محمد کما بارکت علی ابراهیم
وال ابراهیم و نرم علی محمد و ال محمد کما رحمت علی ابراهیم و ال ابراهیم شیخ ابن حجر می حرر سید احمد بن عبد الله القول
بعض محققان که الحال گذشت استنار کرده است و گفته که این حدیث حسن و رجال او رجال صحیح اند که می و در این زمان و در نیات
ذکر کرده است بر فاعده خود مشربا در درو و ضعیف اللهم اجعل صلواتک رحمت و برکاتک علی محمد و علی ال محمد
کما جعلتها علی ابراهیم و علی ال ابراهیم انک حمید مجید مشربا در درو و که سندن که است که گفت و
صلی علیه وسلم که می گفت این درو و تحقیق می منم فرستگار که بنده که در نفاق یا یغی درو و خواندن این درو و را که حدیث می که
شدند که نفاق آسمان از نظر آمدن بر قوف شد اللهم صل علی محمد حتی لا یبقی صلوة اللهم بارک علی محمد حتی لا
یورک اللهم سلام علی محمد حتی لا یبقی سلام و ارحم عباد حتی لا یبقی رحمة الله حتی لا یبقی ما یلتزم در عقیده
مرهم صلوات که در می بخا وجود آورده و بر تفسیر دیگر و در آنکه سبایل اختصاص فرستاده صلوة به نیست بر محمد صلی علیه وسلم و
اچو صلوة فرستاده غیر وی صلی علیه از اهل اختصاص و در زیاده از آن احتمال دارد که بر سبیل سالن باشد و در کثرت اعطاء رحمت
نعمت چنانچه گفته میشود که پادشاه عطا کرد فلان را چیزی که باقی نماند نعمتی یعنی می در نعمت افزوده چه است که باقی نماند و را
شوق سبوغی از نعمت و فرود آمدن حمل مثل این کلمات برین وجوه تا لازم نیاید تو هم تقوا بعضی معذرت و درینعالی کما قال المهدی

[illegible]

غیر مکه را بن من فوز تو ابک المضمون مجزئ علی عطاءک المعلوم علی بنی و الناس بناره و الکریم منو
 لایک و نزل و اقم لدره و آخره من انبعاثک لم یقبو الشهاده و من فی المقالذ انطلق عدل و خطه
 و حجه و برهان عظیم صلی الله و سلم ابو بکر بن ابی سبیه در و ابیه در ان شخصی حمل است زیاده کرده ان اللهم اجعلنا
 مطیعین و اولیا الخلفین و رفقاء صاحبین اللهم ابیعنا من السلام و ارد علیه من السلام **قوله** و ارجی
 و ارجی یعنی باسط و تحویلی موسوطه از ان زمین است فال تعالی الارض بعد ذلک حاکم یعنی ستر زمین را زیر که
 اول شده بود و در رد امیجیات آمده بهمان معنی **قوله** ارجی المسمکات باری در ترجمه معنی پیدا کننده بدون مثال المسمکات
 بمعنی مرفوعات یعنی آسمانها و در و ابجای باری ساکنه بمعنی بلند کننده **قوله** جبار القلوب علی فطر تاجا بمعنی نهان
 بر منی جلیت و طبعیت **قوله** لما اغلق یغم اول کثرات بمعنی للیغول **قوله** و الدامغ بمعنی ملاکند **قوله** لحشیا الا باطل
 جمع حشیه و آن مره است از جانش معنی فواره زد و بلند شد و باطل جمع باطل **قوله** کما حل یغم بای مهر و کیمیر مخدوره و بر منی
 للمفعول **قوله** فاضطلع بالمرک اضطلع بضایع بمعنی برخاسته امر تو بنار فوت او بر ان **قوله** مستوفز البصیغه فاعل
 بمعنی جاری شونده **قوله** لغیر یکن عن قدم کل بر وزن لفظ و حل بمعنی حبل یعنی اقدم **قوله** لا و هن غم و هن
 و در و است و بی یای مشاء تحتیه بمعنی لغزش **قوله** اعیای عی حافظه و ضابط **قوله** نقاد لفتح فون و در اخذ ال معجمه
 کردن امر و در و ابجای فی علی است **قوله** وری از ابر است بمعنی روشن کردن آتش **قوله** قبسا بفتح شین آتش صاحب
 مواهب که در بخار از ان سلام و حق است **قوله** لعلس بمعنی طپنده آتش و حاصل ان بخار اینکه وی صلی علیه و سلم ظاهر
 نوری از حق برای طلب آن پس در ان سبیه وی صلی علیه و سلم بر روشن کردن آتش و اظهار حق **قوله** الا الله جمیع
 بکیر حمزه یا فتح آن شبنون با کبیر حمزه و سکون لام و تنوین بمعنی نعمتها **قوله** هدیت بصیغه منی للفعل و منی للمفعول **قوله** انزل به نزل
 کرد **قوله** موصحات بصیغه هم فاعل هم مفعول **قوله** نارات جمع ناره یا نولف نوارب **قوله** خزن بصیغه با نذر
 و در و اخازن بصیغه هم فاعل آمده و در و آخر ان بصیغه خرج خزیه **قوله** عدک بفتح عین و سکون ال ملحق و ملحق
 است یا حبت عد **قوله** اجزه بجمه و صل و کزای **قوله** منارات بفتح میم و فتح و و من مشدود جمع مناره بفتح میم
 کو **قوله** من فوزنا و زای طفرافین معصو **قوله** نوا بک المضمون هم مفعول است ارضین بضایع بمعنی بخیلی نوا
 بفتح است ان بخل کرده و در و نوا بک المعلوم آمده بمعنی ستویب بفتح حیم و حتی **قوله** حزل بمعنی عظیم **قوله** عطاءک
 المعلوم هم مفعول است از علل التختین بفتح رب و هم مقابل نهل است بفتحین بمعنی شرب اول امر و در بخار عطاء بوز عطاء است
 علی بنار الناس در و ابجاء البانین اردت یعنی نیا کنند کان **قوله** نزل بفتحین بفتح اول و سکون نانی جر که میبارد
 برای همان و در و ان نزل است **قوله** من انبعاثک بمعنی معید از باب الفاعل و در و ابجاءک بمعنی اتصال اشیاء
 مخدوم فاسی و شرح و لایل اخیرات گفته که اتصال الیغ است **قوله** انطلق عدل بمعنی مخدوم متصل مستقیم **قوله**

خطبه فی جمیع طایفه مستوره یعنی امرا و اعیان و فضل یعنی قطع مراد از آن مرافا صلیان حق و باطل صحتها و شفا و التبر
 علی بنی ائمه آورده است ان الله و ملائکته یصلون علی النبی و آله الذین امنوا صلو علیهم و سلموا تسلیما
 اللهم ربی و سجدوا لله البر الحکم و الملائکة المقربین و البینین و الصدیقین و الشهداء و الصفا
 و ما یستحق لک من شئ یارب العالمین علی محمد بن عبد الله خاتم النبیین و سید المرسلین و امام
 و رسول العالمین الشاهد البشیر الداعی الیک باذنه السلام خاتم النبیین و سید المرسلین و امام
 واقف نشستم بر اصل این روایت منها است که در روایت آمده است که دنیا ربوی حرمه است سوال کرد از انس بن مالک رضی الله عنه که آیا بریدی از حضرت
 صلی الله علیه و سلم کیفیت صلوة نامه گفت اری صلوة نامه این **اللهم صل علی محمد و آل محمد** ان تصلی علی محمد و آل محمد
 كما یبغی ان تصلی علیهم این بود و فی الف است مروایت ابی سعید را که در تشریف المصطفی بر آورده صلوة تلوید من
 صلوة ترک گفتند که صلوة ترا چیست رسول الله گفت که میگوید **اللهم صل علی محمد و آل محمد** و خاموش نشود بلکه بگوید اللهم
 صل علی محمد و علی آل محمد شیخ ابن حجر می گوید که گفته اند این است اولی ثابت از حافظ سخاوی و در حق روت
 تا نیک گفته است واقف نشدم بر آنکه ان منها است سید که ابن عباس رضی الله عنهما در باز می گفت اللهم تقبل شفا
 محمد الکبری و ارفع درجته العلیا و اعطه لک فی الآخرة و الاولی كما اتیت ابراهیم و موسی منها
 در روایت ضعیفه است که گفت و صلی الله علیه و سلم اللهم انی اسألك الله یا رحمن یا رحیم یا جبار المستعین
 یا امان الخافین یا عا د من لا عا د لیه یا سدا من لا سدا لیه یا ذخر من لا ذخر لیه یا خیر الضعفا یا اکثر
 الفقرا یا عظیم الرجاء یا منقذ الملک یا منجی الغرق یا محسن یا مجل یا منعم یا متفضل یا
 عزیز یا جبار یا منیر انت الذی یجعد السواد اللیل و ضوء النهار و شعاع الشمس و خفیف السحاب
 و دوی الماء و نور القمر یا الله انت الله لا شریک لک سألک ان تصلی علی محمد عبدک و رسولک
 مقصود شیخ ابن حجر می گوید که این روایت شتم است بر وصف الهی به او صافیکه در آمده است بان حدیث صحیح و نزول
 است شمس و زام که اسما الهی توقیفی است و ثبوت آن بحجین ضعیف صورت پذیر نیست پس جایز نیست خداندن مثل این
 تا که وارد نشود روایت صحیح منها آمده است در روایت موصوفه که هر گویا **اللهم صل علی محمد و علی آل محمد** فی
 الاولیوم الاخرین و فی الملاء الاعلی الی یوم الدین اگر در یاد آید او شود و در خزان اقلام و فرسنگان کاتبان
 بر اینه فانی گردد و او شکسته شود اقلام و زرسند فرسنگان ثواب انرا صحتها و شفا فی این سبب شرف المصطفی آورده که در
 صلی الله علیه و سلم تشاند و بر امیان خود و میان ابی بکر رضی الله عنهما پس صحابه عجب خود نذران زیر که میان وی صلی
 علیه و سلم و امیر المؤمنین ابی بکر صدیق رضی الله عنهما کسی نمی نشست و و صلی الله علیه و سلم بعد رفتن آنروز فرمود که این مرد میگوید
 خود **اللهم صل علی محمد** کما تحب و ترضی لک حافظ سخاوی ده گفته که واقف نشدم بر آن و بر تقدیر ثبوت اجل است

[illegible]

محبوب بانی سید الفاضل فی رضى الله عنه من صیغہ اللام صل علی محمد وعلی آل محمد ما اختلف الملوان وتعا
العصران وتکرار الحیدان واستقبل الفرقان وبلغ روح محمد وازواج اهل بیتہ من العقبہ والسلا
حسین کاشفی در تحفه الصلوۃ آورده کہ مردی نزد سلطان محمود سبکتگین آمد و گفت از من سخن آید کہ بفرمایید از اعلیٰ العبدی سلم و در جواب
ببینم دو شش ساعت سعادت بدین دولت شرف شوم و عرض کردم کہ یا رسول اللہ ہزار درم قرض دارم و برادران قادریت می ترسم کہ اصل
و در سه و بار قرض برگردم بابت آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمود کہ نزد سلطان محمود برو و ہزار درم بگیر کہ یا رسول اللہ سید اوزن سلیمان
و زانی طلبہ فرمود بگوید آن نشان کہ در اول شب تکیہ میکنی ہے ہزار درم و دو ہشت ہزار درم و در بر من بفرستی چون سلطان محمود
این واقفہ شنید بگریہ در آمد و تقدیق وی کرد و ترغیب داد و فرمود از دنیا بگریو و طاف و نمود چون ارکان دولت متعجب شدند استفہاد
و گفت کہ اول شب با تو میباشم نمی بینم کہ تو بصلوۃ اشتغال میکنی اگر کسی تمام روز و شب بعبادت نماید ہشت ہزار بار در دو کفین خود اندازد
باز آن کسست چگونہ این امر صورت می بندد گفت کہ از علمائے شیعہ بودم کہ ہر کہ این درو و یکبار بگوید مقابلہ ہزار است من در اول شب
و در آخر شب ہزار بار این درو و یکبار و چنان میداد کہ شرف ہزار درم و در تمام ہجرت میداد نام کہ این درویش آورد و است آن کہ بہ ہزار ہزار
بود کہ سخن علما را نہ و غیر خدای تعالی سلم بر آن کوای شیخ الحق عبدالحق ملوی تیرین درویش و در جواب او فرمود کہ از غیہ زیارہ
الفرقۃ واستقبل الفرقان صیغہ اللام صل علی سیدنا محمد و آل محمد صلواتہم اجمعین لک رضا و لحقہ ادا
واعطہ الوسیلۃ والفضلۃ والدرجۃ الرئیعۃ والبقعۃ مقام محمود واجزاه عنا افضل ما جازیت
نسباً عن امته وصل علی جمیع خواندہ من البنین والصدیقین والسیدین والصالحین وعلی جمیع
الاولیاء والمؤمنین وعلی جمیع ملائک من اهل السموات والارضین وعلی جمیع ذل الصالحین علیہا
صعیم ارحم الراحمین شیخ عبدالحق ملوی بعد التعلیل آن کردہ این غلط عاید نا ایستہ فی الدین عبد القادر الامجدی کہنے کہ خواندن این صلوۃ بکثر جمع
است او و تحفہ الزہدین این دو باب مذکور آورده کہ گفتار امام غزالی ہے عندئذ تراست باخواندہ ہرگز تراست و در ہر جمع ہزار ہزار جمع ہزار ہزار
آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم صیغہ اللام صل علی سیدنا محمد وعلی آل سیدنا محمد صلواتہم اجمعین
الاهوال والافات وتغنی لنا با جمیع الحاجات ونظہرنا باہا من جمیع السیئات ونرفعنا باہا عند
اعلیٰ الدرجات وتبلغنا باہا اقصى الغایات فمن جمیع الخیرات فی الجوف وبعد المات قصہ این درو
در باب ثبات صلوۃ مذکور شدہ است صیغہ اللام صل علی سیدنا محمد البنی الاہی الطاهر الزکی صلوۃ مثل
العقد وتغلب باہا لک صلوۃ تكون لک رضا و لحقہ ادا وعلی الد و صحبہ و بابرک سلام شیخ عبدالحق
ملوی رحمہ اللہ بر حاشیہ جہد القلوب نوشتہ است کہ خواندن این درو در دل مار و نرسد کوسنہ را کشادہ کرد اند و حاجات را تقضی
سازد و ہجوم و گریہ دفع نماید صیغہ اللام صل و سلم و بابرک و کرم علی سیدنا و نبینا محمد عبد و نبیک سلام
البنی الاہی بنی الرحمۃ وشفیع الامۃ الذی ارسلہ حجتہ للعالمین وعلی الد و اصحاب و اولادہ و در

واهل بيته الطاهرين وعلى اذ واجه الطاهرات أمها المؤمنين افضل صلوة وانزلني سلاما
وانني بركات عدد ما في علمك وزنة ما في علمك ولا ما في علمك وهذا كما أتت وصليخ رضاك و
صل وسلم وبارك كرم كذلك كله افضل صلوة وانزلني سلاما وانني بركات وعن جميع الانبياء و
المرسلين وعلى آل وازواجهم واصفاهم كل منهم والتابعين وورثته واولاده كرويه شيخ عبد الحق دهلوي رحمه الله
القول على سيدنا الشيخ محمد بن عبد القادر المسيلين الامين وعلى كل ولي لله العالمين وسائر المؤمنين
من الاولين والآخرين عدد ما علم الله وصلا ما علم الله وزنة ما علم الله وارحمنا الهنا بحسنهم اجمعين
واشفنا وعافنا من كل افة وعاهة واعف عنا واعملنا بطهارة الجليل ولا تسلط علينا بد نوبنا من
يرحمنا بوجنتك يا ارحم الراحمين آمين آمين آمين وانفع صلي نقل كرده كه هر كه مواظبت نمايد برين صلوة نجات
خدايتعالى يافتد و تبارك و تكبر و از هر حادى نصيحه اللهم صل على محمد النبي كما امرت ان فصل عليه وصل على محمد
النبي كما ينبغي ان يصلي عليه وصل على محمد النبي بعد صلي عليه وصل على محمد النبي تجد من لم يصلي
عليه وصل على محمد النبي كما يحب ان يصلي عليه حسن كاشفي در تحفة الصلوة از اثار الاحاديث از زبدة العس
عنه نقل كرده كه يكى از مشايخ صلي عليه وسلم كه شنت اخفرت صلي عليه وسلم فرمود كه اين مرد هر روز آن قدر اعمال
قبول مي كند كه بهر يكى از اوقات من نخواهد بود كند كه اين كرامت چه چيز بانه فرمود كه جبرئيل با من مي آمد كه من
چون جبرئيل را ديكر نازل شد اخفرت صلي عليه وسلم ازو پرسيد كه هر روز چه را اين مرد بخواند صيحه صلوات الله و ملا
وانبياء و رسلا و جميع خلقه على محمد وعلى اله و عليهم السلام و رحمته وبركات حسين كاشفي در تحفة الصلوة
رياض المذكرين از زبدة امير المؤمنين على كرم الله وجهه نقل كرده كه هر كه هر روز سوره بارود روز جمعه بار اين در و ديگر بديستى
فرستاده باشد بر غير خدا صلي عليه وسلم بدو بهر خلاق در روز قيامت مرز و مرز خواص اخفرت صلي عليه وسلم سبع و شصت و
صلي عليه و ست اكس كفته بهر شيت در آيد صيحه اللهم صل على محمد ملاء السموات ملاء الارض ملاء
العليين اين صلوة را شبلى عليه الرحمة هر نماز پس از خواندن آيه لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنكم حرم
عليكم بالمؤمنين و ذرهم فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم
بخوابد استيب صلي عليه وسلم در روز و شب انجا حسين او بركه او كه ما سابقا صيحه اللهم صل على محمد وال و عدد دما
اللهم صل على محمد واله ملاء ما خلقت الله صل على محمد وال و عدد دكل شئى اللهم صل على محمد
ملاء كل شئى اللهم صل على محمد واله عدد ما احصا كتابك اللهم صل على واله ملاء ما احصا كتابك
اللهم صل على محمد واله عدد دما احاط به علمك اللهم صل على محمد واله ملاء ما احاط به علمك حسين
كاشفي از فتوحات كليه نقل كرده كه سلطان ابراهيم او هم رحمة الله عليه و در حرم حجة اقتضا و قبة المصطفى باخبار ثمانية مهمم استاذي

مریک کلمات نایب بوی اموشند و گفتند که ما را برکت این کلمات تفری کلی هست تا حال مواجب بخت این بر باغبی میزند و نوابین
 سیاست سلطان ابراهیم جرمه بدقیقه العمر بران موافقت نموده **صیغہ** اللام صل علی سیدنا محمد مطلق عنان جواد
 الايمان فی میدان الاخسان منسلا امرشدا الی الیماح الکرم فی روض الجنان و علی الخمد و سلم حسین
 از شیخ سوادین جموی رحمه الله نقل کرده که هر که این نوع درود بر حضرت صلی الله علیه وسلم فرستد بر اینه یا همان زیاده بارود **صیغہ** اللام
 علی سیدنا محمد مفروق فریق الکفر و الطغیان و مشیت بغات جیوشن القرین و السیطان و علی الخمد
 و سلم حسین کاشنی از شیخ الکبری عنده نقل کرده که خواندن این درود موجب امن از شر شیطان و دفعه نفس و **صیغہ** اللام
 علی سیدنا محمد صفا الفرق و الفرقان و جامع الرزق و منفرد من سماء القرآن و علی الخمد و سلم حسین
 از شیخ الکبری عنده نقل کرده که هر که این درود خواند هرگز بدست ظالمی مبتدا نشود و در ارضی تعالی از اجتناب و تنگ سستی نجات یابد و **صیغہ**
 اللام صل علی غرصات القیمة اللام صل علی محمد حین تقوم الساعة و الطامة اللام صل علی محمد صلوة
 خالصه من الملامه اللام صل علی محمد صلوة مبلة علی السلافة اللام صل علی محمد صلوة فافضة علی
 الکرامة اللام صل علی محمد کل حین اوان اللام صل علی محمد فی کل زمان و مکان اللام صل علی محمد
 بکل لسان و جنان اللام صل علی محمد عند ظهور کل حکمة و بیان اللام صل علی محمد جسا کتاب العزیز
 الفرقان اللام صل علی محمد صلوة مجابین کن و مکان حسین کاشنی از شیخ سعد الدین رحمه الله نقل کرده که در بیاض
 دروغ بود وی صلی الله علیه وسلم این زیاده کلمه فرمود و یا صلاح و انشاء حضرت صلی الله علیه وسلم کتاب کرده و در آخر این عبارت خود
 زیادت نموده و صل علی جمیع اخوان من البشیر و الصدیقین الشهداء و الصالحین صل القبله و الايمان
 و الکتاب المیزان یا احسان یا منان و اغفر لامة نبیک حبیب محمد علیه الصلوة و السلام و اسلمکم
 الجنان و احسن الیم یا ولی الاحسان و ادخلهم برحمتک الرضا و الرضوان و الرحمة و الغفران و اعیدکم
 من الشیطان و المیلان برحمتک یا ارحم الراحمین و گفته که خواندن این صلوة در وقت غرض حاجت موجب است و
 و امن از مخافات است و اکثر بزرگان بخبره این کرده اند **صیغہ** اللام صل علی محمد صلوة لاحقة بنوره اللام صل
 علی محمد صلوة مقدره بنذکره و مذکور اللام صل علی محمد صلوة مجابین قر و سلم اللام صل علی محمد صلوة خطبه الطهر
 و صل علی محمد صلوة منقذ اصحابه اللام صل علی محمد صلوة شاحنة منقذة فی مسطوره
 و صل علی جمیع اخوان من البشیر و الاولیاء و بعد و عباده و ما و به بین الماء و ظهوره و النور و ظهوره
 و الحق و اصوره حسین کاشنی هم از شیخ سوادین نقل کرده که در همان فرقه مذکوره از آن حضرت صلی الله علیه وسلم در معالیه این صلوات
 خواص نواید آن بسیار است **صیغہ** اللام صل علی محمد کل فیتره الف الف مرة حسین کاشنی گفته که یکی از خلفای شیخ کن
 علار الد و اسمانی رحمه الله آن حضرت صلی الله علیه وسلم را در خواب دیده که هر سید که حکونه در دو کوب بر تو فرمود که این صلوة بگو **صیغہ**

[illegible]

[illegible]

في العالمين انك حميد مجيد ورازك انور ورازك كرمه لفظ عبدك رسول الله صلى الله عليه وسلم عبدك محمد بن عبد الله بن عبد
 كرمه لفظ النبي الا في بعد بآرك محمد وبراك عترتك كرمه استيك لفظ امهات المؤمنين بعد انوار اولفها
 بليتة بعد ذريتة ولفظ عبدك ورسولك بعد بآرك على محمد ولفظ في العالمين انك حميد مجيد مشر وبارك
 لفظ و ترجم على محمد انك حميد مجيد خبر ولفظ صل علينا معهم بعد انك بآرك ورازك كرمه لفظ النبي الا في بعد بآرك
 ابن الفا و اوردت **سيرة** ولفظ استك شخ متحق كمال الدين بن محمد متحق جميعا ووردت بين صغير موجود الله الام صل
 افضل صلواتك سيدنا عبدك نبينا رسولك محمد والو سلم عليكما و نزهة شرفا و تكريم و اذ
 المثل القرب عندك نجم القيمة چهار و هم جميع كرمه بعضا جميعا و اوردت و راجد و رين صغير الله الام صل
 وبارك و ترجم محمد عبدك و نبينا رسولك النبي الا في سيد المرسلين و امام العقين خاتم النبيين
 امام الخيرة و قائد الخير و رسول الرحمة و على اذ واجد امها المؤمنين ذريتة و اهل بيتة و اهل بيته
 و انصاره و اتباعه و اشيا و محبها صليت و باركت و ترجمت على ابراهيم و على آل ابراهيم في العالمين
 انك حميد مجيد صل و بارك و ترجم صلواتك اذكي بركا انك كما ذكرنا لذا كرون
 و غفل عن ذكر العافلون عدد السقح و التور و عدد كلمات التامات المباركات و خلقك
 رضى نفسك زنت عرشك مدار كلماتك صلوة دائمة بدوامك اللهم العن يوم القيمة مقاما محمودا
 بالاولون و الاخرين و انزل المقعد المقرب عندك يوم القيمة و قبل شفاعة الكبري و ارفع حجة العباد
 واعط سؤالي الاخرة و الاولى كما اتيت ابراهيم و موسى اللهم اجزني المصطفين حجة و المقربين مود
 و في الاعلين ذكره و اخره عنا ما هو اهل خير ما جزني شيئا عن امته و خير الانبياء كلام خير صلوة
 الله و صلوة المؤمنين على النبي الا في السلام عليك يا النبي و رحمة الله و بركاته و مغفرة و رضوان الله
 منا السلام و انزل علينا من السلام و اتبعنا امتك ذريتة ما تقر به عينه يا رب العالمين يا نزل و هم
 ابن محمد كرمه لفظه كرمه من ميل و ارم لبوان و يخو انما لها ايت الله الام صل على محمد عبدك و رسولك النبي الا في و على آل
 محمد و اذ واجد امها المؤمنين و ذريتة و اهل بيتة كما صليت على ابراهيم و على آل ابراهيم في العالمين انك
 حميد و بارك على محمد عبدك و رسولك النبي الا في و على آل محمد و اذ واجد امها المؤمنين و ذريتة و اهل
 بيتة كما باركت على ابراهيم و على آل ابراهيم في العالمين انك حميد و كما بليق بعظيم شرفه و كماله و رضاك عنه
 كما تحب و رضني لعد معلوماك مدار كلماتك و رضني نفسك زنت عرشك افضل صلوة و اكملها و
 امها كما ذكرنا لذا كرون و غفل عن ذكرنا ذكره العافلون و سلم تسليما كذلك و علينا
 و لفظة كرمه لفظه كرمه من ميل و ارم لبوان و يخو انما لها ايت الله الام صل على محمد عبدك و رسولك النبي الا في و على آل
 محمد و اذ واجد امها المؤمنين و ذريتة و اهل بيتة كما صليت على ابراهيم و على آل ابراهيم في العالمين انك

و در تحفه الخیر جذب القلوب هم گفته اند که این کیفیت افضل و شریف و جامع است از عری از شافعیه این قم از خاندان و این جزوی
 گفته اند اولی آنست که بجز صغیر که در حدیث وارد است علیحدّه در وقت از اوقات بخواند تا ایتان بحسب آنچه در روایت کرده باشد
 و بتفقی سیان صبح متکرم احد اصغیر دیگر است که حدیث محمد بن عبد الله در حدیث خود روایت کرده است لیکن این حدیث نقل کرده از جمعی از صحابه
 بعد از پیغمبر که در ستادین صلوة بروی صلی الله علیه و سلم توقیف نفوذ نیست بلکه هر کس حق تعالی بیانی شافی و قوت تعجیر
 صحیح الفاظ فصیح کرامت کند و بدان اظهار و امانت عظم حرمت و کمال شرف نبوی صلی الله علیه و سلم نماید و بان شاء صلوة و بیا
 باینکه مشرف کرد و از تمسک این صلوة اعلیّه و سلمو السلام چنانچه از مسجود در آنست گفته نیک صلوة در بنشیند و سبک در این
 که شاید آن عرض کرده و بروی صلی الله علیه و سلم و بعضی از آن در تفسیر کریمه قول الله انما حسنا گفته اند که از آن ناسخ حضرت صلی
 علیه و سلم است بطریق کرام و در او خالص مراد از حسن قول صلوة بروی صلی الله علیه و سلم است اینی از وی است حال صلوة اگر چه از بعضی صحابه
 باشد افضل است زیرا که الوارثه و من کلا جابه گفته اند و قول بعضی نیک ثواب صلوة نیست مگر در ایتان بصلوة و در
 پس معلوم است که محال ثابت زیرا که در ایتان آن تلبس العاظمی صلی الله علیه و سلم است **مورد چهارم** در خصوص صلوة
 بر آنحضرت صلی الله علیه و سلم بصلوة برابریم و آن از صلی الله علیه و سلم و علی الهما و سلم چون رکعات الهی یا سجده یا از ایتان صلوة
 نیاید است جمیع آن حجت و برکت مگر برابریم و آن از او صلوة السلام قال الله تعالی حجه الله وبرکاته علیکم اهل البیت
 خلیل اینست مخصوص تشبیه و علیه السلام و نیز برابریم افضل ایتان بعد از صلی الله علیه و سلم و نیز برابریم از ایتان حضرت است صلی
 علیهما و سلم بر توبیت از غیر نیز شایسته است از فضل او غریب باشد نشاید بخت و نیز نموده و در آنحضرت صلی الله علیه و سلم برابریم
 علیه السلام و در آن تعالی مملکت ابراهیم و نیز در آن جانب عابریم است علیه السلام گفت و اجعل لیان خلیل
 فی الاخرین و نیز آنحضرت صلی الله علیه و سلم ما موید بر اقتدای برابریم علیه السلام و نیز ابو محمد جبار گفته که در تشبیه ابراهیم به موسی
 علیهما السلام آنست که موسی آنجا که کمال بود که قال تعالی اخبر موسی اصعبا و خلیل را علیه السلام محلی کمال بود
 زیرا که محبت و خلقت از آن محلی کمال است و بیجا علم منافیه دارند زیرا که از نور است که منبیه درون باز نشیند و در اینجا
 بر عکس آنست زیرا که محمد صلی الله علیه و سلم افضل از ابراهیم و آل او صلوة السلام و جواب آن میدهد بجنبه اولی آنکه این تشبیه
 قبل از علم آنحضرت صلی الله علیه و سلم بود با فضیلت خود از ابراهیم علیه السلام بر او رفته است از حدیث انس رضی الله عنه که
 در آنحضرت را صلی الله علیه و سلم گفت یا حیو البریه او را فرمود که ابراهیم و بران اعتراض کرده این سخن کرد و در
 بود بر آن صلی الله علیه و سلم بعد علم با فضیلت خود و تغییر او در کیفیت صلوة را در و حکم تشبیه بی نواضع است و نواضع مندرج در آن
 نعدم است بتواضع که موجب تسایف فضیلت و ثواب است ابراد کرده بر آن مندرج بتواضع است بتواضع خلایق است که موافق خلایق
 انشود **سیوم** تشبیه اصل صلوة است باصل صلوة تشبیه را آن تقدیر آن یعنی چنانچه متقدم شد است صلوة توبیر
 ابراهیم بر ابراهیم صلوة سکون از توبیر بطریق اولی جبر که آن ثابت است و فاضل اولی است ثبوت آن بر افضل از آنست

علیه السلام واکثر آنکه شیه را بر سجده صلوات بر ابراهیم علیه السلام و آل او ثوابی مثل ثواب کسیکه
 در دو فرسخ برابر ابراهیم و آل او بگذرد و آنکه بگوید این چه ظاهر است و هم تشبیه حق تعالی نیست بلکه کسی که او را هم میشود مانند قول و میثاقی مثل
 نوره کشف کوفه و چه واقع است و تشکله را از نوری تعالی لکن چون مقصود ظهور و وضوح نزد مسامح و درشت تشبیه نوری تعالی
 و در اینجا نیز همچنان است که هرگاه تعظیم ابراهیم علیه السلام و آل او میشود و در هر چه است طلب مثل آن بر آنکه آنحضرت صلی الله علیه و آله
 و مؤمنان است ذکر لفظی العالمین بعد ذکر آل ابراهیم فقط بعد از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم چنانچه در دو است و مسلم و غیر او و در حاشی
 آنکه الهی چنانچه ظاهر کرده صلوة برابر ابراهیم و آل او علیه السلام و عالمین هر کس صلوة برابر آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم و آل او پس شیه از باب
 غیر شیه است از باب الحاق ناقص کامل یا در هم انداختن آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم از آل ابراهیم علیه السلام پس بگویند که امر در بار
 صلوة برابر آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم و آل او خصوصاً بعد از صلوة ابراهیم علیه السلام و سلم برابر ابراهیم علیه السلام و آل او عموماً پس صلوة برابر ابراهیم
 و آل او که آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم داخل ایشان است اقوی از صلوة برابر آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم و آل او فقط پس حاصل شد از صلوة
 مراد محمد را صلی الله علیه و آله و سلم آنچه لایق با ایشان است و آنچه باقی ماند کمال حاصل است از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم و آل او از دید و فصل
 است از آنچه مراد است قطعی و واضح و هم مراد از اللام صلی الله علیه و آله و سلم و آل محمد الخ آنست که الهی بگردانی از نسخ
 صلی الله علیه و آله و سلم کسیکه در امر دین تبیین و عیار چنانچه صلوة فرستادی برابر ابراهیم علیه السلام پیدا کردن انبیا علیهم الصلوة و السلام
 در آل او و صلوة فرستی بر آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و عطا می کنی حدیثی است از ایشان مراد ایشان را چنانچه صلوة فرستادی بر آل ابراهیم
 علیه السلام و عطا می کنی و فرجی را نیز از ایشان است آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم و انبیا علیهم السلام اندر تشریع دین و احکام آن چنانچه در
 و ادوات علماء اصبی کانبیا ابی السبیل این توجیهات را شیخ ابن حجر مکی در کتابی منقول آورده حدیثی است از مسند ابی یوسف
 بزرگ بعضی از آن شد و هم وجه شبه اینست که هر دو حدیثی است از فضل است از صلوة بر سابقین پس صلوة بر سید المرسلین
 علیه السلام افضل از صلوة بر سابقین و از ایشان است ابراهیم علیه السلام چنانچه صلوة برابر ابراهیم علیه السلام افضل است بر
 بر جمیع انبیا سابقه علیهم السلام این چه راهی است از اجداد الدین و دانی را از قدوة الامام سید عبد الرحمن فی قدس سره در
 خود نقل کرده و تحسین آن نموده و گفته که بالمشابهة از نسخ شنیده ام و از ابراهیم و آل او افضل است صلوة بر آل محمد از صلوة بر آل
 ابراهیم علیه السلام و آل او که تفصیل مجموع بر مجموع است و نیز جایز است تفصیل مغفول مغفول و جود فضل خیر من
 فضل کلی نمیشود پس ممکن است تفصیل صلوة بر آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم بر صلوة بر آل ابراهیم علیه السلام باعتبار بعضی وجوه
 در حدیث است آنکه عباد البسوا یا انبیاء و یضبطهم کالانبیا و بدستی مراد است تعالی را بندگان اند که نمیشوند
 و حال آنکه از روی آنها میکنند سخن از ابراهیم و آل او و اینکه وجه شبه اقوی باشد در شبهه و لکن خود درین توجیه منقول است جواب
 داده که صلوة برابر ابراهیم و آل او علیه السلام مشهور متعارف است بین الامم پس قوت از روی شهرت کافی است و از ابراهیم
 باینکه در اول مراد این جواب کافی است احتیاج بچندین تکلف نیست جواب داده که در صورت انکشاف این در اول و بعد از تفصیل صلوة برابر

صلی الله علیه وسلم بر صلوٰه برابر ایم علیه السلام از عبارت جواب معلوم نمیشود و لهذا در کتب حدیث کثرت حاصل تمام سلامه ملا جلال ادوین
 در این باب و هم در فواید متفرقه فاعده در جواز دعا بر جهت برای آنحضرت صلی الله علیه وسلم خلاف است این
 عبد البریه منع کرده زیرا که در این باب نقص و قصور در نظر فرمان مجید صلوا و سلموا و کذلک در حدیث من صلی الله علیه وسلم ترجمه
 و جمیع از علماء در آن میکنند بود و در آن را حدیث صحیح است آن حدیث است السلام علیکم ایها النبی ورحمة الله وبرکاته
 و تقریر آنحضرت صلی الله علیه وسلم را این که خضر و ی صلی الله علیه وسلم گفت اللهم ارحمني فی ارحم محمد و ابی و صلی الله علیه وسلم انهم
 ای اسألك الله من عندک اللهم ارحم محمد و ابی و صلی الله علیه وسلم استغنی و ابی و صلی الله علیه وسلم شافعی خود خطبه سوره خود
 علیه وسلم و رحم و کرم و جمیع گفته اند که مستح است از ادان از صلوٰه یا سلام گفتن نشود تنها علی النبی ورحمة الله زیرا که در آن ترک نمود
 و خلاف است بنا بر استلام آن تسبیح و ایسان صلی الله علیه وسلم و از ادان است و اما جواز بر سبیل شیعیت صلوٰه و سلام پس در وجوه الفنا
 است اکثر شیخا جاز از تبعات و نقل و تقریر صلی الله علیه وسلم بنا بر تالیف ابی ابوبه یا بنا بر محبت زیرا که وی صلی الله علیه وسلم گفته است
 نه خود انتقام نموده قاضی عیاض این قول را در کمال از جمیع نقل کرده و در طبع گفته که همان است قول صحیح حسب مطالع المستفاد
 حق همان است و اما غرض از این نیز خبر گرفته است بعد جواز آن بانقراد بدلیل قول و متعالی لا تجعلوا دعا الرسول کدعا بعضکم
 بعضا و ممکن است که محل کرده شود بر این قول ابن عبد البریه شیخ ابن حجر مکی خبر می دهد که گفته اند ظاهر قول ابی و صلی الله علیه وسلم در
 دلیل جواز است بدین التفاهم صلوٰه یا سلام و توان بعد جواز محمول است بر آن جواز شوی الطرفین پس صادق آید یا بلکه مکرر است یا خلا
 اولی است و اما لفظ ترجمه پس نام نودی و این بی غیر آنها ترجمه شده اند که زیادتین در صلوٰه بدعت و لا اصل است و جمیع از اینها
 که جامع این میان حدیث و دفعه لغت آنها کرده میگویند که جمیع بعض شافعی و حنفیه و مالکیه زیادتین با جا و تشکیک در آن این
 آمده صحیح نیست زیرا که همه روایات که در آن لفظ ترجمه است و استی و سند آن خالی از کذب یا متهم کذب و وضعیت و عمل حدیث ضعیف
 در فضائل اعمال مبنی بر عدم استند و تضعیف چنانچه یکی کرده اند و در حدیثی از ابی شافعی در انکار زیادت در حمت بسیار
 و گفته اند بعضی مردم زیاده میکنند و ارحم محمد و ابی و صلی الله علیه وسلم و حال آنکه آن غیر وارد و غیر صحیح است زیرا
 گفته نمیشود رحمت علیه بلکه میگویند رحمتی بر محمد و ابی و صلی الله علیه وسلم و بلکه مستوفی میگردد و اما ترجمه پس این معنی تلفظ است
 و اطلاق آن در حق و تعالی غیر مستحسن نماند که قول صیدنی بعد صحت ترجمت مسلم است و در حمت علیه غیر مسلم بود که صفا
 از بعضی متقدمین ائمه لغت نقل کرده که ترجمت علیه حسن و خطاست و صواب حمت علیه بقصد احاد اما رحمت علیه کبرای
 پس تا موس گفته که مستوفی نیست از مشایخ ائمه لغت و بر تقدیر صحت نقل در غایت شد و وضعیف است و این بوسیله شارح و جواز
 جوهری نقل کرده که رحمت علیه میگویند انتی بسلام حمت متضمن صلوٰه است پس صحیح است تقدیر علی و اما قول وی که ترجم
 مستحکف است متضمن لغت متضمنه و متفضل که در شرح اطلاق آن در حق و تعالی آمده است اگر کسی گوید که وی صلی
 علیه وسلم غنی است از رحمت بنص قرآن مجید و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین پس جمیع اینها است و اما سبوی

بجنت کوم که بوزن وی صلی الله علیه وسلم رحمت برای خلق از جمله رحمتها الهی و مردی تعالی را رحمتی دیگر است بآنحضرت صلی الله
وسلم که طلب کرده میشود و ما رحمت حصول نظر آن کذا قال الشیخ ابن حجر المذنب رحمه الله **فائدة** در زیادت لفظ
سیدنا پیش از نام ترفیع آنحضرت صلی الله علیه وسلم خلافت محمد الدین لغوی جمیع است گفته که ظاهر آن است بنا بر اقتضای آنچه
شده است در حدیث معروفی که گفته یابد و در آن شیخ خوالید بن عبد السلام بنا کرده است بر اینکه مثالی از افضل باسلوک یق
ادب پس بر تقدیر این مستحب است انتی شیخ ابن حجر کلمی ره نیز باین استجاب شده و گفته که سلوک یق ادب اولی است از مثالی
زیرا که چون امیر المؤمنین ابو بکر صدیق رضی الله عنه در حالت امامت خود آنحضرت باصلی الله علیه وسلم دید متاخر گردید مکان خود
و آنحضرت صلی الله علیه وسلم امر کرد و بنیوت در مکان او پیش مثال امر نکرد و چون و صلی الله علیه وسلم بعد از نماز بر سر میز خود
که بنا بر ادب مثال از منموم و گفت ماکان یکنیخی لا یمن تخافه ان یتقدم بیدینی رسول الله صلی
علیه وسلم نیست سزاوارتر از آنست که قافله را که متقدم شود پیش رسول خدا صلی الله علیه وسلم و در بنیاد دلیل قوی است بر آنکه
سلوک طریق ادب اولی است از مثال امر و از این سجد در اسد باینست موقوف بصحبت رسیده که نیک کنید صلوته بر سر میز شما
کرده و در آن کیفیت که در آن لفظ سیدنا امیر المؤمنین است و آن مثال است نماز و خارج آنرا و بعضی خنبان حاکم گفته که
زیادت سیدنا باسل از است شیخ ابن حجر کلمی ره گفته که این غلط و واضح است و احتیاج بعضی تعیین خارج صلوته
بجنت انکار وی صلی الله علیه وسلم بر کسیکه گفت انت سیدنا بموقع است زیرا که انکار برای فراط و در سطح است
با و صافیکه بعد از آن ذکر کرد و شیخ محقق جلال الدین محلی ره گفته که ادب یکسکه مذکور نشود مطلوب است و در شرح مذکر لفظ
سیدنا چنانچه در حدیث محمد بن ابی حمزه آمده قوموا الی سیدکم یعنی سیدکم بن معاذ و سیادت بر علم و دین بود پس قول
مصلی اللهم صل علی سیدنا محمد ایان ما مورد به زیادت اخبار با ما واقعی است انتی و بصحبت رسیده
است قول وی صلی الله علیه وسلم اناسید ولد آدم من سرور اولاد آدم و اما ابن تیمیه که فتوی تبرک
داده است پس جماعه از شافعیه و حنفیه بروی روایت شیخ نموده اند و شیخ ابن حجر کلمی رحمه الله گفته که اولایق آنست
فایده فتوی داده ابن عبد السلام ره باینکه اولی در صلوته اقتضای بر کس نیست که در احادیث مذکور اند از آل
و از واج و زریب و اهل بیت نه اصحاب شیخ ابن حجر کلمی رحمه الله گفته این ظاهر است نسبت بصلوته تشهد اما در صلوته
خارج صلوته پس اولی است ذکر اصحاب در آن زیرا که هرگاه مطلوب صلوته بر همه آل و در آنهاست غیر صحابی
نیز پس طلب آن برای صحابه اولی است بلکه قنوت حکم باستجاب آن کرده که صلوته سابقا **فائدة** بعضی گفته
اند که در نماز تعیین لفظ صلوته که در حدیث وارد است واجب است و مذکور عدم تعیین است پس کیفیت خواهد کرد اللهم
صل علی محمد و محمدین صلی الله علیه و آله علی محمدی بر قول صحیح زیرا که خبر زیادت آنکه است بخلاف آنکه صلوته علی
مرسول الله که بالاتفاق کافی نیست زیرا که خالی است از ساد صلوته بسوی خدای تعالی پس نشود آن در حدیثی وارد

و از اینجاست قول فیسألوهی حرمة الله که کافیست گفتن حکمت علی شحید زیرا که مرتبه عبد قاصر است از ان که سوال کند
 از خداست تعالی برای فرستادن صلوة بروصلی الله علیه وسلم رجایست ابدال لفظ محمد بنی و رسول الله بنی بلفظ احد و ثانی
 که مرجع متقدم شود و نه بلفظ الرسول چنانچه صیغی و عبادی از امام شافعی نقل کرده اند و اما خارج نماز پس بعضی
 گفته اند که ایان صلوة بصیغه طلب یعنی اللهم صل وسلم افضل است چنانچه در شبهه جمعی دیگر جواب میدهد بلفظ
 محدثین اتفاق دارند بر ایان آن در وقت تحدیث بصیغه خبر یعنی صلی الله علیه وسلم زیرا که نزد قرات کتبت حدیث جمیع
 عوام پس در صیغه طلب و فهم آنهاست که صلوة از خداست تعالی تا حال بر آن حضرت صلی الله علیه وسلم یافته نشود حال
 طلب آن میکنند و در صیغه خبر با وصف تضمن آن معنی طلب را این دو معنیست تاکید در صیغه خبر زیاده است از صیغه طلب کما
 انفا فاعلمه قرات قرآن افضل است یا صلوة بر بنی صلی الله علیه وسلم جزری رده محبوب داده است که صلوة بروصلی
 علیه وسلم در مواظبت که نفس بدان وارد شده افضل است غیر آن قایل نشود در مقام آن و اما در غیر انما لکن پس قرات قرآن
 افضل و عبید القادر عمید روسه جو آورده که مریدیکه از او نام و او را زیاده شده اند پس کثرت صلوة اولی
 در حق او بر انصاف کتب محل خلاص است تا مستحق قبول انوار شود و دیگر و سبک بر انصاف باشد پس قرات قرآن افضل
 مراد و انما رفع حجاب تصاعف انوار شود و در این باب از امیر المومنین علی رضی الله عنه که اگر بدستی بودی آنست من بدست
 نوب بگو تعالی نمی جستم مگر صلوة بر خیمه خدا صلی الله علیه وسلم پس بدست کشیده ام رسول خدا صلی الله علیه وسلم میفرمود
 جبرئیل ای محمد بدستم خدا تعالی میگویم هر که در و گوید بر توده با مستحق است و از سطح من رویت کرده است آنرا تعقیب
 خلد و از طریق او بنی بگو ال لکن در سندان مذلت غیر مسمی فاعلمه ظاهر کلام بعضی ضابطه و جواب زیاده لفظ یا
 علی محمد است در صلوة و این جزم گفته که واجب است اگر چه در عجم یکبار و بعضی گفته اند که ظاهر آنست که هیچ یکی از علما غیر آنجا
 نیستند باین برکت بمعنی نوب یا زیادت خیر و کرامت است و بعضی گفته اند که الظاهر عیب است و بعضی گفته اند که بمعنی استمرار و دوام
 تظہیر فاعلمه خلاف است و اینکه اگر کسی درود فرستد بصیغه اللهم صل علی محمد الف مرة و عدد کند او شل
 آیا حاصل میشود و انوار ثواب موافق آن عدد پس این عجز گفته که حاصل میشود ثواب اکثر از یکبار نه موافق عدد مذکور و بعضی
 گفته اند که حاصل میشود و انوار ثواب موافق عدد مذکور حقیقه و بعضی گفته اند که عدد لغو است و بیخ زدن در بعضی کتب و گفته که تکرار
 متوسط اولی بکرم او تعالی است و قول اخیر ظاهر است در اعتبار و نیز گفته شده که این مختلف است باختلاف احوال و اشخاص پس
 مانع است و از عجز نیست مانند کسیکه مانع است او را شغل نیست مانند کسیکه اختیار کرده است از ازار
 غفلت و شیخ ابن کمالی آورده که ابو الفرج عیدروس بن ابی المظرف سوال کرد از کیفیت صلوة یکبار درین حدیث و آورده صلوة
 علی فی یوم خمیسین مرة صاحبته یوم الفیحة رواه ابن ابی شوارب الی سلف ابو المظرف بگوید اللهم صل علی
 محمد خمیسین مرة پس حاصل نموده اند و از این بخانه بار انشاء الله تعالی و اگر بخانه بار تکرار آن کند پس بهتر است این

و موسی گفت که وی صلی الله علیه و سلم چون در نزد بعضی از واج مطهره و در حالیکه تسبیح بخواند و شمار میکرد و به شکر میزد و بپایان میآورد
 که بر آنیم گفتیم که مقابل شد بهمانرا اگر تو گفتی سبحان الله و بحمده عدد خلقه الحدیث پس این حدیث نقل
 است و اینکه هر کس که بگوید اللهم صل علی محمد ألف مرة یا عدد خلقك نوشته شود در او را باین لفظ و احرام
 صلوة یا موافق مخلوقات فائده صاحب تحفه فاکهیه گفته اند و است که مسلم مستحضر دارد حسن خلق و خلق اخفرت صلی
 علیه و سلم را آنچه مذکور است کتب شامل و اگر زیارت قبر شریف کرده است و داخل مسجد نبوی صلی الله علیه و سلم شده پس خیال کند
 پس خیال کند که ایستاده است مقابل وی شریف وی صلی الله علیه و سلم نماز کند که مستجمع خصال حمیده است و بنام شریف
 تکرار کند که این امور شرف غرات جمیده و نتایج جزئیة خواهد بود انشاء الله تعالی الحمد والمند که میضدین را به شرف
 هفتم ماه مبارک ربیع الاول نوشته بکنیز رود و صد و چهار از هجرت نبی مختار صلی الله علیه و سلم باختتام انجامید در اوایل
 محرم سه مذکوره مسوده آغاز کرده بودم و آن در عرصه سیت و شش روز با تمام

وصلی الله علی سیدنا محمد النبی الای و علی

الذین از واجبات رستید و اهل بیتید

اصحابی الضار و بعد کل

حرف ثبته الف الف مرة

تسلیاً

تمام

رابعی تاریخ از جانب سید عبد اللطیف الطف

این نسخه خوب بهر ارباب خضوع

اسناد درود گشته نیکو مطبوع

چون طبع یافت با حسن شیوع

تاریخ بگفت دل ز روی محبت

صحت نامہ کتابت اسماء از ہار فی الصلوٰۃ علیہ السلام

نمبر	کتاب	نمبر	کتاب	نمبر	کتاب	نمبر	کتاب
۸	دعو	۱۸	محو	۵	۱۸	زر	در
۱۱	ترکیہ	۱۱	ترکیہ	+	+	اختیار	اختیار
۱۸	تفسیر	۱۸	تفسیر	۶	+	از التلوی	از التلوی
۵	رسمہ	۵	رسمہ	+	+	الاف	الاف
۱۰	فرغظ	۱۰	بلغظ	۱۸	۲۰	سم	سم
۱۰	غنیہ	۱۰	تنبیہ	۱۸	۱۰	زمین	زمین
۵	زان	۵	بران	+	۲۸	سود	روز
۵	صیتر	۵	صیتر	۵	۱۰	لسبعین	لسبعین
۱۰	بیل سرف	۱۰	بیل حدیث	+	۱۲	حلبہ	حلبہ
۱۰	منع	۱۰	منع	+	۱۸	النور	النور
۱۰	قرطبی	۱۰	قرطبی	۱۰	۲۰	المنوع	المنوع
۸	اقوال	۸	قول	+	۲۰	ور	در
۶	برغم	۶	یابد	۱۸	۲۰	یابد	یابد
۱۰	مختل	۱۰	مختل	۲۰	۲۰	ابوبکر	ابوبکر
۱۱	کرات	۱۱	کرات	+	۲۰	کیم	کیم
۲۰	اوشس	۲۰	اوشس	۲۰	۲۰	حی	حی
۱۰	الفاظ	۱۰	الفاظ	۲۰	۲۰	حوائج	حوائج
۲۰	بن ادنی	۲۰	بن ابی ادنی	۲۰	۲۰	یدیم	یدیم
۲۰	عمرکہ	۲۰	عمیرکہ	+	۱۰	راین	راین
+	منقذ	+	منقذ	۱۰	۱۰	صخرار	صخرار
۱۰	نزدیکترین	۱۰	نزدیکترین	۲۰	۲۰	تلاوت	تلاوت
۱۶	جون	۱۶	یعنی چون	۳۰	۳۰	تذم	تذم
۱۰	کونند	۱۰	کونند	+	+	اور	اور

